بزرگداشت
یکهزار و چهارصدمین سال
شهادت
امیرالمؤمنین علی (ع)

به قلم:

جمعی از محققین و نویسندگان

به انضمام سروده های شعراء

بسم الله الرحمن الرحیم

بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

نویسنده:

جمعی از محققان و پژوهشگران حوزه علمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

مشخصات کتاب

نام کتاب: بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

پدید آورندگان: جمعی از نویسندگان و محققین و جمعی از شعراء مکتب اهل البیت علیهم السلام

تاریخ انتشار: شعبان المعظم ۱۴۴۰ قمری – اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ شمسی در آستانهٔ ایام شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

بهاء: صلوات و سلام بر همهٔ مدافعان از حریم ولایت علوی ، بالاخص صدیقهٔ شهیده ، حضرت فاطمهٔ زهرا سلام الله علیها

ناشر: دلباختهٔ مولای مظلوم و شهید ، امام علی علیه السلام

ص: ۱

اشاره

بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

به قلم : جمعی از محققین و نویسندگان

به انضمام سروده های شعراء

ص: ۲

« بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیم »

ألحَمدُلله رَبِّ العالَمین

وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا وَ حَبیبِنا وَ طَبیبِنا اَلَّذی بُعِثَ رَحمَهً لِلعالَمین ، وَ بَشیراً لِلمُذنِبین مُحَمَّدٍ خاتَم النَّبیّین وَ عَلی آلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ الأنجَبین ، لا سِیّما ألإمامِ المُنتَظَر ، وَ الوَلِیِّ المُنتَقِم ألحُجَّهِ بنِ الحَسَنِ المَهدِیِّ (عج) وَ لَعنَهُ اللهِ عَلی أعدائِهِم أجمَعین مِنَ الآنَ إلی یَومِ الدّین

آمین آمین آمین

ص: ۳

اهداء

این اثر ناقابل به محضر مبارک :

* خاتم الانبیاء ، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم که با اشک جاری ، از شهادت مظلومانهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام خبر دادند و آن را بزرگ شمردند .

* حضرت زهرای مرضیه سلام الله علیها که با فداکاری های بزرگ و شهادت جانسوزشان ، پیشگام شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام گشتند .

* همهٔ امامان معصوم علیهم السلام و امامزادگان بزرگواری که به خاطر ادامهٔ راه امیرالمؤمنین علیه السلام و بزرگداشت راه آن حضرت ، به شهادت رسیده و یا گرفتار زندان ها و شکنجه ها ، آوارگی ها و مصیبت ها گردیده اند .

* همهٔ بزرگان و فرهیختگان ، دلدادگان و دلسوختگانی که با علم و دانش ، قلم و بیان ، ذوق و ابتکار ، هنر و همّت ، سوز و گدازشان ، در طول تاریخ در دفاع از امیرالمؤمنین علی علیه السلام و بزرگداشت شخصیت و شهادت آن حضرت کوشیده اند .

* وارث خون مقدس و جوشان مظلومِ بزرگ ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام یعنی مصلح کل ، موعود امم ، منتقم حقیقی حضرت بقیةالله الاعظم عج الله تعالی فرجه الشریف اهداء می گردد .

ص: ۴

فهرست مطالب

به استقبال زخم فرق/ سید علی احمدی.. ۱۲۷

ص: ۵

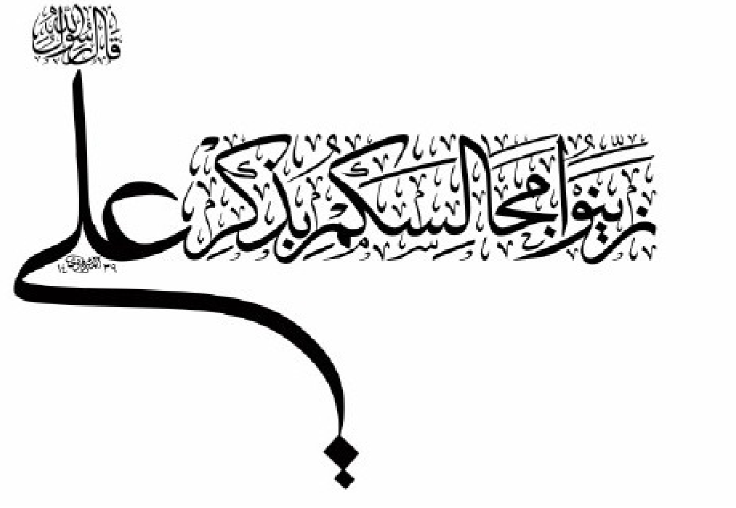
رباعی / علی پاکدامن (روضه خوان) ۱۶۶

هزار و چارصدسال است / علی اصغر رجب زاده (زهیر کاشانی) ۱۶۷

ص: ۶

ص: ۷

****



پیشگفتار

برای رسانـدن پیـام هـای بزرگ و تـاریخیِ چهره هـای برجسـتهٔ عالم بشـریت و رسولان و پیشوایان دینی و الهی ، نه تنها توجّه کافی به محتوای آنها لازم است ، بلکه آشـنایی با ابزارهای گوناگونِ پیام رسان و بسترهای اجتماعیِ انتقال پیام ها ، و شـناخت کیفیت و کمیّتِ تـأثیر آنهـا در مخاصـبانِ گونـاگون ، و در فضاهای متنوّع و فرهنگ های متفاوت ، ضـروری و اجتناب ناپـذیر است .

همه می دانیم که ویژگی هـای بی نظیر مولی الموحّـدین ، مَظهرالعجـائب و مُظهر الغرائب ، اسـدالله الغـالب ، امیرالمؤمنین علی علیه السـلام و نیز هـدایت هـا و راهنمـایی های نجات بخش و تکامل ساز آن حضـرت ، و نقش مؤثر و تحول آفرین سـخنان و نامه ها ، نصـیحت ها و راهنمایی های آن بزرگوار ، در بالاترین حـد تصوّر می باشـد ، و از طرف دیگر ، غُربت ها و مظلومیت های آن اول مظلوم تاریخ اسـلام ، فوق حـدّ باور و توان درک است ، و از طرف سوم ، نیاز جامعه امروز به شـناخت و معرفت نسـبت به عظمت آن پیشوای بزرگ و عظیم الشأن ، و غربت و مظلومیّت آن امام معصوم ، و احتیاج جامعه امروز بشـری به نور افشـانی و هـدایتگریِ آن خورشـید فروزان ، غیر قابـل چشم پوشـی است . ولی برای رسانـدن این پیـام هـا و نکته ها ، به مغز و اندیشه ، و دل و جان انسان های دور مانده و غفلت

ص: ۹

زده ، بایـد از ابزارها و وسـیله های گوناگونی که در دسترس بشـر است ، از یک طرف ، و از تاکتیک های تأثیرگـذار و روش های متنوع و غفلت زدا بهره گیری نمود .

آری ! عنوان یکهزار و چهارصدمین سال شـهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام وسیله ای است تأثیرگذار ، برای رساندنِ ندای غربت و مظلومیت آن خورشـید هدایت ، و ابلاغ پیام های رهایی بخش و سـعادت آفرین آن هدایت گر ، و آشناسازی جوامع بشری در تمامیِ قارهّ ها و کشورها ، با شخصیت و عظمت آن اسوهٔ فضائل و ارزش ها .

چهـاردهمین قرن شـهادت بزرگ مظلوم تاریـخ اسـلام فرصـتی است برای یـک جهش بزرگ به سوی انجـام وظیفه ، در زمینهٔ آشناسازی و آشنایی با چهرهٔ تابناکی که دشمنان ، در پنهان کردن عظمت ها و تابندگی هایِ او ، فروگزار نکردند ، و دوستان در اثر قصورهـا و تقصـیرها ، کم کـاری ها و غفلت ها ، مسـئولیت خود را در شـناختن و شـناساندن عظمت او ، به خوبی انجام نداده اند .

عـدّه ای از فضـلا و محقّقین ، و نویسـندگان بزرگوار ، و جمعی از شـعراء و سـرایندگان ولایی و علاقه منـد به آسـتان مقـدّس امیرالمؤمنین علیه السـلام بر آن شدند که با نوشـتن مقالاتی ارزشمند ، و سرودن اشعاری از روی ادب و اخلاص ، برگ سبزی یا ، ران ملخی را در این میدان تقدیم دارند ، به

امید آنکه بر سیاههٔ لشکرِ یاران و مدافعانِ حریم قدسیِ آن امام مظلوم و غریب ، بیفزایند ، و مرهمی بر دل سوختهٔ شهیدهٔ راه ولایت آن حضرت ، صدیقهٔ کبری ، فاطمهٔ زهرا سلام الله علیها نهاده شود ، و گامی در تسریع در امر فرج و ظهور منتقمِ حقیقیِ خونِ مقدس آن حضرت ، یعنی حضرت بقیهٔ الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف برداشته شود ، انشاء الله تعالی

اصفهان – حوزهٔ علمیه – سید حُجّهٔ موحّد ابطحی

۲۶ ماه رجب ۱۴۴۰ قمری ، سالروز رحلت حضرت ابوطالب علیه السلام

۱۳ فروردین ماه ۱۳۹۸شمسی

*****



ص: ۱۱

بخش اول: مقالات نویسندگان

اشاره

تصویر

بخش اول

مقالات نویسندگان

به قلم : نویسندهٔ محقق و نامدار ، استاد عالیقدر

آقای شیخ علی اکبر مهدی پور

چهاردهمین قرن چرا ؟

دقیقاً ۳۰ سال پیش (۱۴۱۱قمری) در چهاردهمین قرن شهادت حضرت صدیقهٔ طاهره سلام الله علیها حوزهٔ علمیهٔ اصفهان « نهضت فاطمی » را آغاز کرد ، با تشکیل جلسات ، تهیهٔ پرچم ، بنر ، پوستر ، کتاب ، جزوه ، و راه انداختن دستجات عزاداری در اصفهان ، سپس اعزام حوزویان ، دانشگاهیان ، بازاریان به شهرهای مختلف به صورت کاروان های تبلیغی در توسعهٔ این جنبش خودجوش مردمی بسیار تأثیر گذاشتند و موجب رونق جلسات ، هیات و دستجات در ایام فاطمیّه شدند .

در سال های بعد مراجع بزرگ تقلید با چاپ و نشر بیانیّه بر گسترهٔ نهضت افزودند .

سرانجام با اعلام تعطیلی روز شهادت آن حضرت ، با اهتمام مرجعیت اعلای تشیّع در سال ۱۴۲۰ قمری و حرکت مراجع تقلید از بیوت خود با پای برهنه و پیاده به سوی حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و گسترش آن در کشورهای آسیایی ، اروپایی ، آفریقایی ، کانادا ، آمریکا ، و استرالیا ، تا حدّی حق آن حضرت ادا شد .

آثار و برکات این نهضت عظیم به تألیف کتاب هایی متنوع و متعدد نیاز دارد ، که گزارش قسمتی از آن در کتاب « نهضت فاطمیّه » در دو مجلّد و ترجمهٔ آن تحت عنوان : « کرامات الزّهرا سلام الله علیها » و ترجمهٔ انگلیسی و اردوی آن به چاپ رسیده و سهم به سزایی در جهانی شدن آن داشت .

ص: ۱۳

دقیقاً ۲۰ سال پیش (۱۴۲۰ق) نیز « نهضت مهدوی » ، تحت عنوان : « دههٔ مهدویه » در اصفهان آغاز شد ، سپس در بلاد مختلف ایران ، آن گاه در کشورهای مختلف : آسیا ، آفریقا و اروپا از ۱۱ تا ۲۰ شعبان به عنوان دههٔ مهدویه ، جلسات مهدوی برگزار می شود که گزارش آن در کتاب

« پرتوی از دههٔ مهدویّه » به چاپ رسیده است .

آن گاه در سال ۱۴۲۶ قمری نهضت دیگری پیرامون حضرت خدیجه سلام الله علیها در اصفهان کلید خورد که به تفصیل در رسانه ها منعکس شد و آثار ارزشمندی به زبان های فارسی ، عربی ، اردو ، انگلیسی و هندی در سطح گسترده ای چاپ و منتشر شد .

اینک بسیار خوشوقتیم که نهضت دیگری در اصفهان آغاز گردیده ، جلسات مقدماتی آن برگزار شده ، تألیف و تدوین کتاب ، جزوه و نشریه و چاپ بنر ، پرچم و پوستر از سوی حوزویان ، شاعران و دلباختگان اهل بیت علیهم السلام از طبقات مختلف کلید خورده است و آن « نهضت عظیم علوی » می باشد .

امسال دقیقاً چهارده قرن از شهادت جانگداز مولای متقیان حضرت امیرمؤمنان علیه السلام می گذرد .

سال هاست که به امر مرجعیت ، روز شهادت آن حضرت در شهرهای مختلف ایران و جهان دستجات عزاداری حرکت می کنند و مراجع تقلید با پای پیاده و برهنه در قم به سوی حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها حرکت می کنند .

طبیعی است که امسال بسیار با شکوه تر از سال های گذشته در همهٔ بلاد برگزار خواهد شد ، خطبای ارجمند ، شعرای سخن سنج و مداحان ارزشمند ، این نهضت بزرگ را به خوبی مدیریت خواهند نمود .

باز هم طبیعی است که با اوج گرفتن این نهضت ، سئوالاتی در ذهن کسانی مطرح می شود و مخصوصاً از فضای مجازی مورد توجه قرار می گیرد که دلیل این فعالیت ها و اقدامات چیست ؟ که در پاسخ این سئوالات باید عرض کنیم :

اولاً : مولای متقیان ، امیرمؤمنان علیه السلام به دائرۀ محدودی از زمان و مکان اختصاص ندارد ، بلکه او پیشوای جهان بشریّت در طول قرون و اعصار می باشد .

جهان معاصر به شدّت نیاز دارد که آن حضرت را خوب بشناسد و راه و رسم زندگی را ، از آن حضرت بیاموزد .

بخش فرهنگی سازمان ملل به حق توصیه کرده که رؤسای جمهور و سلاطین روزگار ، پیش از آغاز حکومت و سلطنت خود یک بار فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر را بخوانند و حکومت خود را بر اساس شالوده های آن فرمان ، پی ریزی کنند .

ثانیاً : در آیین مقدس اسلام در مورد یاد کرد حوادث گذشته ، آشنایی با تاریخ گذشتگان و الهام گرفتن از پیشوایان آسمانی ، فرمان های اکید صادر شده است .

۱) - در قرآن مجید سوره هایی به نام پیشوایان الهی چون : حضرت ابراهیم ، حضرت نوح ، حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، حضرت یوسف ، حضرت یونس ، حضرت هود ، حضرت مریم و جناب لقمان علیهم السلام وجود دارد که امت اسلامی علاوه بر حوادثی که در سوره های انبیاء و قصص ، از پیشوایان بشریت آمده ، با این اسوه های فضیلت بیشتر آشنا شوند .

۲) - در قرآن کریم ده مورد لفظ : « وَاذْکُر » آمده که در آن ، ده آیه ، از

چهارده پیامبر از پیامبران سلف نام برده و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر فرموده که از آنها یاد کنند . در حالی که هر یک از آنها چندین هزار سال پیش زندگی می کردند و هزاران سال پیش در گذشته اند .

۳) - قرآن کریم خبر می دهد که به حضرت موسی علیه السلام خداوند فرمان داده که: « وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ ؛ ایام الله را به آن ها یاد آوری کن . »(۱)

آنگاه گزارش می دهد که حضرت موسی علیه السلام به قوم خود فرمود :

« به یاد آورید نعمت خدا را بر خود که شما را از – چنگال – آل فرعون نجات داد ، که شما را به بدترین شکل شکنجه می دادند و پسرانتان را سر می بریدند ».(۲)

امت اسلامی نیز باید به یاد آورد روزگاری را که معماران سقیفه آنها را به بدترین وجهی شکنجه می دادند ، سلمانشان را می آزردند ، ابوذرشان را تبعید می کردند و مقدادشان را مصدوم می نمودند . خداوند منّان به آنها منّت نهاد توسط مولای متقیّان ، امنیّت را به آن ها برگردانید ، عدالت را در میان آن ها برقرار نمود ، تشنگان عدالت و امنیّت به سوی کوفه سرازیر شدند ، جمعیت کوفه در ایام خلافت ظاهری آن حضرت به یک میلیون نفر رسید ، حتی یک نفر فقیر در این شهر بزرگ یافت نمی شد .

روزی یک نفر سائل مشاهده شد ، معلوم گردید که یهودی است ، برای او نیز به فرمان مولای متقیّان علیه السلام بازنشستگی مقرّر گردید .

۱- – سوره ابراهیم ، آیهٔ ۵ .
۲- – سوره ابراهیم ، آیهٔ ۶ .

ولی افسوس که دولت مستعجل بود و به دست شقی ترین انسان ها ، امام مهربانی ها به شهادت رسید .

آنگاه بازمانده های اصحاب سقیفه به عنوان : اموی ها ، عباسی ها ، ایّوبی ها ، عثمانی ها و سعودی ها سرنوشت امّت اسلامی را به دست گرفتند و نقشه های اصحاب سقیفه را در میان امت پیاده کردند .

اینک چهارده قرن است که امت اسلامی سعادت زندگی در پرتو عدالت آن امامِ عدالت پرور را از دست داده ، در انتظار ظهور فرزند دلبندش حضرت بقیهٔ الله ارواحنا فداه ، تداوم بخش حکومت حقّه و بنیانگذار حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی به سر می برد .

۴) قرآن کریم از زبان حضرت عیسی علیه السلام نقل می کند که عرضه داشت :

خداوندا ! پروردگارا ! از آسمان مائده ای برای ما بفرست که ، برای اول ما و آخر ما عید باشد .(۱)

حضرت عیسی علیه السلام از خداوند منّان مسألت می کند که برای قومش از آسمان مائده ای نازل کند که برای اولین و آخرین آن ها عید باشد.

اصولاً عید از مادهٔ « عود » است ، « عید » را از آن جهت عید گویند که همه ساله آن را جشن می گیرند ، فرح و سرور همه ساله به آن ها بر می گردد و تجدید می شود .(۲)

حضرت عیسی علیه السلام از خداوند منّان تقاضا نموده که مائده ای برای آن ها بفرستد که مسیحیان همه ساله آن روز را جشن بگیرند .

۱- - سوره مائده ، آیهٔ ۱۱۴.

۲- - ابن منظور ، لسان العرب، ج۹، ص ۴۶۱.

۵) – قرآن کریم از عنایت پروردگار متعال و نازل کردن « مَنّ » و « سلوی » به قوم بنی اسرائیل سخن گفته . خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام امر فرموده که یک ظرف طلا تهیه کرده ، یک پیمانه از « مَنّ » را در آن بگذارد تا فرزندان قوم وی آن را ببینند و بدانند که خداوند چه نعمتی را بر نیاکان آنها عطا فرموده است .(۱) و در متن تورات نیز ، بر آن تأکید شده است .(۲)

۶) – قرآن کریم از زبان حضرت عیسی علیه السلام نقل می کند که می گفت :

« وَ مُبَشِّراً بِرَسُولٍ یَأتی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ أحْمَدُ ؛

من به شما بشارت می دهم پیامبری که بعد از من می آید ، نامش احمد است . »(۳)

پیشوایان معصوم علیهم السلام به ما امر فرموده اند که : آن روز را همه ساله جشن بگیریم ، روزه بگیریم ، شب هایش را احیا نگه داریم ؛ نماز ، زیارت ، دعاها و مناجاتهایی را در آن روز انجام دهیم .(۴)

۷) – قرآن کریم ، بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نعمت بزرگ خداوند بر مؤمنان اعلام کرده اند(۵) . پیشوایان معصوم علیهم السلام برای روزه ، احیاء ، و اعمال آن پاداش های فراوان بیان فرموده اند .(۶)

۱– – مستر هاکس ، قاموس کتاب مقدس، ص ۸۳۹.

۲– – کتاب مقدس، عهد قدیم ، سِفر خروج، باب ۱۶، فراز ۳۲.

۳– – سوره صف ، آیهٔ ۶.

۴– – سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج۳، صص ۱۱۹ -۱۴۴.

۵– – سوره آل عمران ، آیهٔ ۱۶۴.

۶– – سید ابن طاووس ، همان ، صص ۲۶۵–۲۸۱.

۸) – قرآن کریم روز غـدیر خم را ، روز اکمـال دین ، اتمـام نعمت و اعلام رضایت پروردگار بر انتخاب اسـلام به عنوان دین مرضیّ خدا مقرر نموده(۱) و پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله به امیرمؤمنـان علیه السـلام امر فرموده که ، آن روز را همه سـاله جشن بگیرند و فرموده است :

« همهٔ پیامبران به اوصیای خود وصیت می کردند که آن روز را جشن بگیرند . »(۲)

پیشوایان معصوم علیهم السلام برای روز غدیر خم اعمال فراوانی از روزه ، نماز ،

احیاء ، دعا ، غسل و زیارت اعتاب عالیه بیان کرده و امت را به انجام آن ها امر فرموده اند(۳).

۹) – قرآن کریم از « دحوالارض » گسترش زمین از زیر کعبه(۴)

سخن گفته و پیشوایان معصوم علیهم السلام ، آن را به روز ۲۵ ذیقعده الحرام معرفی کرده اند .(۵) و روزهٔ آن را معادل ۶۰ ماه اعلام نموده اند .(۶) با توجه به این که روز « دحوالارض » هزاران سال پیش از آفرینش حضرت آدم علیه السلام اتفاق افتاده ، در آیین مقدس اسلام برای آن روز ، اعمال فراوان بیان شده است .(۷)

۱- – سوره مائده ، آیهٔ ۳.

۲- – کلینی ، الکافی، ج۴ ، ص ۱۴۹.

۳- – سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج۲، صص ۲۳۷-۳۰۹.

۴- – سوره نازعات ، آیهٔ ۳۰.

۵- – شیخ طوسی ، تهذیب الاحکام ، ج۴، ص ۳۰۵.

۶- – شیخ طوسی ، مصباح المتهجد ، ص ۶۶۹.

۷- – میرداماد ، اربعه ایام ، صص ۳۸-۷۶.

۱۰) – هنگامهٔ شـهادت امام حسـین علیه السلام هزاران سال پیش ، قبل از خلقت آسمان ها و زمین با کلک قضا بر لوح تقدیر نوشته شده است .

امام جواد علیه السلام می فرماید :

« اَوَّل ماجَری بِهِ القَلَم عَلَی اللَّوحِ قَتلُ الحُسَـِین علیه السـلام ؛ نخستین بار که قلم بر فراز لوح حرکت کرد ، هنگامهٔ شـهادت امام حسین علیه السلام را رقم زد .»(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ده ها بار از شهادت آن حضرت سخن گفته ، خود اشک ریخته و از مردم اشک گرفته است .

بیست مورد از این مجالس عزاداری پیامبر صلی الله علیه و آله را علامهٔ امینی در کتاب « سیرتُنا و سنّتُنا » از منابع اهل سنّت نقل کرده است .

پیشوایان معصوم علیهم السلام همه ساله برای سالار شهیدان مجلس عزا بر پا کرده ، ما را نیز امر به اقامهٔ عزا فرموده اند .

با گـذشت قرون و اعصار ، نه تنها نام و یاد نهضت امام حسـین علیه السـلام از خاطره ها محو نشده ، بلکه هر روز ابعاد تازه ای از آن تجلّی می کند .

گاندی مصلح بزرگ هند می گوید :

من برای ملت هنـد چیز تـازه ای نیاوردم ، بلکه فقط نتیجه ای را که از مطالعات خود پیرامون قهرمان کربلا به دست آورده ام ، برای ملت هنـد به ارمغـان آوردم . مـا اگر بخواهیم هنـد را نجـات بـدهیم ، بایـد همـان راهی را برویم که حسـین بن علی علیه السلام پیمود .»(۲)

۱- – میرجهانی ، البکاء للحسین علیه السلام ، ص ۲۲۷.

۲- – اکبر زاده ، حسین علیه السلام پیشوای انسان ها ، ص ۳۰.

یکی از زیارت های مهم امام حسین علیه السلام ، زیارت اربعین است که امام حسن عسکری علیه السلام آن را یکی از نشانه های ایمان برشمرده است .(۱)

پس از سقوط صدام که زیارت پیاده آزاد شده ، تعداد زائران در ایّام اربعین از مرز ۲۰ میلیون نفر گذشته است .

در طول تاریخ بشر هرگز در هیچ نقطه ای از دنیا همایشی در این سطح مشاهده نشده است . بزرگترین کنگرۀ اسلامی که همه ساله در مکّۀ معظمه برگزار می شود ، تاکنون از مرز سه میلیون نفر نگذشته است ، ولی همایش ۲۰ میلیونی اربعین همه ساله در حال افزایش می باشد .

همه به یاد دارند که : در سخت ترین روزهای سیاهِ داعشی ها ، این همایش برگزار شد و ضربه های مُهلکی بر پشت داعش و هواداران آن ها فرود آورد ، و سرانجام به نابودی آن ها منتهی شد .

با توجه به نکات یاد شده مشروعیت برگزاری « چهاردهمین قرن شهادت مولای متقّیان علیه السلام » و معقول بودن آن پس از سپری شدن ۱۴۰۰ سال بر همگان روشن می شود .

روز ۲۱ رمضان امسال، دقیقاً چهارده قرن تمام از بیان بلند حضرت خضر علیه السلام می گذرد که در روز شهادت مولای متقّیان علیه السلام فرمود :

« اَلْيَوْمَ انْقَطَعَتْ خِلَافَةُ النُّبُوَّةِ ؛

امروز رشتۀ خلافت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از هم گسست .» (۲)

۱- - شیخ طوسی ، مصباح المتهجد، ص ۷۸۸.

۲- - کلینی ، اصول کافی ، ج۱، ص ۴۵۴.

چهارده قرن است که : خلافت اسـلامی رخت بربسـته ، حکومت های اسـتبدادی به نام خلیفهٔ مسـلمین بر اریکهٔ قدرت نشسته ، تحت عناوین اموی ، عبّاسـی ، ایّوبی ، عثمانی ، سعودی و غیره بر کشورهای اسلامی حکم می رانند و اموال مسلمانان را تاراج نموده ، در مصالح بیگانگان هزینه می کنند .

چهارده قرن است سخنان حیات بخش مولای متقیان علیه السلام از منبر کوفه به گوش نمی رسد .

چهارده قرن است که ، درِ خانهٔ کودکان و یتیمان به صدا در نمی آید و دست نوازش پدر امت بر سرشان کشیده نمی شود .

چهارده قرن است که ، نوای آرام بخش « سَلُونِی قَبْلَ أنْ تَفْقِدُونِی » گوش جان را نوازش نمی دهد .

چهارده قرن است که ، مجسّمهٔ عدالت دیده از جهان فرو بسته و گلواژهٔ عدالت را با خود به زیر خاک برده است .

اینـک چهـاردهمین قرن شـهادت پیشـوایی است که ، در شب شـهادتش در مورد قـاتلش فرمود :« اَطیبُوا طَعـامَهُ وَ اَلینُوا فِراشَهُ ؛ برای او طعام پاکیزه بدهید و تشک نرم بگسترانید .»(۱)

این توصیه در مورد قاتل ، از شخصیتی صادر شده که در تمام عمر هرگز به دنبال غذای لذیذ نبود ، او قرص جوین خود را در کیسه ای می گذاشت و مُهر می کرد که دخترانش به آن روغن نزنند .

۱- - ابن سعد ، الطبقات الکبری ، ج۳ ، ص ۳۷.

این توصیه از رادمردی صادر شده که ، در شب زفاف حضرت فاطمه سلام الله علیها به جای ناز بالش برای او ، ماسهٔ بادی تهیه کرده بود .

اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سال دهم بعثت را به مناسبت در گذشت حضرت خدیجه و حضرت ابوطالب علیه السلام « عام الحزن » اعلام کرد ، بجاست که سال هزار و چهارصد و چهلم ، سال عزای ملی اعلام شود و صدها مجلد اثر علمی و تحقیقی پیرامون عمق فاجعه و عظمت این مصیبت چاپ و منتشر شود .



ص: ۲۳

اثر قلم : محقق پرتلاش و دلدادهٔ اهل البیت علیهم السلام

حاج سید امیرحسین طالقانی

شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

خداونـد متعـال ، انسـان را در میان نعمت های بیکران خود آفریـد ، احتیاجات او را تأمین فرمود ، هـدایتش را تضـمین نمود و همواره در کنـارش معلّم و کتـاب و نشـانه هـا را قرار داد ، تـا راه را پیـدا نمایـد و با یقین به سوی کمال قـدم گـذارد . اما مانع همیشـگی پیشـرفت او « غفلت » بوده است ، غفلت از مبـدأ و معـاد ، غفلت از نعمت هـا و نشـانه هـا ، غفلت از معلّم و تکالیف الهی ، بدین جهت خداوند متعال می فرماید :

« وَ إِنَّ کَثیراً مِنَ النَّاسِ عَنْ آیاتِنا لَغافِلُون ؛

و بسیاری از مردم ، از آیات ما غافلند . »(۱)

غفلت و بی خبری چنان برخی از انسانها را فراگرفته ، که علت حضور خود در آفرینش را فراموش نموده اند ، وظائف خود در برابر انبوه نعمت ها را به بوته فراموشـی سپرده اند و حتی نزدیک شدن به پایان دنیا و حضور در برابر محاسبات قیامت را نیز از یاد برده اند گویی اقامتشان در این دنیا همیشگی است : « اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسابُهُمْ وَ هُمْ فی غَفْلَهٍ مُعْرِضُون ؛

حساب مردم به آنان نزدیک شده ، درحالی که در غفلتند و روی گردانند . »(۲)

۱- - سوره یونس ، آیه ۹۲.

۲- - سوره انبیاء ، آیه ۱.

به راستی علاج این همه غفلت و بی خبری چیست ؟ چگونه بایـد آن را درمان نمود ؟ چه زمانی باید از بند غفلت رهایی یافت ؟

خداونـد در قرآن علاج آن را « یادآوری » می دانـد ، هر آنچه را که انسان از یاد می برد و از آن غافل می شود ، دوباره توجه نمودن به آن و با استفاده از نشانه ها و مناسبت ها یاد نمودن دوبارهٔ از آن ، ابزار مناسبی برای مقابله با غفلت است .

آنجـا که انسـان خـالق و خـدای خویش را از یاد می برد ، فراوانی در یاد خـدا را به او توصـیه می نمایـد : « یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کَثیراً ؛

ای کسانی که ایمان آورده اید ، خدا را بسیار یاد کنید .»(۱)

آنگاه که انسان دنیای فراوری خود را فراموش می نمایـد ، او را به یادآوری جهان آینـده فرا می خوانـد : « وَ لَقَـدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَهَ الْأُولی فَلَوْ لا تَذَکَّرُونَ ؛

شما عالم نخستین را دانستید ، چگونه متذکر نمی شوید»(۲)

آنجا که انسان نعمت های الهی را از یاد می برد او را به یادآوری نعمت های الهی دعوت می نماید :

« یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اذْکُرُوا نِعْمَهَ اللَّهِ عَلَیْکُم ؛

ای کسانی که ایمان آورده اید ، نعمت خدا را بر خود به یاد آورید . »(۳)

ص: ۲۵

۱- – سوره احزاب ، آیه ۴۱.

۲- – سوره واقعه ، آیه ۶۲.

۳- – سوره احزاب ، آیه ۹.

و آنگاه که انسان عهـد و پیمان خویش را با خـدا فراموش می نماید و وظائف خود را از یاد می برد ، او را به یاد آوری عهد و میثاقش با خدا فرا می خواند :

« وَ اذْکُرُوا نِعْمَهَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ میثاقَهُ الَّذی واثَقَکُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنا وَ اَطَعْنا؛

و به یادآورید نعمت خدا را بر شما و پیمانی را که با تاکید از شما گرفت ، آن زمان که گفتید : شنیدیم و اطاعت کردیم .»(۱)

نتیجه اینکه : آفت بزرگ پیشـرفت و سـعادت انسـان « غفلت » است و درمان این آفت « یادآوری » است و بـدین جهت وظیفهٔ انسان در برابر هر آنچه را که باید بداند و از آن غافل می شود ، یادآوری مسـتمر آن است و برای دست یافتن به این مطلوب ، بایـد همان گونه که پیاپی به یاد خدا و معاد ، نعمت ها و تکالیف خود می باشد ، همواره در کنار معلّمین الهیِ خود و همراه و هم قـدم با آنان باشـد تا چگونگی یادآوری ، چگونه راه پیمودن ، چگونه بر موانع پیروز شـدن و چگونه بر پله های ترقی قـدم نهادن را از آنان بیاموزد .

بر این اساس خداوند ، همراهی همیشـگی با راهبران الهی را به بندگان خود توصیه نموده است : « یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقین ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید . »(۲)

و البته به فرموده امام رضا علیه السـلام : « صادقین » همانا امامان معصوم علیهم السلام هستند(۳) که مؤمنان مأمور به همراهی با آنان هستند .

۱- - سوره مائده ، آیه ۷.

۲- - سوره توبه ، آیه ۱۱۹ .

۳- - الکافی ، ج ۱ ، ص۲۰۸ .

همراهی با ائمهٔ معصومین علیهم السـلام نه فقط در محضر آنان بودن است ، بلکه لازمه آن ، شناخت و معرفت آنان ، فراگرفتن تعـالیم آنهـا ، پیروی نمودن ، محبت و ولا‌یـت آنهـا و به یـاد آنان بودن را نیز فرا می گیرد ، بـدین جهت وظیفه مؤمنین است ، همان گونه که از یاد خدا و نعمت های او نباید غافل شوند ، از یاد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمهٔ معصومین علیهم السلام نیز غفلت نکنند ، زیرا ؛ غفلت از آنان ، غفلت از هدایت و وظائف الهی است .

اکنون که در آسـتانهٔ یکهزار و چهارصدمین سال شـهادت مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی علیه السـلام هستیم ، بزرگداشـت شهادت آن امام مظلوم ، به واقع یادآوری فضائل آن حضرت ، و فرامین و دستورات الهی آن معلّم هستی است .

اگر جهانِ به ظاهر مترقّیِ امروز ، از جهل عمومی مردم رنج می برد ؛ اگر دنیای به ظاهر متمدّن امروز ، از آتش ظلم سـتمگران در خود می سوزد ؛ اگر دنیای به ظاهر قانون مدارِ امروز ، از شدت قانون شکنی و نادیده گرفتن حقوق مظلومین فریاد اعتراض برآورده است ؛ همه و همه به دلیل دور ماندن از علی علیه السلام و عدالت او ، علی علیه السلام و فضائل او و علی علیه السلام و دستورات او است .

بزرگداشت چهاردهمین قرنِ شهادت مظلومانه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، فرصتی است استثنایی تا همهٔ دانشمندان و فرهیختگان ، با استفاده از همه ابزارها و توانمندی های علمی عصر حاضر ،

برای شناختی عمیق تر ، نگاهی دقیق تر و حرکتی کارآمدتر نسبت به فضائل و فرامین حیات بخش آن حضرت ، تلاشی مضاعف نمایند .

*****



ص: ۲۸

به قلم : نویسندۀ دلباختۀ اهل البیت علیهم السلام

حجۀالاسلام و المسلمین آقای شیخ محمّد امیری سوادکوهی

احیای حقیقت اسلام در چهاردهمین قرن شهادت

خدای متعال بهترین و والاترین نعمت و گوهر هستی را در جهان خلقت ، گنجینۀ گران بهای علم معرفی و میزان شخصیت و ارزش انسان ها را بر مبنای آن سنجیده و در آغاز بعثت نبوی ، رسول اعظم صلی الله علیه و آله را به ردای علم و دانش مزیّن نموده تا هر کس از هر طیف و نژادی بتواند ریزه خوار سفرۀ با کرامت الهی باشد و عطش وجودی خویش را با جرعه ای از اقیانوس بی کران نبوتش سیراب سازد .

خدای متعال شرط ورود به حقیقت علم و کمال و بهره مندی از آن را تنها از باب مدینه العلم نبوی معرفی نموده و اسلام بدون خلعتِ مصفّای مذهب اهل بیت علیهم السلام و نماز بدون سر نهادن برآستان مقدس ولایت را ناقص و بیهوده دانست و صریحاً فرموده :

« يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أنزِلَ إِلَيْکَ مِن رَّبِّکَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ، کاملاً (به مردم) برسان ! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای ! »(۱) .

۱- - مائده ، آیه ۶۷ .

خورشید درخشان ولایت در عصر تاریک غربت اسلام ، همواره با درخشش انوار الهی اش از پسِ ابرهای قیرگون فتنه های دوران، غبار نفاق و کج روی ها را از دیدگان امت می زدود تا حقیقت علم از حقیقت جهل تمییز داده و بشریت از حقیقت فطرت خویش فاصله نگیرد .

وقتی سیاه نمایی ها و فرصت طلبی های منافقین و کینه توزی های مهره های سوختهٔ یهود ، مسیر اسلام نوپای محمدی را منحرف و اهداف عالیهٔ آن را به زعم خویش تفسیر و تغییر و آن را در انحطاط بی هویتی خویش قرار دادند ، رسالت عظیم ولایت علوی و لیله القدر نبوی جلوه گر و آرمان های نورانی اسلام ، از حلقوم پاک حیدری و فاطمی بر همگان تشریح گشت .

ولایت مطلقهٔ علوی، شاهراه سعادت و دریای مواج و زلالی است که از اقیانوس بیکران الهی نشأت می گیرد و امت اسلام با بهره مندی از آن « بابُ اللهِ الاعظَم وَ صِـراطُ اللهِ الاَقوَم » ، از هرگونه انحراف و تاریکی اعتقادی و اخلاقی در امان خواهد ماند که مع الاسف ، در طول تاریخ ، شیاطین در پی آن بودند که اسلام را منهای ولایت به جهان عرضه کنند

اسلام منهای ولایت ، آن چنان مفهوم و اصالت خویش را از دست خواهد داد که لاجرم از صراط مستقیمش خارج و ریشه و باطن خویش را به فراموشی می سپارد ، که ثمره ای جز بازگشت به تاریخ جاهلی و خودکامگی نخواهد داشت .

ثمرهٔ اسلام منهای ولایت ، تکرارِ تفکر پوسیدهٔ سوفسطایی و قدرت گرفتن ریشهٔ درخت آفت زدهٔ جهل و نفاق است ، که در این بین، شبهه پراکنی های

سقیفه پردازان ، امر را بر مردم مشتبه ، جایگاه ها تغییر ، شعائر تحقیر ، و جبت و طاغوت تقدیس می شوند ! .

خُسرانِ سیاهیِ لشکر شدن و سکوت در برابر یک تفکر شبهه ناک ، مانند جدایی قرآن و عترت ، کمتر از اصل جریان انحرافی و فعل شخص منحرف نیست و می بایست متفکران و صاحبنظران خود را به سلاح علم و اعتقادات اصیل مجهز نموده تا دیگران نتوانند سخن باطلی بر زبان برانند .

حال که ۱۴ قرن از غربت ، مظلومیت و شهادت حضرت صدیق اکبر و فاروق اعظم ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام می گذرد ، می بایست مراقب بود که میراث بزرگ حدیثیِ شیعه را با مصلحت اندیشی های بی ریشه ، از بین نبریم و تیشه به ریشهٔ اعتقادات اصیل مذهب مقدس و نورانی اهل بیت علیهم السلام که همان حقیقت و اساس اسلام اصیل می باشد نزنیم .

می بایست ملتفت بود که مسائل مسلّم اعتقادی شیعه ، قابل معامله نیست و تحلیل های نادرست برخی روشنفکرنماها و بایکوت های ناجوانمردانهٔ خبریِ دوران پس از شهادت مظلومانهٔ رسول اعظم صلی الله علیه و آله جفای بزرگی به نسل جوان و آیندگان است که آنان را از حقیقت تاریخ دور و جامعه را از تشخیص و تحلیل غلط ایمن نخواهد داشت .

امروز که ۱۴ قرن از شهادت اوّل مظلوم عالم، امیرالمؤمنین علی علیه السلام می گذرد، می بایست بستری فراهم آورد و تدابیری اندیشید تا به بضاعت اندک خویش از غربت امیرالمؤمنین علیه السلام کاسته و شیعیان و محبّان آن حضرت جایگاه اصلی خود را در جوامع بشری پیدا کنند ، نه آنکه با شخصیت سازی

منافقان و سقیفه پردازان ، سخنان جعلی آنان را تأیید نموده و با هیزم جهل و تزویر ، آتشی دیگر در مقابل درب خانه امامت روشن شود .

در روزگاری که دین مَرکبی برای اهل هوس ، تقوا ابزاری برای خودنمایی برخی مسلمان نماها شده است، چه می توان گفت از غربت و مظلومیت شیعیان مظلومی که تنها به جرم اعتقاد و محبتِ اوّلین وصی و جانشین بلافصل رسول خاتم صلی الله علیه و آله مانند گوسفند ذبح و به نام دین و با ذکر الله اکبر کشته می شوند .

اسلام منهای ولایت ، تخم های نفاقی چون داعش را به وجود آورده ، و بردگی و بی هویتی را برای جامعه به ارمغان می آورد و به دشمن جرأت سوء استفاده و نفوذ داده و مقدمات مداخله به بهانه های واهی و به اسم نجات انسان ها را فراهم می سازد .

در چهاردهمین قرن از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می بایست اندیشمندان ، صاحبنظران و جوامع علمی را به این امر سوق دهند که در ضمن تدابیری ژرف ، در پی معرفی اسلام حقیقی در پرتو دو یادگار و ثقل گرانمایهٔ رسول اعظم صلی الله علیه و آله (قرآن و عترت) باشند و از نگاه سطحی به اسلام و قرآن ، گریزان و در پی احیای اصالت آن بوده ، و آرزوی دیرین خاتم پیامبران را در رسیدن به مدینهٔ فاضلهٔ الهیه محقق سازند .

تفرقه و نفاق ، شجرهٔ خبیثه و ملعونه ای است که همواره در پی ذلت و گمراهی و فاصلهٔ میان موحدان بوده و نتیجه ای جز آشفتگی ، پریشانی و ضعف برای جامعهٔ اسلامی ندارد ؛ از این رو خاتم پیامبران در ابتدای بعثت شریف تا روزهای پایان حیات ظاهری شان (قبل از شهادت) ، همگان را به اتحاد و

انسجام و وحدت کلمه دعوت و از هرگونه فاصله در صفوف مسلمین ابراز انزجار کرده و قرآن و عترت را به عنوان ریسمان محکم الهی معرفی نموده است که قرن حاضر این مهم را می طلبد که همگان با هر ابزار ممکن در پی زدودن غربت از حقیقت وحدت ، یعنی ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از یکدیگر سبقت بگیرند .

اوّلین شکست پروژهٔ عظیم وحدت اسلامی و اختلاف امت اسلام و تفرقهٔ تأسف بار موجود میان مسلمانان و دوری از حقیقت دین ، به گواهی کتب عامه ، از پنجشنبهٔ سیاه تاریخ به وقوع پیوست . پنجشنبهٔ سیاهی که حرمت ها را یکی پس از دیگری از بین برد و اسلام حقیقی را به اسلام سقیفه ای مبدّل کرد و مصیبتش از تمامی مصائب عالم سخت تر و سنگین تر بود ؛ تا آنجا که پارهٔ وجود رسول خوبی ها ، حضرت عصمهٔ الله الکبری فاطمهٔ زهرا سلام الله علیها درباره آن فرمودند :

« وَ اُزِیلَتِ الْحُرْمَهُ عِنْدَ مَمَاتِهِ فَتِلْکَ وَ اللَّهِ النَّازِلَهُ الْکُبْرَی وَ الْمُصِیبَهُ الْعُظْمَی ؛ و احترامی برای کسی پس از وفات (شهادت) او باقی نماند ، پس این مصیبت بزرگ به خدا بزرگترین پیش آمد بود و مصیبت بزرگ بود .»(۱).

لذا شایسته است در چهاردهمین قرن شهادت مظلومانهٔ نفس و جان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ، دانشمندان و علمای جهان اسلام فکری برای این امر مهم کنند و تقریب مذاهب را در تبعیت از ولایت حق به سایر

ص: ۳۳

۱- - بحارالانوار ، ج۲۹ ، ص۲۲۶.

مذاهب بچشانند و آرزوی دیرینه رسول خدا صلی الله علیه و آله ، که همان وحدت بی نظیر امت اسلام تحتِ لوای قرآن و عترت است را محقق سازند .

زمانی که منافقین بر اختلافات دامن زدند و کودتاگران در پی نقشه های شوم خود بر آمدند تا عهدنامهٔ صحیفه ملعونه را در سقیفه بنی ساعده به انجام برسانند ، به خیال خام خویش در پی آن بودند که نور خدا را خاموش کنند ، غافل از آنکه نور خدا هیچ گاه خاموش نخواهد شد و این وعده خدای متعال قطعی است که فرمود :

« يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ؛ می خواهند نور خدا (ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام) را با دهان هاشان (سخنانشان) خاموش کنند ولی خدای عزوجل نمی گذارد ، تا اینکه نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید . »(۱).

اسلام حقیقی و راستین ، همان آیینی است که رسیدن به آن مستلزم چنگ زدن به ریسمان محکم الهی و اطاعت از دو امانت و یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد و می بایست علم و حقیقت دین را از آن دو گنجینهٔ گرانبها اخذ نمود و به دستگیرهٔ محکم الهی تمسک جست ؛ همان گونه که فخر رازی که از بزرگترین مفسران اهل تسنن به شمار می رود و به « امام المشککین » نیز موصوف است آن را تبیین و تشریح و به آن اقرار نموده که :

۱- - سوره صف ، آیه ۹ .

« مَنِ اتَّخَذْ عَلِیّاً اِماماً لِدینهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی فِی دینِه وَ نَفسِه؛ هر کسی حضرت علی علیه السلام را امام خود در دینش قرار دهد ، قطعاً به دستگیرهٔ محکمی در دین و جانش دست یافته است . »(۱)

حقیقت امر آن است که در چهاردهمین قرن شهادت قرآن ناطق می بایست همگان را به ولایت آل محمد علیهم السلام سوق داد و ولایت علوی را به جهانیان ، از غرب تا شرق، از شمال تا جنوب گیتی رسانید و مغزها و قلب های آزادی خواهان و حقیقت جویان عالم را فتح نمود ، تا آنجا که از سرزمین هایی که خفاشان سیه روی تاریخ چون معاویه بن ابی سفیان ، با مکر و کینه مانع از تبلور انوار علوی شده اند ، حقیقت امر به آنان برسد و حتی کلیساها و کنیسه ها و آتشکده ها نیز درس فضائل و مناقب و غربت و مکتب علی علیه السلام را در کنار تورات و انجیل و صحف خود به مردم آن سامان تعلیم دهند .

چهاردهمین قرن شهادت خورشید ولایت ، بهانه ای است که متفکران و صاحبنظران فِرَق ، تلنگری در خود به وجود آورند و مطامع دنیایی را نادیده گرفته و تعصبات غلط را درنوردند و به سوی حقیقت هدایت روی آورند . چهاردهمین قرنِ شهادت پیشوای نخست حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، می بایست گام محکمی در بازگشت بشریت به سوی فطرت باشد ، که به دور

۱- - تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۷- ۲۰۶.

از هرگونه سیاهی و آلودگی در جستجوی نور خدا بوده و زیبایی های دین را در عوالم العلوم آل الله تمنا کنند .

چهاردهمین قرنِ شهادت نفس و جان رسول خاتم صلی الله علیه و آله می تواند فتح بابی باشد برای احیای عملی خطبهٔ گرانسنگ غدیر . چنانچه مرحوم علامه حاج سید محمدباقر ابطحی قدس سره در پیام غدیر فرموده اند :

« شایسته است در عصر حاضر که بحمدالله فصل رشد افکار و عصر ارتباطات است به عنوان غدیر یک دهه را اختصاص دهیم تا این مسئله اعتقادی که اساس دین است هر چه بیشتر در اذهان بماند و فرصتی باشد تا پیرامون آن بحث و گفتگو و مبادلات فکری بلکه مناظرات اینترنتی توسط اندیشمندان بزرگ انجام گیرد و دلها به یکدیگر نزدیک شود »(۱) .

چهاردهمین قرن شهادتِ امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ماه صیام ، فرصت مناسبی است که دو بال پرواز شیعه ، یعنی عاشورا و غدیر را شور دیگری بخشیم و نگاه خود را نسبت به شعائرالله ژرف و عمیق نموده و تمامی ایام و سال را ایام الله ببینیم و از فرصت به دست آمده برای نشر فضائل و مناقب علوی و حسینی بهره برداری کنیم .

ماه رمضان برای اهل وِلا ، نه تنها رمضان و ماه عزای علوی ، بلکه مُحرَّمی دیگر است که خون حسین بن علی علیه السلام در آن می جوشد و می خروشد تا آنجا

۱- – بخشی از پیام غدیر محدث کبیر، مرحوم علامه حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره .

که دل ها مویه کنان فریاد می زننـد که : هر لحظهٔ اهل ولا در این ماه تاسوعا و فردای این عطش عظیم، « کَرباً وَ بَلا » ، عاشورا است ! ؛ ای کاش همگان می شـنیدند که وقت افطار ، تمام ذرات آفرینش می جوشـند و می خروشند و ناله می زنند : ای اهل حرم میرعلمدار نیامد .! ای کاش دیگران نیز درک می کردند از زمانی که قرآن ناطق را با لب تشـنه سر بریدند ، قرآن صامت از مصـیبتش روضه می خوانـد و خون گریه می کنـد و در « کـاف هـا یا عین صاد » خویش وا مانـده است و ای کاش دیگران تسبیح تزویر را کنار بگذارند و نگاه خود را جلوه ای دیگر بخشند که قرآن بر رحل رمضان ، همان رأس بریدهٔ بر طشتی است که « أم حَسِبتُم »(۱) بر زبان جاری می کند !.

چهاردهمین قرن شهادت اوّل پیشوا می بایست :

قرن تحول بر احوال و خروج از سـطحی نگری امت باشد که بر اساس همین معضل و درد بزرگ ، شـهادت مظلومانهٔ حضـرت صدیق اکبر و فاروق اعظم امیرالمؤمنین علی علیه السـلام به سـرانجام رسـید و امید است این امر مهم با ارشادات بزرگان دین و دلسوزان مذهب محقق گردد . اگر چه تمامی این امور تمسک امت به ریسـمان محکم الهی را می طلبد که حضرت باقرالعلوم علیه السلام فرمودند :

« إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعَالَی عَلِمَ أَنَّهُمْ سَیَفْتَرِقُونَ بَعْدَ نَبِیِّهِمْ وَ یَخْتَلِفُونَ فَنَهَاهُمْ عَنِ التَّفَرُّقِ کَمَا نَهَی مَنْ کَانَ قَبْلَهُمْ فَأَمَرَهُمْ أَنْ یَجْتَمِعُوا عَلَی ولَایَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا یَتَفَرَّقُوا ؛ همانا خداوند تعالی می دانست که امّت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله متفرق خواهند

۱- - سوره کهف ، آیه ۱۰ .

شـد و اختلاف خواهند نمود ، پس آنها را از آن نهی نمود ، همان گونه که امّت های گذشـته را نهی فرمود . پس امر کرد که همگی بر ولایت آل محمد علیهم السلام جمع شده و متفرقق نشوند .».(۱)



ص: ۳۸

۱- . بحار الأنوار ، ج ۲۴ ، ص ۸۵ .

اثر قلم : نویسندهٔ محقق حجه الاسلام و المسلمین

آقای شیخ محمد ظریف

چهاردهمین قرن شهادت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

و رساندن پیام عدالت و مظلومیت آن حضرت به جهان

« السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقَّهُ »

سلام بر تو ای ولیّ خدا ، تو نخستین مظلوم و اوّلین کسی هستی که حقّش غصب گردید .

سلام و درود فراوان به همهٔ پیروان راه آن حضرت و مروّجین مکتبش و ناشرین آثارش ، ورحمت خدا به روان پاک همهٔ گذشتگانی که در این صراط حرکت کردند و با کوله باری از محبت آن امام علیه السلام دار فانی را وداع گفتند ، مخصوصاً استاد بزرگوار ما ، حضرت آیهٔ اللّه آقای حاج سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی قدس سره که تمام شور و نشاطش و تمام همّتش احیاء تراث أهل بیت علیهم السلام بود و اخیراً ۳ مجلد از موسوعهٔ عظیم « عوالم العلوم » با موضوع فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام که نتیجهٔ تلاش این بزرگمرد بود به چاپ رسیده است و امیدواریم موجب سرور ایشان و خشنودی موالیان عظیم الشأن ایشان گردیده باشد .

۱۴ قرن از شهادت اوّل مظلوم عالم امیرالمؤمنن علی علیه السلام می گذرد ، ولی او همچنان مظلوم و مهجور مانده است .

ص: ۳۹

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند :

« یَا عَلِیُّ ، أَنْتَ الْمَظْلُومُ بَعْدِی ؛ علی جان ! تو پس از من مظلوم خواهی بود». و همچنین فرمودند : « یَا عَلِیُّ ، أَنْتَ الْمَهْجُورُ بَعْدِی ؛ علی جان ! تو پس از من مهجور خواهی بود ».(۱)

چنانچه ، خود آن حضرت هیچ گاه بر منبر قرار نمی گرفتند ؛ مگر این که در آخر گفتارشان پیش از فرود آمدن از منبر ، می فرمودند :

« مَا زِلْتُ مَظْلُوماً مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ نَبِیَّهُ ؛

از آن روزی که خداوند پیامبرش را از دنیا برد من مظلوم بوده ام ».(۲)

بلکه فرمودند : « مَا زِلْتُ مَظْلُوماً مُنْذُ وَلَدَتْنِی أُمِّی ؛

از آن روزی که به دنیا آمده ام مظلوم بوده ام».(۳)

ما نتوانسته ایم آن گونه که باید و شاید ، غبار مظلومیّت از چهرهٔ آن مولای مظلوم کنار بزنیم و او را از مهجوریت برهانیم .

نتوانسته ایم آن گونه که هست ، نه قولاً و نه عملاً او را به جهانیان معرّفی کنیم . حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند :

« فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا ؛ اگر مردم سخنان زیبای ما را

۱- - عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج۲، ص۹ ؛ بحار الأنوار ، ج۳۸، ص۱۱۲، ح۴۶.

۲- - مناقب ابن شهراشوب ، ج۱، ص۳۸۱.

۳- - علل الشرایع، ج ۱، ص۴۵.

بدانند از ما پیروی خواهند کرد ».(۱)

ما نتوانسته ایم سخنان زیبای آنان را در میان مردم منتشر کنیم و آنها را با احادیث ناب و گهربار اهل بیت علیهم السلام آشنا نماییم .

امیرالمؤمنین علیه السلام در همهٔ میدان های فضیلت ، گوی سبقت را از همگان ربوده اند ، آن حضرت در همهٔ ابعاد زندگی سخن برای گفتن دارند و به قدری پر جاذبه است که می تواند دل ها را مجذوب سخنان خویش سازد .

او در هر بُعدی بهترین برنامه ها را ارائه نموده و بهترین درس ها را به بشریت آموخته است .

او پس از بیست و پنج سال انزوا و خانه نشینی و محروم بودن از حق خود، وقتی زمام امور را در دست گرفت که جامعه وضع نابسامانی داشت ، غاصبان خلافت مردم را به قهقری کشانیده بودند ، برخی سنّت های باطل عصر جاهلی دوباره در میان مردم رونق گرفته بود .

از برابری انسان ها در برابر قانون و حقوق اجتماعی خبری نبود ، و تبعیض نژادی حاکم گشته ، قریش بر عرب ، و عرب بر عجم برتری یافته بود ، در چنین اوضاعی کار اصلاح جامعه بسیار دشوار بود و سر و سامان بخشیدن به این آشفته بازار ، کاری بس سخت و حتی ناممکن می نمود .

امیرالمؤمنین علی علیه السلام ابتدا تمام سنّت های خلفای غاصب را باطل اعلام فرمودند و سرلوحهٔ کار خویش را احیاء سنّت نبوی قرار دادند ، برای نمونه به این داستان توجه کنید :

۱- - عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج۱، ص ۲۷۵؛ المعانی، ص ۱۸۰.

هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام در منصب خلافت قرار گرفتند ، عمار بن یاسر و ابوالهیثم را بر بیت المال گماشتند و به آنها دستور داد که مالی از فیء (غنیمت ، خَراج) را بین مسلمانان تقسیم کنند و فرمودند :

« اِعْدِلُوا بَیْنَهُمْ وَ لَا تُفَضِّلُوا أحَداً عَلَی أحَدٍ ؛ میان آنان به عدالت رفتار کنید و هیچ کدام از مسلمانان را بر دیگری برتری ندهید ».

ایشان آن اموال را شمردند ، به هر مسلمان سه دینار می رسید ، پس آن مقدار را به مردم دادند ، طلحه و زبیر برای دریافت سهم خود آمدند ، به هر کدام از آنان سه دینار دادند ، طلحه و زبیر گفتند : « لَیْسَ هکَذَا یُعْطِینَا عُمَرُ ؛ عمر این گونه با ما رفتار نمی کرد » ، ما را با چشم دیگری می دید ، آیا این اقدام از سوی شما است یا صاحب شما به این کار فرمان داده است ؟

گفتند : امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین به ما دستور داده اند .

آن دو به سوی امام علیه السلام رفتند ، و عرضه داشتند : ما نزد عمّال شما رفتیم و آنان سهم ما را از این فیء ، همانند دیگر مردم دادند .

امام علیه السلام فرمودند : شما چه می خواهید ؟

گفتند: « لَیْسَ کَذَلِکَ کَانَ یُعْطِینَا عُمَرُ ؛ عمر بن خطاب با ما این گونه برخورد نمی کرد ».

امام علیه السلام فرمودند : آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله اموال را میان مسلمانان به تساوی تقسیم نمی فرمودند ؟ آن دو گفتند : آری چنین است .

امام علیه السلام فرمودند : به نظر شما بهتر است سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروی شود یا سنت عمر ؟ گفتند : سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله ،

« وَ لَكِنْ لَنا يَا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ سَابِقَةٌ وَ عَناءٌ وَ قَرَابَةٌ ؛ ولی ما سابقه داریم ، زحمت کشیده ایم و قرابت و خویشاوندی داریم .»

امام علیه السلام فرمودند : سابقهٔ شما بیشتر است یا سابقهٔ من ، خویشاوندی شما به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک تر است یا من ؟ رنج شما در راه اسلام بیشتر بوده یا من؟ عرض کردند : شما . امام علیه السلام فرمودند :

« فَوَ اللَّهِ مَا أَنَا وَ أَجِيرِی هَذَا فِی هَذَا الْمَالِ إِلَّا بِمَنْزِلَةٍ وَاحِدَةٍ ؛ به کارگزاری که نزدیک حضرت ایستاده بود اشاره کردند و فرمودند : به خدا سوگند ! من و این اجیر در برابر اموال عمومی یکسان هستیم .»(۱)

دنیا طلبان دیدند که با برنامه های آن حضرت نمی توانند خود را تطبیق دهند ، پذیرش عدالت سخت است و لذا از همان آغاز ، ساز مخالفت نواختند . عدّه ای که وضع را چنین دیدند ، آمدند نزد امام علیه السلام و از آن حضرت خواستند که انعطاف بیشتری نسبت به اشراف عرب از خود نشان دهد ، و از اموال بیت المال مقدار بیشتری به آن ها دهد ، امام علیه السلام به آن ها فرمود : « أ تَأمُرُونی أنْ أطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيتُ عَلَيْه ؛

آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود ، از جور و ستم دربارهٔ امّتی که بر آنها ولایت دارم ، استفاده کنم ؟ »

۱- - مناقب ابن شهرآشوب، ج۱، ص۳۷۸ ؛ المستدرک ، ج۱۱، ص۹۱، ح۱.

یعنی در اموال بیت المال که همهٔ مردم در آن سهم دارند تصرف جائرانه کنم ؟ به خدا سوگند ! تا حیات دارم و شب و روز برقرار است ، هرگز چنین کاری نخواهم کرد .(۱)

به آن دیگری که قصد رشوه دادن داشت فرمود :

« فَوَ اللَّهِ لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبُهَا جِلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُ ؛ به خدا سوگند ! اگر هفت اقلیم جهان را با آنچه زیر آسمان آن ها است به من دهند تا خدا را معصیت نمایم به اندازه ای که پوست جوی را از دهان مورچه ای بگیرم چنین کاری نخواهم کرد. »(۲)

آن حضرت در اجرای عدالت ، خویش و بیگانه و دوست و رفیق برایش یکسان بودند و با همه به همان گونه رفتار می کرد که عدالت اقتضا می نمود و قصّهٔ برادرش عقیل شاهد این مطلب است .

تاریخ سراغ ندارد کسی همانند او زمامداری نموده باشد .

فرمود : اگر می خواستم می توانستم از عسل مصفّا و مغز گندم و بافته های ابریشم استفاده کنم ، امّا هیهات ، که هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به انتخاب غذاهای لذیذ وادار نماید در حالی که شاید در حجاز یا یَمامه کسی باشد که امیدی به یک قرص نان نداشته باشد . هیهات ، که شب را با شکم سیر صبح کنم در حالی که در اطرافم شکم های گرسنه باشد ، فرمود :

۱- - نهج البلاغه ، ص۱۸۳.

۲- - نهج البلاغه ، ص۳۴۷.

« أ أَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ ؟ ؛ آیا به همین مقدار اکتفا کنم که به من امیرمؤمنان گفته شود ، ولی در سختی های روزگار با مردم شریک نباشم ».(۱)

از کلمات نورانی آن حضرت است که می فرمود :

« مِنْ حَقِ الرَّاعِي أَنْ يَخْتَارَ لِلرَّعِيَّةِ مَا يَخْتَارُهُ لِنَفْسِهِ ؛ حاکم وظیفه دارد که برای مردم خود همان چیزی را برگزیند که برای خود بر می گزیند».(۲)

امام باقر علیه السلام می فرماید :

« وَ لَقَدْ وُلِّيَ (علیّ علیه السلام) خَمْسَ سِنِينَ مَا وَضَعَ آجُرَةً عَلَى آجُرَةٍ وَ لَا لَبِنَةً عَلَى لَبِنَةٍ وَ لَا أَقْطَعَ قَطِيعاً وَ لَا أَوْرَثَ بَيْضَاءَ وَ لَا حَمْرَاءَ وَ إِنْ كَانَ لَيُطْعِمُ النَّاسَ خُبْزَ ؛ آن حضرت پنج سال حاکم بود، نه آجری بر آجری نهاد و نه خشتی بر خشتی ، هیچ ملکی را به خود اختصاص نداد و سیم و زر از خود به جای نگذاشت ، به مردم نان گندم و گوشت می خورانید ، و خود به منزل بر می گشت و نان جو با زیت و سرکه می خورد .»(۳)

او حکومت را برای حکومت نمی خواست ، بلکه حکومت را برای اجرای عدالت می خواست .

۱- - نهج البلاغه ، ص۴۱۸.

۲- - عیون الحکم ، ص ۴۶۹.

۳- - امالی صدوق ،۲۸۱.

ابن عباس می گوید : در منطقهٔ « ذی قار » نزد آن حضرت رسیدم کفش خود را وصله می زد ، به من فرمود : قیمت این کفش چه قدر است ؟

عرض کردم : بهایی ندارد . فرمود :

« وَ اللَّهِ لَهِیَ أحَبُّ إِلَیَّ مِنْ إِمْرَتِکُمْ إِلَّا أنْ أقِیمَ حَقّاً أوْ أدْفَعَ بَاطِلًا ؛

به خدا قسم ! همین کفشی که می گویی بهایی ندارد ، نزد من از حکومت بر شما محبوب تر است ، مگر آن که به وسیله آن حقّی را به پا دارم یا باطلی را براندازم ».(۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام به دارندگان پست و مقام می فرماید :

« وَ إِنَ عَمَلَکَ لَیْسَ لَکَ بِطُعْمَهٍ وَ لَکِنَّهُ فِی عُنُقِکَ أَمَانَهٌ ... ؛

ای صاحب پست و مقام ، این شغل تو و این پست و مقام تو لقمهٔ چرب و نرمی نباشد که در اختیارت قرار گرفته است، بلکه امانتی است که به دست تو سپرده اند . ».(۲)

« سودهٔ همدانی » وقتی از کارگزار آن حضرت شکایت کرد، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گریست و فرمود :

« اللهمّ أنتَ الشّاهِدُ إنّی لَم آمرُهم بِظُلم خَلقِک ؛

خدایا ! تو شاهدی که من هرگز به او نگفتهام ظلمی به کسی نماید » .

و فوراً با نوشته ای او را از شغلش برکنار نمود .

و این شعر از « سودهٔ همدانی » است که در برابر معاویه گفت:

۱– – نهج البلاغه ، ۷۷.

۲– – نهج البلاغه ، ۳۶۷.

صَلَّى الْإِلَهُ عَلَى جِسْمٍ تَضَمَّنَها

قَبْرٌ فَأَصْبَحَ فِيهِ الْعَدْلُ مَدْفُوناً

«درود خدا بر آن جسم و روحی که قبری آن را در برگرفته ، و با دفن او در حقیقت عدالت مدفون گردید ».(۱)

او در میان امّت جز به حق و عدالت حکم نکرد ، « حَتَّى قُتِلَ فِي مِحرابِ عِبادَتِه لِشِدَّةِ عَدلِه ؛ تا آنکه در محراب عبادتش به خاطر شدّت عدالتش به شهادت رسید » .

و دیگر این عدالت را نمی توان یافت مگر در حکومت آخرین وصی او ، خاتم الاوصیاء حضرت مهدی موعود ارواحنا له الفداء، که سیرهٔ حکومتی آن حضرت ، همان سیرهٔ جدّ مظلومش امیرالمؤمنین علیه السلام است .

و تنها با ظهور آن حضرت است که دوران مظلومیت اهل بیت علیهم السلام به پایان می رسد ، و دوران سرور آنان فرامی رسد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله از کینههای پنهان شده در سینههای مردم نسبت به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به آن حضرت خبر داد و فرمود که آن ها به او ظلم

می کنند ، سپس فرمود :

« وَ أَخْبَرَنِی جَبْرَئِیلُ علیه السلام عَنْ اللّه عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ ذَلِکَ یَزُولُ إِذَا قَامَ قَائِمُهُمْ ؛ جبرئیل به من خبر داده است از طرف پروردگار عالم که این ظلم و بیدادگری

۱- – مطالب السؤول ، ص ۱۸۱؛ بلاغات النساء ، ص ۳۱.

و این مظلومیت از بین خواهد رفت وقتی قیام کننده این خاندان یعنی مهدی آل محمّد علیهم السلام قیام نماید . ».(۱)

و بر آن ها که دل هایشان بر مظلومیت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و خاندان رسالت علیهم السلام می سوزد و آه از سینه پر غم و غصه می کشند ، لازم است که برای تعجیل ظهور آن باقی مانده از خاندان رسالت دعا کنند ؛ زیرا تنها با ظهور موفورالسّرور آن ذخیرهٔ الهی است که حقّ غصب شده حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان معصوم آن حضرت دوباره به ایشان باز می گردد ، حجت خدا و جانشین او در مسند خلافت تکیه می زند و نور را جایگزین ظلمت و عدل را جایگزین ظلم خواهد نمود ، و چه زیبا است زندگی در آن دوران باشکوه ، که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند :

« طُوبَى لِمَنْ أدْرَكَ أيّامه و سَمِعَ كَلامَهُ ؛ خوشا به حال کسانی که آن دوران باعظمت را درک می کنند و سخن او را می شنوند ».(۲)

که بین رکن و مقام می ایستد و فریاد می زند :

« ألا يا أهلَ العالَم، أنَا الامامُ القائِم، ألا يا أهلَ العالَم، أنا الصَمصامُ المُنتَقم. ألا يا أهلَ العالَم، إنَّ جَدّىَ الحُسَين قَتَلُوهُ عَطشاناً... »(۳)

چهارده قرن از شهادت مظلومانهٔ امیرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام گذشت ولی دشمن در طول این مدّت هرگز از پا ننشست ، کینه و عداوت خود را به

۱- – امالی طوسی ، ص۳۵۱ .

۲- – بحار الانوار ، ج۵۲ ، ص ۲۸۰.

۳- – الزام الناصب ، ج۲ ، ص۲۴۶.

شکل های مختلف به نمایش گذاشت مزدورانی که قدرت های بزرگ شیطانی آنها را حمایت و تقویت می کنند ، تا توانستند با مسأله ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام مبارزه کردند.

ولایت ، همان گوهر ارزنده ای است که تمام ارزش انسان و دین و ایمان و اعمال او بستگی به وجود آن دارد و به خاطر همین ارزش فراوانی که دارد همیشه مورد هجوم دشمن بوده است .

شیاطین انس همراه با شیاطین جن تمام تلاش خود را برای از بین بردن آن به کار گرفته اند و از همهٔ امکانات خود بهره برداری می نمایند . آنها همواره در کمین نشسته اند تا مردم را با شبهه افکنی های خود نسبت به این رکن دین سست و ضعیف و بدبین نمایند .

کار شیاطین همین است که سر راه مستقیم الهی بنشینند و اجازه ندهند که بندگان خدا آن راه را بپیمایند .

قرآن از زبان او حکایت می کند که گفت : « لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَكَ الْمُسْتَقيم ؛ و صراط مستقیم همان ولایت علی بن أبی طالب علیه السلام است .»(۱)

زراره وقتی از امام محمّد باقر علیه السلام در مورد این آیهٔ شریفه سؤال کرد ، امام علیه السلام فرمودند :

۱- – سورهٔ اعراف، آیه ۱۶.

« يَا زُرَارَهُ إِنَّمَا صَمَدَ لَکَ وَ لِأَصْحَابِکَ فَأَمَّا الْآخَرِین فَقَدْ فَرَغَ مِنْهُمْ ؛

ای زراره ! شیطان ، تو و امثال تو را قصد کرده و شما هستید که مورد هجوم او هستید ، امّا دیگران که فاقد این گوهر ارزنده اند خیالش از آنها فارغ است. »(۱) آنها خودشان راه انحراف را پیش گرفته اند و گمراهند .

ما باید حواس خود را بیشتر جمع کنیم ، بیشتر مراقب این دشمنان قسم خورده باشیم ، به وسوسه های آنها اعتنا نکنیم و با استمداد از قدرت لایزال الهی و توسّل به ذیل عنایت اولیاء الهی چراغ ولایت را همواره روشن نگه داریم و بدانیم که آنچه داریم از خیر و برکت و فلاح و رستگاری و سعادت در پرتو ولایت است و دنیا و آخرت ما در گرو حفظ و نگهداری آن می باشد .

ولایت وادی امن الهی است و صلح و صفا و یکرنگی و اتحاد و برادری تنها در این وادی است که دشمن نمی تواند آن را ببیند .

خود را در برابر این دشمن بی رحم کاملاً مجهز نماییم ، وسلاح لازم را در برابر حربه های او تهیّه کنیم و از خود پایداری و مقاومت نشان دهیم ، بدانیم که ارزش این گوهر از ارزش جان ما بیشتر است، ولو به قیمت جان ، نگذاریم از دست ما ربوده شود ، که : امام صادق علیه السلام فرمودهاند :

« الْفَقْرُ مَعَنَا خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ غَيْرِنَا وَ الْقَتْلُ مَعَنَا خَيْرٌ مِنَ الْحَيَاهِ مَعَ عَدُوِّنَا؛

فقر با ما اهل بیت علیهم السلام بهتر از مال و ثروتی است که با غیر ما به دست آید، کشته شدن با ما اهل بیت علیهم السلام بهتر از حیات و زندگی با دشمنان ما است » . (۲)

۱- - المحاسن ، ج۱، ص ۱۷۱، ح۱۳۸.
۲- - الخرائج و الجرائح ، ج۲، ص ۷۳۹.

همواره حامی ولایت و مدافع مقام ولایت باشیم و اجازه ندهیم دشمن به این مقام والا ، طعنه بزند ، یار و یاور آنها باشیم ، خوشا به حال کسانی که مدال پر افتخار « مَرْحَباً بِنَاصِرِنَا »(۱) را دریافت نمودند .

بدانیم که آنها حتماً یاوران خود را یاری می نمایند و دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شامل حال چنین کسانی است که فرمود :

« اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ، وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ »

و خدا در قرآنش وعده فرموده است :

« إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدامَكُم ؛

اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می نماید و قدمهای شما را استوار میدارد » .(۲)

گرامی داشت چهاردهمین قرنِ شهادت مظلومانهٔ حضرت امیرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام فرصتی است بسیار ارزشمند و گرانبها ، باید از این فرصت فراهم شده کمال استفاده را نمود ، آن گونه نیست که همیشه فرصت فراهم شود .

۱- حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام به دعبل فرمودند : « مرحباً بک یا دعبل، مرحباً بناصرنا بیده و لسانه » (بحارالأنوار، ج۴۵، ۲۵۷). امام صادق علیه السلام نسبت به هشام فرمودند : « هذا ناصرنا بقلبه و لسانه و یده» (اعلام الوری، ج ۱، ص ۵۳۱).

۲- سورهٔ محمّد صلی الله علیه و آله ، آیهٔ ۷.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید :

« إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا ؛ همانا برای پروردگار شما در دوران عمرتان نسیم های رحمتی است ، به هوش باشید و خود را در معرض آنها قرار دهید ».(۱)

این گرامی داشت قطعاً یکی از آن نسیم های رحمتی است که وزیده ، و هر کس خواهان کمال است باید خود را در معرض وزش آن قرار دهد ، یعنی در آن جهت حرکت کند و تمام توان خویش را به کار گیرد ، همه وارد این میدان بزرگ تاریخی شوند ، به سوی این بهترین عمل بشتابند و در این امر مهم از یکدیگر سبقت گیرند که قرآن کریم می فرماید :

« فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ »(۲)

فرصت ها زودگذر هستند و خیلی سریع از دست میروند .

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید : « الْفُرْصَهُ سَرِيعَهُ الْفَوْتِ ؛

از دست دادن فرصت حتماً حسرت و ندامت و اندوه در پی خواهد داشت .» (۳)

در نهج البلاغه می فرماید : « إِضَاعَهُ الْفُرْصَهِ غُصَّه »(۴).

۱- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۲۱.

۲- - سورهٔ بقره ، آیهٔ ۱۴۸.

۳- - عیون الحکم ، ۲۱.

۴- - نهج البلاغه ، صبحی صالح، ص ۴۸۹.

هنرمندان از هنرِ خویش، شاعران از ذوق سرشار خویش و این موهبت الهی ، نویسندگان و محقّقان و فرهیختگان از اندیشه و افکار خویش در این زمینه استفاده کنند و دلها را متوجّه ساحت مقدّس ولی اللّه اعظم نمایند .

خطبا با خطبه های پر شور و جذاب خویش ، خیّرین با تأسیس خیریه ها و مراکز خدماتی به نام نامیِ آن حضرت ، هیئات محترم با راه اندازی دسته جات و تشکیل مجالس عزاداری ، رسانه ها با اجرای برنامه های سازنده ارادت خویش را به اهل بیت علیهم السلام اظهار نمایند .

و همه تلاش کنیم که این اقدام خداپسندانه هرچه باشکوه تر برگزار شود و افکار و اذهان جهانیان را متوجه خود سازد و مبدأ یک تحوّل عظیم و منشأ خیرات و برکات فراوان باشد .

همان طور که در برگزاری چهاردهمین قرن شهادت اُمّ الأئمّةالنجباء حضرت صدیقهٔ کبری سلام الله علیها شاهد آثار و برکات فراوان آن بودیم که همانند چشمه ای هنوز جاری است و هر سال بر عظمت آن افزوده می گردد .

خداوند تبارک و تعالی می فرماید :

« فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفاءً وَ أَمَّا ما يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ؛

امّا کفها به بیرون پرتاب می شوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند [آب یا فلز خالص] در زمین می ماند ».(۱)

۱- - سورهٔ رعد ، آیهٔ ۱۷.

و نیز می فرماید :

« ما عِنْدَکُمْ یَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ باقٍ ؛

آنچه نزد شما است فانی می شود ، و آنچه نزد خدا است باقی می ماند .»(۱)

بـا این امیـد که سـعی و تلاـش مـا سـرور و خشـنودیِ آخرین ذخیرهٔ الهی و یادگـار امیرالمؤمنین علیه السـلام حضـرت بقیّه اللّه الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم آورد و باعث تعجیل در ظهور موفور السّرور آن حضرت گردد .



ص: ۵۴

۱- - سورهٔ نحل ، آیهٔ ۹۷.

به قلم : نویسندهٔ دلباختهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

حجهٔ الاسلام و المسلمین شیخ علیرضا نعمتی

چهارده قرن بی تفاوتی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

« اِنَّ اللهَ فَتَحَ هَذَا الدّینَ بِعَلیٍّ وَ إذا ماتَ عَلیّ فَسَدَ الدّینُ وَ لَا یُصْلِحُهُ إِلَّا المَهدیُّ بَعدَهُ ؛ خداوند این دین را به وسیله علیّ علیه السلام فتح و پیروزی عطا فرمود و آن گاه که علیّ از دنیا برود ، دین فاسد می شود و کسی پس از او قادر به اصلاح آن نخواهد بود مگر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » .(۱)

آری ! از روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسید ، کار امّت به سامان نرسید و هر سال بر بد عهدی و دوری مردم از عهد « ولایت علی ولی الله » افزوده شد و گناه سنگین روگردانی از امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرین آن حضرت ، بار سنگین تری را بر دوش امّت اسلام ، بلکه جامعهٔ بشریّت نهاد .

اینک در آستانهٔ یکهزار و چهارصدمین سال این مصیبت عظمی هستیم .

۱۴۰۰ سال مصیبت فقر و فلاکت و خونریزی و انواع مفاسد جزیی و کلّی بر بشریّت گذشته است .

ص: ۵۵

۱- - ینابیع الموده قندوزی حنفی ، چاپ اسلامبول ، ص ۲۵۹، به نقل : احقاق الحق ، ج ۷، ص۳۶۲.

معنای این سخن آن است که بار سنگین هزاران نوع فساد ، ۱۴۰۰ برابر بیشتر شده است ، نه ۱۴۰۰ برابر ، بلکه قریب ۵۰۰ هزار برابر (به عدد روزهای این ۱۴۰۰ سال قمری که ۴۹۷۰۰۰ روز است) فشار انواع مفاسد اعم از قتل و جنایت و شکنجه و اسارت و ... بر گُرده ی بشر بیشتر و سنگین تر شده است .

اگر دقّتی کنیم ، بار سنگین شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از عدد ریگهای بیابان نیز افزون تر است که آن حضرت در روایتی فرمود : « به عدد ریگهای بیابان ها به من ظلم شده است » .

چرا که آمار ظلم هایی که به بشر می شود ، هم اکنون با معیار « دقیقه » بلکه « ثانیه » محاسبه می شود که مثلاً در هر ثانیه ، این تعداد انسان در اثر هوای آلوده می میرند و این تعداد در اثر سیگار می میرند و این تعداد در اثر جنگ و درگیری ها می میرند و ده ها و صدها نوع مرگ و میر دیگر مانند مرگ های مصنوعی که جنایتکاران انواع امراض را ایجاد می کنند تا داروهایی را که خود برای درمان آن امراض ساخته اند به فروش برسانند و جنگ بین کشورها و اقوام به راه می اندازند ، تا سلاح هایشان را به فروش برسانند و ده ها نوع مرگ و فساد که همه آن ها ناشی از فقدان رهبریِ معصوم از خطا در رأس جامعهٔ بشری است .

رهبری که مؤیّد به قدرت آسمانی و آگاه از همه خیانت های پنهانی است که خداوند از ۱۴۴۰ سال پیش چنین رهبرانی را که ۱۴ تن بودند، برای همهٔ زمان ها به بشریت ارزانی فرمود .

ص: ۵۶

لذا تمامی این مفاسد بیشمار در جامعهٔ بشری ، ناشی از عدم پذیرش رهبری امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ائمهٔ طاهرین علیهم السلام از نسل آن حضرت تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و لذا هر ثانیه ای که از فقدان آن رهبران آسمانی می گذرد ، بار سنگین ظلم بر گُرده ی بشر ، سنگین و سنگین تر می شود .

و این ۴۹۷ هزار روز ظلم بر کلِّ جامعهٔ بشری آن قدر ادامه می یابد که یا آنان که آن رهبر آسمانی را می شناسند (شیعیان دوازده امامی) از خدا ظهور آن امام معصوم را بگیرند و یا اگر چنین نکردند و مانند این ۱۴۰۰ سال بی تفاوت بودند ، این فشار تا آن جا ادامه می یابد که در اثر شدّت ظلم ، پیمانهٔ زمان غیبت به انتهای خود برسد و خداوند متعال اذن ظهور و فرج به حضرت بقیهالله ارواحنافداه عنایت فرماید .

طول زمان یک ظلم و بی تفاوتی نسبت به آن ، میوهٔ تلخی به نام « قساوت قلب » بر دل انسان ها می نشاند که خدای تعالی می فرماید :

« أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ؛ آیا زمان آن فرا نرسیده است که ایمان آورندگان ، دل هایشان برای یاد خدا نرم و خاشع شود و زیر بار اطاعت و تسلیم در برابر آن چه از حق نازل شده برود و مانند کسانی نباشند که پیش از این ، کتاب (تورات و انجیل) به آن ها داده

ص: ۵۷

شد ، امّا چون زمان بر آن ها طولانی شد ، دل هایشان را سختی و سنگدلی فراگرفت که بسیاری از آن ها فاسق بودند . »(1)

آری ! یکهزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام یعنی ، یکهزار و چهارصد برابر شدن قساوت قلب در یک امّت ، که در برابر از دست رفتن حجّت خدا ، عکس العملی که باید نشان بدهد ، نشان نداد و قلبش در برابر این مصیبتِ جان خراش ، سخت شد و هر قدر این زمان سخت دلی در برابر ظلمی که به اهل بیت عصمت علیهم السلام شد ادامه یابد و امّت، ظهور حضرت بقیهالله عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خدا نگیرد و آن امام مظلوم را از مظلومیت و غربت به در نیاورد ، قلبش سخت تر می شود و این بی تفاوتی یک خروج آشکار امّت از صراط مستقیم ، و فسقی آشکار و بزرگ است که در انتهای آیه فوق به آن اشاره شده است « وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ » .

ای وای بر ما ! که اکنون یکهزار و چهارصد سالگیِ بی تفاوتی خود را شاهد هستیم .

یکهزار و چهارصد سالگی قساوت قلب و بی تفاوتی در برابر حجج الهی ، خصوصاً آخرین حجت خدا که حدود ۱۱۷۵ سالِ آن ، سهم ایشان تاکنون شده است .

یکهزار و چهارصدمین سال گمگشتگی و تحیّر و بیرون زدن و انحراف خود از جادهٔ الهی را شاهدیم .

۱- - سوره حدید، آیه ۱۶.

بدیهی است وقتی خداوند قساوت قلب را در آیه فوق نتیجهٔ بی تفاوتی و بی غیرتی در برابر یاد خدا و آن چه از حق نازل شده می دانـد ، چه یاد خـدایی پرثمرتر و نجات دهنـده تر از توجّه به رهبری که خداونـد برای امّت اسـلام در روز غـدیر خم تعیین فرمود و امـامت و ولاـیت امیرالمؤمنین علیه السـلام را « مَـا أنزِلَ إلَيْـكَ مِن رَّبِّكَ ؛ آن چه بر تو از جـانب خـدایت نازل شـده » خوانـد و لذا امّت اسـلام در برابر ظلم به علی علیه السـلام و خاندان مطهر، خصوصاً همسـر مکرّمه اش حضـرت زهرای مرضـیه سلام الله علیها سکوت کرد و در اثر این فسق و گناه آشکار و بزرگ اجتماعی ، قلبش سخت شد .

از آن روز تـا امروز و تـا روز ظهور ، خداونـد متعـال هر لحظه بر این امّت نهیب می زنـد که از خواب غفلت بیـدار شویـد و بر غربت و مظلومیّت آن قلب تپنده ای که او را با سـکوتتان خانه نشین کردید و موجب شهادت او و ده فرزند معصومش و غیبت ۱۱۷۰ سالـهٔ یازدهمین فرزنـد مظلومش شدید ، گریه کنید و ناله بزنید و در این هزار و چهارصدمین سال آن اول مظلوم عالم ، فریاد بیدار باش پروردگارتان را بشنوید که می فرماید : خواب بس است : « أ لَمْ يَأنِ لِلَّذينَ آمَنُوا أنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ ».

آری ! به پاخیزیـد و غبـار غربت را از چهره دین و قرآن و دوازدهمین جانشـین رسول خـدا صـلی الله علیه و آله یعنی حضـرت مهدی آل محمّد علیهم السلام بزدایید و بدانید که :

«اعْلَمُوا أنَّ اللَّهَ يُحْيِى الْأرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛

بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند . ما آیات خود را به روشنی برایتان بیان کردیم شاید تعقّل کنید [و به صراط مستقیم باز گردید] ». (۱)

آری ! آیهٔ فوق ، درست پس از آیه ای است که قساوت قلب را یادآور می شود ؛ یعنی ای امّتی که در برابر «یاد خدا و آن چه از حق نازل شد» ، یعنی ولایت علی بن ابی طالب و خاندان مظلومش علیهم السلام ساکت و بی تفاوت بودید ، بدانید که اگر همین طور بی تفاوت بمانید و بر تعداد سالگردهای شهادت حضرت علی علیه السلام ، افزوده شود ، چنین نیست که این غیبت تا روز قیامت ادامه یابد ؛ بلکه هر روز که خداوند متعال صلاح بداند ، اذن فرج و ظهور به آخرین جانشین رسول خاتم ، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر می فرماید و زمین را پس از مرگش یعنی کفر اهلش زنده می کند . چرا که کفر ورزیدن ، سقوط و مرگ روحی یک انسان یا جامعه ای است که در برابر حق ، چشم بر هم گذاشته و آن را پایمال هواهای نفسانی اش کرده است .

پس در یکهزار و چهارصدمین سال بی تفاوتی در برابر مظلومیّت آل محمّد علیهم السلام از لاک بی تفاوتی درآییم و در جهت پایان دادن به زمان خانه نشینی امام زمانمان (زمان غیبت) تلاش قولی و عملی کنیم ؛ همان تلاشی که امّت پیامبر صلی الله علیه و آله در ۲۵ سال خانه نشینی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مکلف بودند به خانه نشینی آن اوّل مظلوم عالَم پایان دهند .

۱- - سوره حدید ، آیه ۱۷ .

این ۱۱۷۵ سال خانه نشینی امام زمانمان ، بزرگ شده و وسعت یافتهٔ همان ۲۵ سال خانه نشینی جد مظلومش علی علیه السلام است و تکلیف ما در برابرش همان تکلیف و چه بسا سنگین تر است .

نکتهٔ مهمی که در آیه فوق (آیه ۱۶سورهٔ مبارکهٔ حدید) باید ما را تکان دهد و چه بسا با یکهزار و چهارصدمین سال شهادت مظلومانهٔ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ارتباطی تأمل برانگیز دارد ، قساوت قلب انسان در اثر طولانی شدن زمان غیبت امام زمان ارواحنافداه است :

« فَطالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ... ؛ پس زمان غیبت پیامبرشان بر آنها طولانی شد ، لذا دچار قساوت و سنگدلی در برابر فقدان حجت خدا شدند . »

یکهزار و چهارصدمین سال و جلوهٔ خاص

معمولا اعداد رُند و سرفصل ، مانند ۱۴۰۰، اگر خصوصیت ویژه ای نداشته باشند ، اما جلوه ای خاص برای انسان دارند و حداقل می توانند به شدت تکان دهنده باشند ، مانند کسی که چهل یا پنجاه ساله شده و یکباره تکانی می خورد وقتی خود را در آینه می بیند و به خود نهیب می زند که : فلانی چهل ساله شدی ، پنجاه ساله شدی ، غفلت بس است و ...

در اینجا هم لااقل امت شیعه باید به خود نگاهی کند و بگوید : ای خوش غیرت ، ۱۴۰۰ سال از فرق شکافتهٔ امام مظلوم و پدر مهربانت می گذرد و تو هنوز دکتر و طبیب آسمانی (فرزند دلبندش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بربالای سرش حاضر نکرده ای ؟! (هنوز ظهور مقدسش را از خدا نگرفته ای ؟!)

آری ! ما باید ظهور امام زمانمان را که شفابخش فرق شکافته حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است از خدا بگیریم و الاّ چرا هزار سال است که امام زمان ارواحنافداه از ما به طور رسمی (در یکی از توقیعات شریفشان) خواسته اند که بروید از خدا درخواست کنید و بسیار هم درخواست کنید که هرچه زودتر فرج مرا برساند که گشایش و فرج شما در آن است :

« وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ »(۱)

ای مردم ! امیرالمؤمنین علیه السلام فرق شکافته اش درد دارد و تنها ظهور فرزند عزیزش التیام بخش آن است .

آیا ۱۴۰۰ سال بی تفاوتی بس نیست ؟ آیا زمان بیداری فرا نرسیده ؟!

« أ لَمْ يَأنِ لِلَّذينَ آمَنُوا أنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ ».

آیا ندای امام زمانت را که از بیش از هزار سال است در فضای زندگی تو و همه شیعیان طنین انداخته را نمی شنوی که فرمود :

« وَ لَوْ أنَّ أشْيَاعَنَا وَفَّقَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا؛ اگر شیعیان ما (که خدا آنها را به طاعتش موفق بدارد) با دل هایی یکپارچه به عهد خود با ما وفا می کردند ، میمنت دیدار ما از آنها به تأخیر نمی افتاد و دیدارِ رو در روی ما با آنها ، قطعا و با عجله نصیبشان می شد . »(۲)

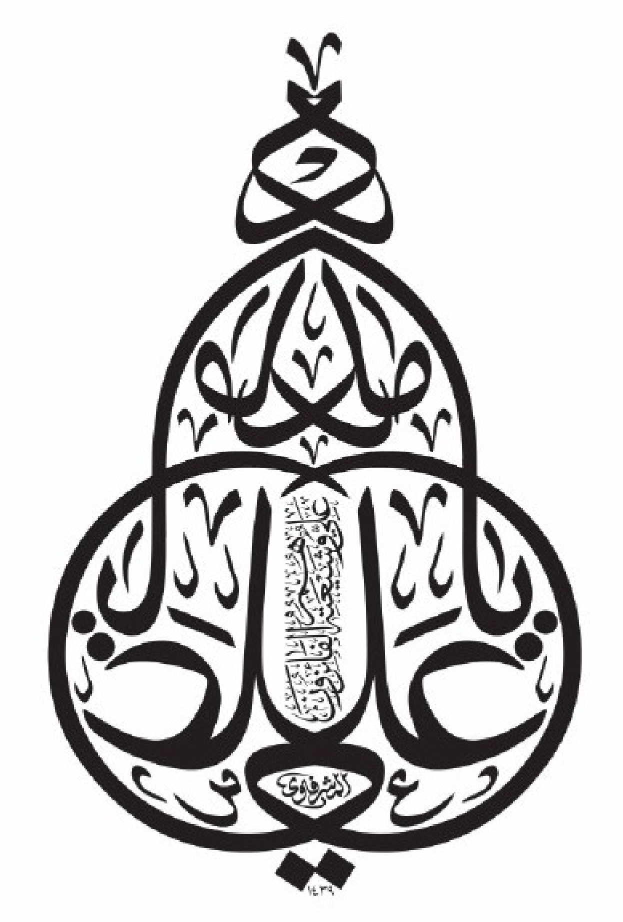
ص: ۶۲

۱- – احتجاج ، ج۲ ، ص ۴۷۱ .

۲- – احتجاج ، ج۲ ، ص ۴۹۹ .

می بینیم که حضرت بقیۀ الله ارواحنافداه کلید بازشدن درب زندان غیبت را به دست خودمان داده اند و ما آن را به کناری انداخته ایم و می گوییم معلوم نیست این درب کی باز می شود ...

شما را به خدا قسم ! آیا افکار ما از صراط مستقیم منحرف نشده است ؟!



ص: ۶۳

اثر قلم : محقق دلباختهٔ اهل البیت علیهم السلام

سید محمد موحد ابطحی

وظیفه ای سنگین وتاریخ ساز

یکی از سنّت های خداونـد متعال و رسول گرامی اش ، بیان معارف و مسائل مهم دینی با اسـتفادهٔ از ابزار تاریخ و توجه دادن بـه وقـایع آن می باشـد ، حتی طبـق برخی تفاسیر ، به تعـبیر قرآن کریم تـوجه به برخی وقـایع تـاریخی و بیـان کیفیت آن ، از مصادیق هدایت مردم به سمت حق شمرده شده است .(۱)

بـا تعمّق و تفحص در سیرهٔ خـاتم النبیین صـلی الله علیه و آله و اهـل بیت طاهرین علیهم السـلام می بینیم که اهتمام ویژه ای به برخی وقـایع تاریخی و زمان و مکان وقوع آنها داشـته انـد و همین تـذکر و توجه را فرصتی برای بیان معارف والای تشیّع قرار می دادند ، که به دو مورد از آنها اشاره خواهیم کرد :

۱) - واقعهٔ غدیر خم :

در بین روایاتی که به بیان عظمت و فضائل روز عید غدیر پرداخته شده ، روایتی از حضـرت علی بن موسـی الرضا علیه السـلام نقل شده که : در مجلس مأمون عباسـی سـخن از روز غدیر به میان آمد و این واقعه مورد انکار عده ای قرار گرفت ، حضـرت رضا علیه السلام در پاسخ به این عدّه فرمودند :

« إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ فِي السَّمَاءِ أَشْهَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ ؛

ص: ۶۴

۱- - برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به : تفاسیر گوناگون ذیل آیه ۱۳۸ ، سورهٔ آل عمران.

قطعاً روز غدیر در آسمان ها مشهورتر از آن در زمین است . » (۱)

در ایـن عبـارت ، نکتـه ای بسیار ظریـف نهفتـه اسـت که خطـاب آن متـوجه عمـوم شـیعیان است ، مبنی بر اینکه آسـمانیان به بزرگـداشت سالگرد ! این واقعه بیش از شـما زمینیان اهتمام دارند ، و به بیان دیگر ، کم کاری و اهمال در بین زمینیان موجب شده که یکی از بزرگترین فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام و مهمترین رکن تشیّع ، به راحتی موجب انکار قرار بگیرد .

در ادامهٔ همان روایت ، حضرت رضا علیه السلام کیفیت عجیب و مفصلی را نقل می کنند که : قصرهای ویژه ای در آسمان ها تـدارک دیـده شده که با زیورهای خاص ، زینت شده اند و در « سالگرد عید غدیر » ملائکه با آداب خاصـی وارد آن قصـرها می شوند و هدیه هایی دریافت می کنند و در آخر روز غدیر به آنها ندا داده می شود :

« اِنْصَـرِفُوا إِلَی مَرَاتِبِکُمْ فَقَـدْ أَمِنْتُمْ مِنَ الْخَطَـإِ وَ الزَّلَلِ إِلَی قَابِلٍ فِی مِثْلِ هَـذَا الْیَوْمِ تَکْرِمَهً لِمُحَمَّدٍ صـلی الله علیه و آله وَ عَلِیٍّ علیه السلام ؛

به جایگـاه های خود برگردیـد که ، تا سال آینـده مثل امروز به خاطر گرامی داشت محمـد و علی علیه السـلام از خطا و لغزش ایمن گشتید . »

ص: ۶۵

۱- - تهذیب الاحکام ، ج۶ ، ص۲۴ ، ح ۹.

در این فراز نیز ، مجدداً تأکیدی مبنی بر توجه به « سالگرد !! » واقعهٔ غدیر وجود دارد ؛ چرا که آن هدیّهٔ ویژه (مصونیت از اشتباه) موقت و محدود تا زمان تکرار مجدد این بزرگداشت و سالگرد ، در سال آینده شده است .

۲) – واقعهٔ کربلا و امام حسین علیه السلام

با مراجعه به سیرهٔ معصومین علیهم السلام می بینیم که از هر موقعیت زمانی و مکانی که به نوعی مرتبط با سیدالشهداء علیه السلام است استفاده شده ، تا تبدیل به فرصتی برای بیان مظلومیت ایشان گردد و این موارد به قدری فراوان است که می تواند موضوع نگارش کتابی مستقل باشد .

به عنوان نمونه در باب ولادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام روایات متعددی ذکر شده ، که شخص خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله یا ملائکهٔ الهی ، به بیان مصیبت های جانسوز سیّدالشهداء علیه السلام پرداخته و از این زمان خاص (روز ولادت) برای تذکّر و توجّه مردم به این رکن مهم (بیان مظلومیّت سیدالشهداء علیه السلام) استفاده کرده اند . (۱)

لطیف تر اینکه ، نقل شده این برنامه در سالگرد ! ولادت حضرتش نیز مجدداً تکرار شد ، به این نحو که دوازده نفر از ملائکه ، بر حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وارد شدند ، و قسمتی از مصائب سیّدالشهداء علیه السلام را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان نمودند .

۱- – برای ملاحظهٔ برخی از این روایات ، نگاه کنید به : اکمال الدین ، ص ۴۱۵ ، ح ۶ ؛ کامل الزیارات، ص۱۳۰ ، ح ۱۴۷ ، مدینهٔ المعاجز ، ج۳ ، ص۴۲۶ ، ح ۹۵۲.

و نیز در روایتی آمده ، که در دومین سالگردِ ! ولادت امام حسین علیه السلام نیز این امر تکرار شده ، به این نحو که پیامبر علیه السلام در آن روز در سفری بودند ، جبرییل علیه السلام بر آن حضرت نازل شد ، و بخشی از مصائب سیّدالشهداء علیه السلام را برای پیامبر صلی الله علیه و آله خوانده و ایشان گریستند ، سپس به مدینه بازگشتند ، و به منبر رفتند ، و روضهٔ سیّدالشهداء علیه السلام را برای مردم خواندند ، تا آنجا که نقل شده : « فَضَجَ النَّاسُ فِی الْمَسْجِدِ بِالْبُکَاءِ وَ النَّحِیبِ ؛

صدای گریه و ضجه مردم در مسجد بلند شد . »(۱)

اهتمام به مسالهٔ سالگرد وقایع ، چنان در سیرهٔ نبوی فراوان یافت می شود که مرحوم علّامهٔ امینی قدس سره در کتاب « سیرتُنا و سنّتُنا » بعد از ذکر برخی از این اخبار می فرماید :

« گمان قریب به یقین می رود که ، تعدد مجالس ماتم سیّدالشهداء علیه السلام که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه های همسرانشان برگزار شده ، در سالگردهای ولادت ، یا شهادت سیّدالشهداء علیه السلام بوده است .» (۲)

این اهتمام به تعظیم سالگرد ! برخی از وقایع ، در سیرهٔ اهل بیت علیهم السلام نیز ادامه پیدا کرده که ذکر موارد بیشتر ، در حوصلهٔ این مختصر نمی باشد .

تعظیم روز مصیبت امیرالمومنین علی علیه السلام

همان طور که قبلاً ذکر شد ، توجه و تأکید ویژه ای از سوی شارع مقدس ، بر تعظیم برخی وقایع ، و توجه به سالگرد آن وجود دارد ، خصوصاً در موضوع

۱- - مقتل الامام السبط الشهید للخوارزمی ، ج ۱ ، ص۱۶۳ .

۲- - سیرتنا و سنتنا ، ص ۵۰ .

مصائب سیّدالشـهداء علیه السـلام که این روش ، راهی برای بیان مظلومیت آن بزرگوار بوده است . بایستی توجه داشـته باشـیم که ، این مسأله در مـورد مصـیبت امیر عـالم ، حضـرت امیرالمـؤمنین علیه السـلام به طریـق اولی ثـابت است ، چه آنکه اگر در روایـات ، در مورد سیدالشـهداء علیه السـلام تعـبیر به « مظلوم » شـده است ، در مورد امیرالمؤمنین علیه السـلام تعـبیر به « اولین مظلوم » شده(۱)

و خود حضرت در تعبیرات گوناگون فرموده اند : « مَا زِلْتُ مَظْلُوماً .. »(۲) .

سزاوار است در هر زمان و مکانی که مناسـبتی با آن وجود بی مثال دارد ، طبق سیرهٔ حضرات معصومین علیهم السلام با تعظیم آن زمان یا مکان ، به بیان فضائل و مظلومیت های ایشان بپردازیم ، به این امیـد که جزء عاملین به آیـهٔ شـریفه : « وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُون ؛ بایـد از میـان شـما ، جمعی دعوت به نیکی ، و امر به معروف و نهی از منکر کنند ! و آنها همان رستگارانند . »(۳)

باشـیم ، که امام باقر علیه السـلام فرمودنـد : « این آیه برای آل محمد صـلی الله علیه و آله و تابعین ایشان می باشد ، که به خیر دعوت می کننـد و امر به معروف و نهی از منکر انجام می دهند .» (۴) و به فرمودهٔ امام صادق علیه السلام : « معروف » در بین اهل

۱- – کامل الزیارات ، ص۴۱ . « اَشهَدُ اَنَّکَ اَوَّلُ مَظلومٍ وَ اَوَّلُ مَن غُصِبَ حَقُّه».
۲- – احتجاج ، ج۱ ، ص ۱۹۰ .
۳- – سوره آل عمران ، آیه ۱۰۴.
۴- – تفسیر القمی ، ص ۹۸ .

آسمان ها و زمین ، امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و « مُنکَر » ، آن دو نفری که بر ایشان ظلم و ستم روا داشتند .(۱)

از این روی ، مناسب است که به معرّفیِ برخی از مکان ها و زمان هایی که به نوعی با وجود شریف امیرالمؤمنین علیه السلام مرتبط است ، و می توان با تعظیم و بزرگداشت و توجه دادن مردم به آن ، قدمی در راه بیان مظلومیت ها و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام برداشت ؛ بپردازیم .

برخی از مکان های مرتبط با امیرالمؤمنین علی علیه السلام :

الف : خانه کعبه :

محل ولادت حضرت علی علیه السلام و وقوع یکی از فضایل بی نظیر ایشان .

ب : بیت الفاطمه سلام الله علیها :

که امروز داخل مجموعهٔ مسجد نبوی قرار گرفته ، و باید به عنوان محل زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام و محل وقوع بزرگترین ظلمی که به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام وارد شده و حق آن بزرگوار غصب گردیده ، و همچنین محل جمع آوریِ کامل ترین قرآن از حیث تفسیر و شأن نزول و ترتیب آیات ، توسط حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده ، و نیز بسیاری دیگر از فضائل و معجزات آن حضرت ، در این مکان مقدّس و این خانه مطهر و مبارک به وقوع پیوسته است .

۱- – بحار الانوار ، ج ۱۰ ، ص ۲۰۷ .

ج : مسجد کوفه :

که به عنوان محل برگزاری نمازها و مناجات های امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ایراد خطبه های تاریخی و انسان ساز ، و جایگاه حکومت و قضاوت های حضرت علی علیه السلام بوده است .

البته در داخل این مسجد نیز ، مکان های خاصی وجود دارد که محل صدور معجزات خاصی از امیرالمؤمنین علیه السلام است ، همانند : باب الثعبان و دکهٔ القضاء و مقام بیت الطشت .

د : محراب مسجد کوفه :

این محراب خود جزیی از مسجد کوفه است ، ولی به خاطر ویژگی های منحصر به فردش ، و این که محل ضربت خوردن امیرالمؤمنین علیه السلام است ، سزاوار است مستقلاً به آن پرداخته شود .

ه- : دیگر مکان ها :

مکان هایی که در جای جای این کرهٔ خاکی وجود دارد ، که محل وقوع فضیلتی یا معجزه ای از معجزات امیرالمؤمنین علیه السلام است . مانند : مکان واقعهٔ غدیر خم ، سرزمین اُحد ، سرزمین خیبر ، محل ردّالشمس و ... که تعظیم و توجه به هر یک از این مکان ها وسیله ای برای بیان عظمت ، فضایل و مظلومیت های اول مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خواهد بود . همو که در هنگام شهادتش به حسنین علیه السلام وصیت فرمود :

« وَ کُونَا لِلظَّالِمِ خَصْماً وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْناً ؛

همواره دشمن متجاوزین و ستمگران و یار مظلومان و ستمدیدگان باشید .» (۱)

برخی از زمان های مرتبط با امیرالمؤمنین علیه السلام :

الف : روز ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام که همراه با معجزات و کرامات بی نظیری بوده است .

ب : روز ازدواج امیرالمؤمنین علیه السلام با حضرت صدّیقهٔ کبری سلام الله علیها که از فضایل بی نظیر آن حضرت بوده ، و در عوالم مختلف ، برای آن بزرگوار ، کراماتی واقع شده است .

ج : روز بیعت غدیر که به تعبیری ، شاخص ترین روز ، در طول حیات ظاهری امیرالمؤمنین علیه السلام محسوب می شود .

د: روز مباهله که به تعبیر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بزرگترین فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن کریم است . (۲)

ه- : ایام غصب خلافت و هجوم به خانهٔ حضرت علی علیه السلام ، که سخت ترین و سیاه ترین روزهای مظلومیّت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد .

و : زمان شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، که همانند واقعهٔ عاشورا ، عوالم مختلف را تحت تاثیر قرار داده(۳)

و آسمان کوفه ، سه روز خون می باریده(۴) و

۱- - نهج البلاغه ، نامه ۴۷ .
۲- - الفصول المختاره ، ج۱ ، ص ۱۶ .
۳- - بحار الانوار ، ج ۱۸ ، ص۳۰۳ ، به نقل المحتضر .
۴- - بحار الانوار ، ج ۴۲ ، ص ۳۹۷ .

هر سنگ و کلوخی که از روی زمین برداشته می شده ، در زیر آن ، خون دیده می شده است(۱) ، و ...

وظیفه ای سنگین و تاریخ ساز :

اکنون ، در آستانهٔ چهاردهمین قرن شهادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشیم ، یعنی ۱۴۰۰ سال بر شیعه گذشته است ، و هنوز چه بسیار از عظمت های امیر عالم ، بر محبین و شیعیانشان مخفی مانده ، و بسیاری از جوامع بشری از آشنایی با شخصیت و مظلومیت آن حضرت محروم مانده اند .

۱۴۰۰ سال است ندای « انا المظلومِ » امیرالمؤمنین علیه السلام در جهان طنین انداز است ولی ما نتوانسته ایم این ندا را به گوش عالمیان برسانیم ، و امسال فرصتی است که با همّت همگانیِ شیعه ، کمی این قصور و تقصیر ۱۴۰۰ ساله را جبران کنیم ، و همواره به یاد داشته باشیم که امام حسن مجتبی علیه السلام فرموده اند : « الْفُرْصَهُ سَرِیعَهُ الْفَوْتِ بَطِیئَهُ الْعَوْد ؛

فرصت ها سریع از دست می روند و به کندی باز می گردند .» (۲)

این موقعیتی که امسال نصیب ما شده است ، که چهاردهمین قرن شهادت اول مظلوم عالم ، امیرالمؤمنین علیه السلام را در سطح جهانی و با عظمت هر چه تمامتر برگزار کنیم ، تا چندین نسل بعد از ما تکرار نخواهد شد و تنها بایستی از خود امیرالمؤمنین علیه السلام توفیقی طلب کنیم ، که با استفاده از

۱- - بحار الانوار ، ج ۱۳ ، ص۳۶۸ ، و ج ۴۶ ، ص ۳۱۵ .
۲- - بحار الانوار ، ج ۷۵ ، ص ۱۱۲ .

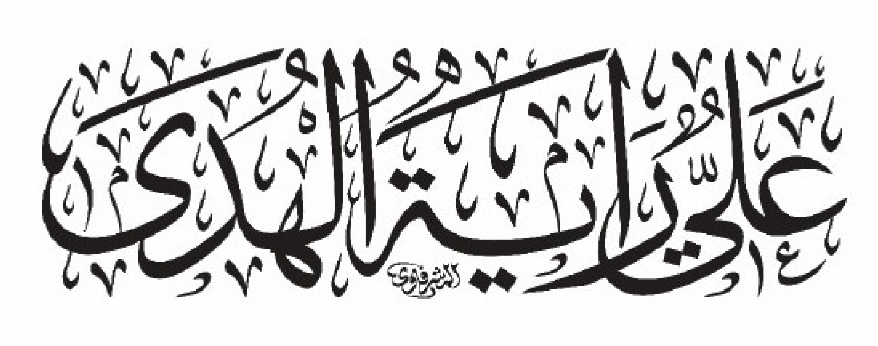
هر نوع رسانه و هر وسیله ای که در اختیار داریم ، در احیاء این امر ، موفق شویم .

باشد که این « سوگوارۀ عظیم علوی » ، قدمی باشد در راه تعجیل فرج منتقم خون آن امام مظلوم ، یعنی حضرت صاحب الامر ، بقیۀ الله الاعظم ارواحنا فداه ، همو که امیرالمؤمنین علیه السلام در وصفش فرموده اند :

« أَمَا وَ اللَّهِ لَأُقْتَلَنَّ أَنَا وَ ابْنَایَ هَذَانِ وَ لَیَبْعَثَنَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِی فِی آخِرِ الزَّمَانِ یُطَالِبُ بِدِمَائِنَا ؛

به خداوند سوگند ! من و این دو فرزندم (امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام) کشته خواهیم شد و خداوند مردی از فرزندانم را در آخر الزمان بر می انگیزد که به خونخواهی ما قیام می کند .»(۱)

*****



ص: ۷۳

۱- - غیبت نعمانی ، ص ۱۴۱ .

به قلم : مدرس و محقق دلدادهٔ اهل البیت علیهم السلام

آقای شیخ علی اکبر قلعه جوزدانی

شیطان و سقیفه چیان زمینه سازان شهادت امام علی علیه السلام

زمانی که خداوند متعال آدم را خلق نمود ، به شیطان دستور داده شد که بر او سجده نماید ، ولی بر اثر غرور و نخوت و تکبری که داشت راضی به سجده نشد و فرمان الهی را سرپیچی نمود که باعث اخراجش از درگاه الهی شد . در این هنگام به عزت و جلال خداوندی سوگند یاد کرد ، که آرام نمی نشیند و باعث گمراهی بندگانش می شود که قرآن مجید دربارهٔ آن می فرماید : « فَبِعِزَّتِکَ لَأُغْوِیَنَّهُمْ أَجْمَعینَ » .

شیطان نقشه ها و توطئه هایی را طراحی نمود ، که اولین آنها باعث خروج آدم و حوا از بهشت بود ، و همینطور نقشه هایی را در موارد گوناگون طراحی و علنی می نمود تا اینکه خداوند متعال پیامبرش را به رسالت مبعوث گردانید ، که باعث نعرهٔ شیطان و ناامیدیِ او گردید ، ولی او بر نقشه هایش پافشاری کرد تا اینکه روز عید غدیر خم فرا رسید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به عنوان جانشین و وصی و خلیفهٔ بلافصلشان معرفی نمودند که باعث یأس و فریاد شیطان گردید ولی باز هم نقشهٔ غصب خلافت را در اذهان شرکت کنندگان در سقیفه مطرح کرد ، و باعث غصب خلافت و فدک شدند ، و موجب گردید که حضرت علی علیه السلام خانه نشین ، و فدکشان غصب گردد . تا اینکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خلافت ظاهری رسیدند و شیطان برای اجرای منویّات پلید خود به طرح کشتن آن حضرت

روی آورد ، و نقشهٔ کشتن آن حضرت را در ذهن شقی ترین اشقیاء ، ابن ملجم مرادی وارد کرد ، و او موفق گردید در سحرگاه نوزدهم ماه مبارک رمضان با شمشیری زهرآلود بر فرق مطهر آن حضرت بزند و جهان را از فیض هدایت و رهبریِ الهی امیرالمؤمنین علی علیه السلام محروم سازد .

ولی ای رهبر هدایت گر الهی ، و ای نور بزرگ تاریخ و ای امیرمؤمنان !

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نشد

آری آن جلوه که فانی نشود نور خداست

آری ! به حسب ظاهر ، جسم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام همچون دُرّ ، در سرزمین نجف اشرف ، جای گرفته ، اما همیشه ، نام مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خواب را از چشم شیاطین و پیروان آنها ربوده ، چرا که ذکر و نام علی علیه السلام عبادت است و بندگان را به خدا نزدیک می کند .

کسی که محبت مولی ، امیرالمؤمنین علیه السلام را قبول نموده و ایمان به ولایت آن بزرگوار دارد ، باید امسال که چهاردهمین قرن شهادت آن بزرگمرد تاریخ و مظلوم عالم است ، و فرصتی طلایی فراهم شده که به مدد آن حضرت ، دست در دست هم داده و به کوری چشم وهابیت و دشمنان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نام آن بزرگوار را با وسائل موجود و به هر طریق ممکن ، به جوامع بشری برسانیم و خالصانه قدم برداشته و در سطح

جهان ، عظمت و شخصیت آن حضرت را مطرح کنیم ، و قلب وارث غدیر ، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان و پیروان حقیقی و دلسوختهٔ آن حضرت را شاد نموده و دشمنان آن بزرگوار را غافلگیر نماییم .

لازم است که تعزیه گردانان برنامه های دینی و جلسه بر پا کرده ، نویسندگان و اهل قلم دست به کار شده و در مظلومیت ، عدالت ، فضائل و مناقب و سیره و روش آن حضرت ، کتاب ها و مقالات نوشته ، و شعرا شعر بسرایند ، خطبا خطبه بخوانند و سخنرانان ، از فصاحت و بلاغت و کلام گهربار آن بزرگوار سخن گفته ، و نام مبارک آن حضرت که برگرفته از نام خداوند متعال است را ، در سطحی بسیار وسیع تر و با ابزارهای متنوع تر و با جدیتی افزونتر ، در فضای مجازی و حقیقی عنوان و مطرح نمایند .

دشمنان قسم خوردهٔ مذهب ، همیشه دنبال فرصت هستند که به هر طریق ممکن ، و به هر وسیلهٔ موجود ، شبهاتی را وارد نمایند و یا ضربه ای بر پیکرهٔ اسلام بزنند و با اهداف شومی که در سر می پرورانند شعائر الهی را تضعیف نمایند .

دوستان و شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز فرصت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت امام علی علیه السلام را غنیمت بشمارند ، که روز قیامت رو سفید باشند ، و پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله که در غدیر خم فرمودند :

« فَلْیُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ »

را به گوش همهٔ جهانیان برسانند .

همانطوری که سی سال قبل در یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت فاطمهٔ زهرا سلام الله علیها ، دوستداران آن حضرت ، فرصت را مغتنم شمردند و مراسم بزرگداشت چهاردهمین قرن شهادت آن شهیدهٔ مظلومه را در شهر و استان اصفهان بر پا نمودند ، و به دنبال آن ، در همهٔ شهرها و اقصی نقاط دنیا

برنامه های فاطمی بر پا گردید و قدم های بلندی در بزرگداشت فاطمیه برداشته شد و نام مقدس فاطمهٔ زهرا سلام الله علیها (که خیر کثیر هستند) جهانی شد و همگان شاهد برکات گستردهٔ آن می باشند .

و در پایان ، مناسب می بینم که پیشنهاد کنم ، برای رسیدن به هدف مقدس یاد شده ، اعم از طلبه ها و دانشجویان ، عهده داران کارهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ، هیئات مذهبی و دینی ، خیراندیشان و تلاشگران امور تربیتی و ... دست به کار شوند و به شکل همکاریِ دست جمعی ، و در قالب جمعیت های به هم پیوسته ، وارد میدان شده ، و در زمینهٔ فعالیت تبلیغی و مدد رسانی به نیازمندان و تشکیل مجالس و محافل معرفتی و تشویق و ترغیب دیگران و ... گام های استوارتری بردارند .

*****



ص: ۷۷

به قلم : نویسندهٔ پرکوش و دلباختهٔ اهل البیت علیهم السلام

شیخ غلامحسین مجلسی

به بهانهٔ ذکر دوست

از بس خداوند او را دوست داشت خانهٔ خود را محل تولد او قرار داد . و اسمی از اسمای اعلای خود بر او نهاد و در سخنان خود او را با سورهٔ « هَلْ أتى» ستایش نمود و با آیهٔ مباهله او را نفس پیامبر صلی الله علیه و آله دانست و با « إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ » او را از رجس و پلیدی دور نگه داشت .

با « وَ يُطْعِمُونَ الطَّعام عَلى حُبِّه » بخشش و ایثار او را ماندگار کرد . و با « إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ » ولایت را در او حصر کرد و با فرمان « أطيعُوا اللَّهَ وَ أطيعُوا الرَّسُولَ وَ أولِي الْأمْرِ مِنْكُمْ » اطاعت او را در کنار اطاعت از خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله واجب نمود .

با دستور به « بَلِّغْ ما أنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ » تبلیغ ولایت او را شرط قبولی رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله دانست و آنگاه ندا سرداد که : « الْيَوْمَ أكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ » .

و اکنون ۱۴۰۰ سال از شهادت اُولی الامری می گذرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله ولایت او را با جملهٔ :

« أنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِی ، أنْتَ أخِی فِی الدُّنْيَا وَ الْآخِرَه ، وَ أنْتَ مِنِّی بِمَنْزِلَهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى » بیان فرمود .

ص: ۷۸

و در آخرین سال عمر خود ، در حجّةِ الوداع طی مراسمی فرمود : « مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ » من علی را جانشین خود قرار دادم .

امسال یکهزار و چهارصدمین سال شهادت ولیّ امری است که ، علم او مِن الله بود و استادش رسول الله صلی الله علیه و آله ؛ استادی که هزار باب از علم را در گوش او نجوا کرد ، که از هر بابی ، هزار باب دیگر برایش گشوده شد . و فرمود : « أَنَا مَدِينَهُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا » و به هر جهت ، با ندای « سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي » اعلام کرد هر چه می خواهید از من بپرسید .

نهج البلاغه ، قطره ای از علم اوست که عالمان زیادی در اقیانوس آن غرق تفکر شده اند و با صرف تمام عمر خود ، صدها جلد کتاب در شرح آن نوشته اند ، و در برابر خطبه های آن ، سر به سجدهٔ تعظیم فرود آورده و کلام او را « فوق کلام المخلوق » خوانده اند .

و امسال هزار و چهارصدمین سال شهادت ولّی امر و امامی است که :

« أشْجَعُ النَّاسِ بَعدَ رَسُولِ الله » بود . امیری که در تمامی جنگها سِمت فرماندهی و علمداری را بر عهده داشت . و تاریخ ، کُشتن مرحب و فتح خیبر ، و کشته شدن عمرو بن عبدود و پیروزی جنگ احزاب را به نام او ثبت کرد و چاه بدر که مدفن عُتبه و شَیبه و حنظله گردید شاهد دیگری بر شجاعت اوست .

امیر شجاعی که ضربات شمشیر او را پیامبر در جنگ احزاب با جملهٔ : « ضَربَهُ عليٍّ يَومَ الخَندَقِ أفْضَلُ مِنْ عِبَادَهِ الثَّقَلَيْنِ » ستایش کردند . و ملائکه

در جنگ اُحُد او را با شعار « لَا فَتی إِلَّا عَلِی لَا سَیْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ » تشویق نمودند . و خداوند متعال با نزول سورۀ « وَ الْعادِیاتِ ضَبْحا » قسم به

نفس های اسب او خورد و نقل رشادت های او را ذکر مقدس و مبارک تمام محافل قرآنی قرار داد .

و اکنون ۱۴۰۰ سال از پایان حکومت عدلی می گذرد که :

هنوز قصّۀ درخواست عقیل از بیت المال و جواب او با آهن داغ ، و امر به تیز کردن قلم ها و کم کردن فاصلۀ خطوط برای جلوگیری از اسراف در بیت المال ، و نامۀ او به استاندار خود ، عثمان بن حُنیف زمانی که در یکی از میهمانی های پر زرق و برق شرکت کرده بود ، و نامۀ او به مالک اشتر ، برای فرمانداریِ مصر ، نقل مجالس تمام مردم عدالت خواه روی کرۀ زمین است .

و اکنون ۱۴۰۰ سال از شهادت حاکم عادلی می گذرد که به خاطر عدالتش او را کشته و با کشتن او عدل را دفن کردند .

قُتِلَ لِشِدَّۀِ عَدلِه

وَ دُفِنَ العَدلُ بِقَتلِه

و چه خوب سرود سودۀ همدانی :

صَلَّی الْإِلَهُ عَلَی جِسْمٍ تَضَمَّنَه

قَبْرٌ فَأَصْبَحَ فِیهِ الْعَدْلُ مَدْفُوناً

درود خداوند بر جسمی که هنگامی که قبر او را در بر گرفت ، عدالت هم با او دفن شد .

و در مطلع پانزدهمین قرن شهادت این حاکم عادل ، شیعه با ندای :

« إِنَّا نَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِیمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ »

چشم انتظار دولت کریمهٔ فرزند اوست .

و اکنون سخن از شهادت آن مظلومی است که ، مظلومیّت او ، با شهادت رسول الله صلی الله علیه و آله شروع گردید و ظلمی که در سقیفه در حق او شد ظلم بزرگی بود که هنوز بعد از ۱۴۰۰ سال ، ظلمت آن باقی است . و چه ظلم بزرگی است آتش زدن و تازیانه زدن و عربده کشیدن ، و چه مظلومیت عظیمی است ریسمان بر گردن مرد بزرگی همانند علی علیه السلام بودن .

چه ظلم بزرگی است ، غصب کردن و سیلی زدن و کودک کشتن ، و چه مظلومیّت عظیمی است ، خنجری در شکم داشتن و صبر کردن .

چه ظلم بزرگی است سیدهٔ النساء را کشتن و چه مظلومیت عظیمی است ، شبانه و مخفیانه دفن کردن . چه ظلم بزرگی است خلیفهٔ الله را خانه نشین کردن . و چه مظلومیّت عظیمی است خار در چشم و استخوان در گلو را تحمل کردن .

چه ظلم بزرگی است فاضلی را در کنار پنج مفضول قرار دادن و چه مظلومیّت عظیمی است مفضولی را بر فاضل ترجیح دادن .

چه ظلم بزرگی است بیعت شکنی ناکثین و قاسطین و مارقین . و چه مظلومیّت عظیمی است تحمّل ظلم زنی شترسوار ، و قرآن بر نیزه کردن،

چه ظلم بزرگی است عابدی را در محراب کشتن . و چه مظلومیت عظیمی است ضربت اشقی الاشقیاء را تحمل کردن . و چه ظلم بزرگی است دوباره دفن شبانه و گریه های مخفیانه .

و چه مظلومیت عظیمی است تحمل قبری پنهان و نبش قبری آشکار ، و چه ظلم بزرگی است مالک و عمار کشتن ؛ و چه مظلومیت عظیمی است در فراق یار تنها گریستن ؛ و چه ظلم بزرگی است بر هفتاد هزار منبر سَب و لعن کردن و چه مظلومیّت عظیمی است پاک بودن و تهمت شنیدن .

و اکنون ۱۴ قرن می گذرد و برای این ظلم ها و مظلومیت ها ، پایانی نیست مگر اینکه در مطلع قرن پانزدهم ، شاهد طلوع منتقمی از فرزندان او باشیم .

آری ! سخن از آن امام معصوم و ولی امری است که : تمام اهل بیت علیهم السلام از هر موقعیتی برای ذکر فضائل او استفاده می کردند ، و مجالس خود را با ذکر و یاد او زینت می دادند . همانطور که خاتم الانبیاء حضرت محمد صلی الله علیه و آله در طی ۲۳ سال نبوت خود ، از هر صحنه ای برای گفتن فضائل او استفاده می کردند ، و در آخرین سال عمر مبارک خود ، از مراسم بزرگ حج بهترین استفاده را نموده و انبوه جمعیت حجّاج را که از مناطق دور دست اسلامی ، آمده بودند ، در بیابان غدیر جمع کرد ، و برای آنها خطبه ای طولانی در فضائل او بیان کردند .

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در خطبهٔ فدکیه در مقابل غاصبین حکومت ، بعد از ذکر فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، به دفاع از ایشان پرداختند و شخص امیرالمؤمنین علی علیه السلام در شورای شش نفره ، برای اثبات حقانیت خود به ذکر ۵۱ فضیلت از فضائل خود استدلال کردند .

امام حسن مجتبی علیه السلام هنگامی که بنی امیه ، پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام را مورد هجوم تهمت ها قرار می دادند ، با ذکر فضائل و مناقب آن حضرت از زبان سول الله صلی الله علیه و آله به دفاع از آن بزرگوار می پرداختند .

و امام حسین علیه السلام در آخرین سال حکومت معاویه ، در صحرای منا ، دستور دادند ، صحابۀ رسول الله صلی الله علیه و آله و تابعین را جمع نمودند و سپس در حضور ۲۰۰ تفر از صحابه و ۷۰۰ نفر از تابعین ، به سخنرانی قیام نمودند و خطاب به آنها فرمودند :

امروز می خواهم فضائل پدرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بیان کنم و از شما می خواهم آن را خوب گوش کنید و اگر آن فضیلت را از زبان پیامبر اکرم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده اید تأیید نمایید و سپس بنویسید تا فراموش نکنید و بعد در هر شهر و دیاری رفتید بیان کنید ، چون می ترسم امر ولایت ، کهنه و مندرس گردد و سپس به تفصیل ، به ذکر فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرداختند .

امام زین العابدین علیه السلام در شهر شام ، در مسجد اموی در میان کسانی که بغض آن حضرت را در دل داشتند ، به ذکر فضائل مولا امیرالمؤمنین علیه السلام پرداختند .

امام محمدباقر علیه السلام در مجلس درس برای شاگردان خود ، فضائل آن حضرت را بیان می فرمودند ، و زیارت امین الله را به آنها تعلیم دادند .

امام جعفر صادق علیه السلام برای زیارت جدّشان امیرالمؤمنین علیه السلام از مدینه به کوفه مشرف شدند و قبر مخفیِ آن امام مظلوم را بعد از یکصد سال ، برای شیعیان آشکار نمودند و شیعیان را به زیارت ایشان تشویق نمودند .

امام موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی الجواد علیهم السلام در مجالس مناظره با علما مخالف ضمن ذکر فضائل مولاـ امیرالمؤمنین علی علیه السلام به باطل بودن فضائلِ ساختگیِ خلفا و غاصب استدلال می کردند و برای حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام دلیل و حجت می آوردند .

امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام در آن دوران بسیار سخت حکومت متوکل و بنی العباس در قالب « زیارت جامعه » و « زیارت غدیریه » و ... فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام را ذکر کرده اند .

و اکنون چشم انتظار فرزند بزرگوار و برومندشان ، صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم تا از زبان شیوای آن بزرگوار فضائل پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام را بشنویم . و خوب است امسال به بهانهٔ چهاردهمین قرن شهادت این امام بزرگوار ، به پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بیش از پیش به بیان فضائل و مناقب ایشان بپردازیم .

اکنون وظیفه چیست ؟

۱) - علما و نویسندگان محترم ، به نوشتن کتب جدید در موضوعات مختلف و ابعاد گوناگون فضائل مولا امیرالمؤمنین علیه السلام بپردازند . و راه و روش علماء بزرگی همچون شیخ مفید و سید مرتضی و سید رضی و میرحامد حسین موسوی و علامهٔ حلی و علامهٔ مجلسی و علامهٔ امینی و ... را ادامه دهند .

۲) - گویندگان مذهبی و خطباء دانشمند ، در سطوح مختلف و مجالس متنوع ، به بیان فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و مطاعن دشمنان ایشان بپردازند ، تا با ارتقاء سطح معرفت مردم نسبت به آن امام معصوم علیه السلام زمینه را برای افروخته شدن شعله های محبت و دوستیِ آن حضرت ، و پیروی از دستورات ایشان را فراهم سازند .

۳) - شعراء با ذوق و با ایمان ، و دلسوختگان مولا امیرالمؤمنین علیه السلام با سرودن اشعاری زیبا و جذاب ، در رابطه با فضائل و مناقب و دولت کریمهٔ ایشان ، راه حسّان بن ثابت ، فرزدق ، کمیت ، سیّد حمیری و دعبل ها را ادامه دهند و از حریم مقدس اهل بیت علیهم السلام دفاع نمایند .

۴) - مداحان و مرثیه سرایان ائمهٔ معصومین علیهم السلام با خواندن اشعاری در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام به ذکر مصائب و مظلومیت ایشان پرداخته و مردم را به زیارت آن امام بزرگوار تشویق و ترغیب نمایند .

و در پایان ، همه با هم می گوییم :

سلام و صلوات بی پایان خداوند متعال و جمیع ملائکهٔ مقربین بر :

« خلیفهٔ الله » ، « حجهٔ الله » ، « وجه الله » ، « یدالله » ، « عین الله » ، « اذن الله » ، « لسان الله » ، « خلیل الله ، « اسدالله » ، « سیف الله » ، «حبیب الله » و سلام و صلوات رسول الله ، و جمیع انبیاء و مرسلین بر :

« خلیفهٔ رسول الله » ، « وصیّ رسول الله » ، « صاحب رسول الله » ، « اخا رسول الله » ، « وارث علم رسول الله» ، « خلیل رسول الله » ، « سیف

رسول الله » ، « صـهر رسول الله » ، « ابوذريّة رسول الله » ، « حبيب رسول الله » ، « حامل راية رسول الله » و سـلام و صـلوات تمام مسلمانان و شيعيان بر :

« امام المتقين » ، « يعسوب الـدين » ، « سيّدالوصـيين » ، « اوّل المسـلمين » ، « قبلـة العارفين » ، « وارث علم النبيين » ، « الصـديق الاكبر » ، « الفاروق الاعظم »، « اميرالبَرَرَه » ، و « قاتل الفَجَره » مولانا اميرالمؤمنين على بن ابيطالب عليه السلام .



ص: ٨۶

به قلم : نویسندۀ پرتلاش

شیخ علی نظری مؤمن آبادی (رفسنجانی)

اهمیت ایام در قرآن

در مورد جایگاه مناسبت ها قرآن کریم حدود ۱۳ بار انسان ها را به اهمیت تاریخ و نقش اماکن و مناسبت های تاریخی توصیه فرموده ، صرف نظر از مراحل فراوانی که امر به تفکر ، تحقیق و دقت در رویدادهای گذشته و الهام گرفتن از آنها می نماید تا در احوال و سرگذشت اقوام و مختلف کوشا باشند .

قرآن کریم در تمام موارد بشر ، را به مطالعۀ تاریخ فراخوانده ، می فرماید :

« قُلْ سیرُوا فِی الأَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الْمُجْرِمین ؛

بگو : در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که سرانجام گنهکاران چگونه شده است ؟ »(۱)

« فَسیرُوا فِی الأَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الْمُکَذِّبین ؛

(ای رسول خدا صلی الله علیه و آله) بگو در زمین سیر نمایید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان (انبیاء) چه بوده است (۲)».

و در اهمیت مناسبت های تاریخی می فرماید :

« وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فی أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ ؛ و نام خدا را در ایام معینی ببرند . »(۳)

۱- - سوره نمل ، آیه ۶۹ .

۲- - سوره نحل ، آیه ۳۶ .

۳- - سوره حج ، آیه ۲۸ .

و در جای دیگر می فرماید :

« وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فی أَیَّامٍ مَعْدُوداتٍ ؛ و خدا را در ایام معدودی یاد كنید.»(۱)

همچنین قرآن كریم در مورد اهمیت و توجه به حج و ایام معدودات و معلومات كه در این دو آیه شریفه آمده است ، می فرماید :

« وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوكَ رِجالاً وَ عَلی كُلِّ ضامِرٍ یَأْتینَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمیق ؛ (ای ابراهیم) در میان مردم برای حج اعلام كن تا پیاده و سواره بر مركب های لاغر، از هر راه دوری به محضر تو بیایند .»(۲)

حضرت ابراهیم علیه السلام عذر به پیشگاه خداوند آورد كه چگونه به گوش همگان برسانم ؟ خطاب رسید : «عَلَیكَ الاَذانُ وَ عَلَی البَلاغُ ؛ تو اعلام كن و من به گوش آنها می رسانم .»(۳)

و در مورد مناسبت های تاریخی و تعیین رهبری جهان اسلام با تهدید می فرماید : « یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ ؛ ای پیامبر ! آنچه از سوی پروردگارت (دربارهٔ ولایت و رهبری علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین علیه السلام) بر تو نازل شده ابلاغ كن » .

و قبل از اینكه رسول مكرم صلی الله علیه و آله بخواهد عذری بیاورد ، از عذر آوردن پیشگیری گردید و خطاب آمد :

۱- - سوره بقره ، آیه ۲۰۳ .
۲- - سوره حج ، آیه ۲۷ .
۳- - ترجمه الفین ، ص ۷۹۷ .

« وَ إنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ ؛

و اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای ، خدا تو را از گزند مردم نگه می دارد .»(۱)

لذا وجود اقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز تاریخی و همیشه به یادماندنی غدیر خم ، ضمن خطبهٔ آسمانی اش راه کاری را تعیین فرموده و به این ترتیب با کلام رسایش تا دامنهٔ قیامت ، همه را مخاطب قرار داده و با تأکید ، این کار را بر همگان تکلیف نموده اند .

« مَعَاشِرَ النَّاسِ إنِّی أدَعُهَا إمَامَهً وَ وِرَاثَهً فِی عَقِبِی إلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ وَ قَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِیغِهِ حُجَّهً عَلَی کُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَی کُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أوْ لَمْ یَشْهَدْ وُلِدَ أوْ لَمْ یُولَدْ فَلْیُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ ؛

ای مردم ! همانا من امامت و وراثت را تا روز قیامت در فرزندانم به جا گذاشتم و قطعاً آن چیزی را که مأمور به ابلاغش بودم رساندم تا حجت و سندی باشد بر هر حاضر و غائبی و بر هر کسی که شاهد است یا نیست ، متولد شده است یا نه ، پس حاضران به غائبان ، و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند » .(۲)

با عنایت به سنّت و سیرهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمهٔ هدی علیهم السلام باید از تحولات تاریخ عبرت گرفت و مناسبت ها و عبرت ها را با حوادث روز تطبیق نمود و از این اجتهاد و انطباق ، بر دانایی و توانایی خویش افزود .

۱- - سوره مائده ، آیه ۶۷ .

۲- - احتجاج ، ج۱ ، ص ۶۲ .

آن کس که در پیچیدگی های زندگی ، چراغ بینایی در چشم ، و فروغ فکر در مغز دارد ، به حکمت معرفت نزدیک خواهد بود و با عشق به حکمت اندوزی هم ، مناسبت های تاریخی را فراموش نخواهد کرد .

تعمّق و تفکر در مناسبت های اسلامی و تاریخی سبب آشنایی افراد با عقاید و مقدسات می شود و می توان دردها و گرفتاری هایی را که در زندگی پیش می آید از روی آن و با توجه به تجارب گذشتگان ، رفع و درمان کرد . در جهان معاصر علم تاریخ از جملۀ روش ها و فنون متداول درمیان همه ملت ها و نژادها است ، و همۀ اقشار جامعه صرف نظر از خواص و عوام به داشتن آن علاقه مندند .

اما نکتۀ مهم در مطالعات و فعالیّت های تاریخی اسلامی ، توجه به فلسفۀ مناسبت ها است که بیان کنندۀ علل و عوامل ایجاد کنندۀ رویدادهای مهم می باشد . حقیقت تاریخ ، خبر دادن از اجتماع انسانی است و اینکه چگونه از حوادث گذشته درس عبرت بگیریم و چراغی فرا روی ما باشد .

با توجه به کامل ترین و آخرین کتاب آسمانی یعنی قرآن کریم ، و عنایت به سنّت های تغییر ناپذیر الهی که بر زندگی انسان و جهان حاکم است ، قرآن به توصیف و پیشگوییِ آیندۀ جهان و انسان پرداخته است ؛ زیرا از دیدگاه قرآن و فرهنگ اسلامی ، تاریخ به سویی حرکت می کند که خدای متعال اراده می فرماید . با تدبّر در اجزای تاریخ ، می توانیم تصمیم های خردمندانه و برنامه ریزیِ مناسبی برای زندگی امروز و آینده داشته باشیم .

ص: ۹۰

اگر به فرهنگ و تمدن انسانیِ اسلام ، که هنوز انسانیت از ثمرات آن بهره مند است توجه نماییم ، این نکته را در می یابیم که کارنامهٔ اسلام در قرن های درخشان آن ، کارنامهٔ فرهنگ انسانی است .

این نکته که اسلام در طی قرن های متمادی ، موجد یک فرهنگ پیشرو بوده ، چیزی است که از تاریخ فرهنگ انسانی به درستی برمی آید ، و اسلام به اندازهٔ کافی افتخارات راستین دارد ، که نیازی به گزافه گویی و ادعا نداشته باشد . با این توجه و تدبّر رهبران دینی و اجتماعی به مناسبت های تاریخی اسلام و حافظه تاریخ ملت ها به دست می آید ، اگر به حماسه همیشه جاوید و خونین کربلا بنگریم و تأثیر آن را در قیام های اسلامی و به ویژه شیعی در طی تاریخ نظاره نماییم ، درخواهیم یافت که هیچ گاه حافظهٔ تاریخی عظمت شهادت امام حسین علیه السلام و تأثیر قیام او را از یاد نبرده است . اگر به درستی ، به حماسهٔ عُظمای اکمال دین در غدیر خم توجه کنیم ، پی می بریم که رهبری و مرجعیتِ دینی و زعامتِ بزرگان شیعه در تاریخ اسلام و حتی غیر مسلمانان ، از آن نشأت گرفته است ، چنانچه نویسندهٔ توانا و خوش ذوق مسیحی « جرج جرداق » می گوید :

« ای کاش در هر زمانی یک علی بود که ، گفتارش حق ، کردارش حق و جهادش حق باشد .»

علاوه بر این خدای متعال به حضرت موسی علیه السلام به طور خاص ، و به سایر بندگانش به طور عام فرموده است :

« وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ ؛ تو موظفی که ایام الله را به یاد قوم خود بیاوری .»(1)

آنچه مسلم است همهٔ روزها ، ایامِ الهی است ، همان گونه که همه مکان ها متعلّق به خداوند است و اگر نقطهٔ خاصی به نام « بیت الله » نامیده شده است ، دلیلِ بر ویژگی آن است ، همچنین عنوان « ایّام الله » مسلماً اشاره به روزهای مخصوصی است که امتیاز و عظمت و درخشش فوق العاده ای دارد . در ادبیات هر ملّتی ، روزهایی را به فراخور موقعیت ها تعیین می کنند و عنوان خاصی برای آن روزها مشخص می کنند و آن روزها مورد احترام اکثریت قرار می گیرد .

بدیهی است که تعبیر گویا و رسای « ایّام الله » را نمی توان محدود ساخت . « ایّام الله » تمام روزهایی است که دارای عظمتی در تاریخ زندگی بشر است .

بنابراین تمام مناسبت های اسلامی مانند : ایام ولادت و شهادت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و ایامی که به دلیل خاصی ، منسوب به آن بزرگواران می باشد و همچنین سایر بزرگان اسلام ، که حق بزرگی بر گردنِ عموم مسلمانان و اسلام دارند همانند شخصیتهای والا مقامی ، چون حضرت خدیجه سلام الله علیها ، حضرت ابوطالب علیه السلام و ... ایامی که منسوب به آنها می باشد « ایام الله » محسوب می گردد . با عنایت به آنچه که بیان گردید احیای مناسبت های تاریخی اسلام ، چون دمیدن روح در کالبد بی جان جوامع انسانی است ، کما اینکه در یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها ، فاطمیّه نه تنها در کشور شیعیِ ایران ، بلکه در تمام کشورهای اسلامی و غیر اسلامی احیاء و صادر گردید .

۱- - سوره ابراهیم ، آیه ۵ .

لذا اکنون که در یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت مولی الموحدین ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرار گرفته ایم بر فرد فرد ما و همهٔ جوامع اسلامی و انسانی است ، که نسبت به بزرگداشت نام ، مرام و شخصیت الهی و جهانیِ آن حضرت ، با تمام توان به میدان آمده و در این راه بکوشیم ، و از هر وسیله و رسانه ای بهره برداری نموده و از هیچ تلاش و کوشش و خدمت و عرض ارادتی ، دریغ ننماییم .

*****



ص: ۹۳

به قلم : نویسندهٔ پرکوش و دلبستهٔ به اهل البیت علیهم السلام

آقای شیخ مهدی آقابابایی

مظلومیت و مهجوریت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند :

« یَا عَلِیُّ ، أَنْتَ الْمَظْلُومُ بَعْدِی ؛ یَا عَلِیُّ ، أَنْتَ الْمَهْجُورُ بَعْدِی .» (۱)

یکهزار و چهارصد سال از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می گذرد ، هنوز قدر و مقام و منزلتشان ، مجهول و مهجور مانده و به عنوان اولین مظلوم در تاریخ اسلام شناخته شده اند .

منظور از مهجور ، جداشدن مردم از حضرت علی علیه السلام و محروم شدن آنان از وجود ایشان در تمام عرصه های اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و هنری و ... می باشد .

و منظور از مظلوم یعنی ناقص کردن حق و یا گذاشتن چیزی در غیر موضع خویش است .

راغب اصفهانی و ابن منظور می نویسند : مظلوم یعنی کسی که حق او ادا نگردیده و به او ستم شده است .(۲)

بزرگانی مانند علّامهٔ امینی ، میرحامدحسین موسوی ، علّامهٔ حلّی و شیخ مفید و دیگر علما و محققین بزرگ ، گام های بلندی را در نشان دادن عظمت و

۱- - بحارالانوار ، ج۳۸، ص ۱۱۲، ح ۴۶.

۲- - لسان العرب ، ابن منظور، ج ۱۲، ص ۳۷۴ ؛ مفردات راغب اصفهانی ، ص ۵۳۸.

مظلومیت امیرالمومنین علی علیه السلام برداشته و کتاب های بسیار ارزشمندی را به رشته تحریر در آورده اند ، اما هنوز حق اول مظلوم عالم ادا نگردیده و مظلوم تاریخند . همانطور که در زیارتشان می خوانیم :

« السَّلامُ عَلَیکَ یا اَوّل مَظلُوم » ، یا در روایت آمده است : « مَا زِلْتُ مَظْلُوماً » .

عواملی که در مهجوریت آن حضرت نقش اساسی داشته ، عبارتند از :

۱) – همراهی نکردن افراد نادان و کم ایمان ، که حاضر به فداکاری در راه امامت آن حضرت نبوده اند .

۲) – افرادی که دارای جایگاه اجتماعی بودند ، و با سکوت و عدم موضع گیریِ به موقعشان ، در مهجوریت آن حضرت ، نقش داشته اند و به فرمایش حضرت ، متعبّد نبودند ، و به خود اجازهٔ مخالفت با دستورات آن بزرگوار را می دادند .

۳) – جریان نفاق ، نظیر بنی امیه ، که همواره با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مبارزه

می کردند .

۴) – کینه توزیِ برخی از مسلمانان ، چنانکه در دعای ندبه می خوانیم :

« ... فَأوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أحْقَاداً بَدْرِیَّةً وَ خَیْبَرِیَّةً وَ حُنَیْنِیَّةً وَ غَیْرَهُنَّ فَأَضَبَّتْ عَلَی عَدَاوَتِهِ وَ أَکَبَّتْ عَلَی مُنَابَذَتِهِ حَتَّی قَتَلَ النَّاکِثِینَ وَ الْقَاسِطِینَ وَ الْمَارِقِینَ ؛ ... و دل هایشان را پر از حقد و کینه از واقعهٔ جنگ بدر و حنین و خیبر و غیر آنها ساخت و در اثر آن کینهٔ پنهانی ، بر دشمنی او قیام کردند و به مبارزه و جنگ با

ص: ۹۵

او هجوم آوردند ، تا آن که ناگزیر او هم با عهد شکنان امت و با ظالمان و ستم کاران و خوارج مرتد از دین ؛ به قتال برخاست . »(۱)

۵) – حسادت و تعصبات قبیله ای ، دنیاطلبی و ریاست طلبی برخی از اصحاب ، که حضرت علی علیه السلام را مانع رسیدن خود به متاع دنیا می دانستند . این عوامل باعث مهجوریت ، و باعث دورشدن آنها از برنامه های حیات بخش امیرالمؤمنین علی علیه السلام گردید .

۱۴۰۰ سال از شهادت اول مظلوم عالم می گذرد و هنوز قدر و مقام و منزلت آن حضرت ، در ابعاد مختلف اخلاقی، علمی ، اعجاز کلام ، کشف اسرار و حقایق و ... مجهول مانده ، و چه بسا مورد انکار قرار گرفته است و این مظلومیت و انکار حقیقت ، تا زمان ظهور منجی حقیقی عالم بشریت حضرت بقیۀالله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه خواهد داشت . هم اکنون باید بالا-ترین تلاش و اقدام فکری و عملیِ خود را به کار گیریم ، که از آن همه مهجوریت بکاهیم و در حد ممکن ، شخصیت و عظمت و مظلومیتِ آن حضرت را به جهانیان برسانیم .

اقتداء به امام حسین علیه السلام در دفاع از حضرت علی علیه السلام

سیدالشهدا علیه السلام وقتی دیدند که معاویه بخشنامه هایی را بر علیه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و شیعیان و محبین آن حضرت ، در تمام ممالک اسلامی پخش نموده ، که مفاد آن دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام و نشر اکاذیب بر علیه آن حضرت ، و سرکوبِ یاران و دوستان آن حضرت است و

۱- – بحارالانوار ، ج ۹۹ ، ص ۱۰.

سرسپردگان حکومت جور اموی و دستگاه های تبلیغاتی معاویه شروع به جعل حدیث و نشر اکاذیب نمودند و در سطحی وسیع ، فضای جامعه را بر علیه امیرالمؤمنین علیه السلام و یاران و شیعیان آن حضرت ، تاریک و مسموم نمودند ، برنامه ای را به اجرا در آوردند :

سلیم بن قیس می نویسد : دو سال قبل از هلاکت معاویه ، امام حسین علیه السلام سفر حجی انجام دادند و عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر را همسفر ساختند و در مکه از مردان و زنان بنی هاشم و گروه انصار ، دعوت به عمل آوردند و به همهٔ آنان ماموریت دادند که از اصحاب صالح و معتمد رسول

خدا صلی الله علیه و آله و از تابعین ، برای شرکت در جلسه ای که قرار است در منا تشکیل شود ، دعوت نمایند .

دعوت شدگان ، که تعدادشان بیش از هزار نفر بود در منا زیر خیمهٔ حضرت ابی عبدالله امام حسین علیه السلام گِرد آمدند .

امام حسین علیه السلام در همین سخنرانی فرمودند : گفتار مرا بشنوید ، سخنان مرا بنویسید و تذکرات مرا به خاطر بسپارید و آن گاه که به دیار خود مراجعت کردید آنچه را که فرا گرفته اید ، به اقوام و افراد مورد شناخت خود ابلاغ

کنید ، زیرا ترس آن دارم که امر ولایت ما از بین برود ، و حق مغلوب گردد

« وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُون ؛ هرچند كه خداوند وعده داده است و خداوند نور خويشتن را تمام مى نمايد هر چند كافران نخواهند . »(۱)

سليم بن قيس مى گويد : تا دقايقى پس از ايراد خطبه ، امام حسين عليه السلام مردم را قسم مى دادند و مى فرمودند : شما را به خدا پس از مراجعت ، گفتار مرا به مردم و افراد مورد اعتماد خود برسانيد .

سپس ادامه داده و مى گويد: حسين بن على عليه السلام ، فضائل حضرت على عليه السلام و اهل بيت او كه در قرآن نازل گرديده ، يا از زبان رسول خدا صلى الله عليه و آله شنيده بودند را بيان نمودند .

آنان كه از صحابهٔ رسول خدا صلى الله عليه و آله بودند ، مى گفتند : آرى ، به خدا سوگند ! اين را شنيده ايم و تابعين و آنان كه رسول خدا صلى الله عليه و آله را نديده بودند ، مى گفتند : ما هم اين فضيلت را از فلان صحابىِ مورد وثوق شنيده ايم (۲).

بايد به سّيدالشّهدا عليه السلام اقتداء نمود و رفتار و برنامهٔ آن حضرت را الگوى خود قرار داد ، و اگر كسى مطالب ناشايسته اى به اميرالمؤمنين عليه السلام نسبت داد ، يا شبهه اى وارد نمود ، به دفاع از آن بزرگوار به پا خواست و دَين خود را نسبت به مقام منيع آن بزرگوار ادا نمود .

اين خطبهٔ امام حسين عليه السلام در منا ، مانند خطابهٔ غدير مى باشد كه پيامبر فرمودند : حاضران به غائبان ، پدران به فرزندان خود تا روز قيامت

۱- - صف / ۷.

۲- - احتجاج طبرسى ، ج ۲، ص ۱۷؛ سليم بن قيس هلالى، ص ۲۰۶-۲۰۹؛ الغدير، ج۱، ص ۱۹۹.

برسانند . مطالب این خطبه باید تا قیام قیامت ، بازخوانی شود همانطور که سیّدالشّهدا علیه السلام فرمودند : بعد از مراجعت به شهر و دیارتان به دیگران برسانید .

وظیفه داریم که در یکهزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ، فضائل ، مناقب، شخصیت والای حضرت ، خطبهٔ غدیر ، خطبهٔ سیدالشهدا علیه السلام در منا ، نهج البلاغه ، زیارت غدیریه ، نامه ها ، خطبه ها ، کلمات قصار، ادعیه وارد شده از آن حضرت را به گوش جهانیان برسانیم ، و در نشر آنها کوشا باشیم . باشد که ران ملخی را نزد سلیمان برده و مقداری از غربت و مهجوریت و مظلومیت حضرتش بکاهیم .

وظیفهٔ محبّین و شیعیان ، در عصر حاضر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به شیعیان و پیروانشان می فرمودند : امر ما را احیاء کنید که اگر کسی چنین کند ، بهترین مردم بعد از اهل البیت علیهم السلام خواهد بود و ملائکه برای آنان طلب آمرزش خواهند نمود .(۱)

و احیاء امر امیرالمؤمنین علی علیه السلام هر عمل خیری است که انسان در این راستا انجام می دهد ، که در اینجا به چند مورد اشاره می کنیم :

۱) - وعظ و خطابه در جهت اهداف مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام ؛

۲) - تالیف و نشر آثار در مورد فضائل ، مناقب و مصائب آن حضرت ؛

۱- - بشاره المصطفی ، ص ۲۳.

۳) – سـرودن شـعر در زمینهٔ مدایح ، فضائل ، مظلومیت ها و ستم هایی که از طرف حُکام جور و سران سلطه ، بر آن حضرت وارد شده است .

۴) – تشکیل جلسات پرمحتوا و هدفمند و برگزاری همایش های

شایسـته ، به نام مبارک آن حضرت ، در روزهای منتسب به آن بزرگوار ، همانند روز میلاد آن حضرت ، و عید غدیر و ... ، و همچنین تشکیل جلسات سوگواری و بیرون آمدن دسته جات عزاداری ، در روز شهادت آن حضرت .

۵) – پاسخ گویی به سئوالات و شبهات وارده از طریق فضای مجازی و رسانه های دشمنان اهل البیت علیهم السلام .

۶) – بهره برداری از انواع وسائل روز ، همانند تلویزیون ، رادیو ، شبکه هـای مـاهواره ای و سایت های اینترنتی و مجلات و روزنامه ها و هرگونه ابزار تأثیرگذار .

۷) – برنامه ریزی برای تأثیرگذاری بر روی کودکان و نوجوانان با وسائل متناسب آنها .

۸) – و ... .

امیرالمؤمنین علی علیه السـلام در روایتی فرموده اند : خداوند ما را برگزیده ، شـیعیانی هم برای ما انتخاب کرده ، تا ما را یاری کنند و در شادیِ ما شاد و در اندوهِ ما اندوهناک باشند . اینان مال و جان خود را در راه ما فدا می کنند . این گونه

افراد از ما هستند و به سوی ما بازگشت خواهند نمود.(۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام همواره از خداوند برای شیعیان و محبینشان طلب آمرزش می کنند .(۲)

هم اکنون ، در یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت امیرالمومنین علیه السلام دست در دست هم داده ، و در این امر خیر سهیم بوده و تا آنجایی که توان داریم در احیاء امر آن حضرت و بزرگداشت عظمت ها و مصیبت های آن بزرگوار می کوشیم و از جان و مال و آبرو و همّت خود دریغ نمی نماییم و خود را در زمرۀ مدافعان از حق و حقیقت و دوستداران کمال و فضیلت قرار می دهیم .



ص: ۱۰۱

۱- - الخصال ، مرحوم شیخ صدوق ج ۲ ، ص ۱۶۹ .

۲- - روضه کافی ، ص ۱۳۵.

به قلم : نویسندهٔ دلباختهٔ اهل البیت علیهم السلام

آقای شیخ محمد حسین فاطمی مرام

چهاردهمین قرن شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

خداونـد برای هدایت خلقش ، ۱۲۴هزار پیـامبر را مبعوث و برای آن بزرگواران ، اوصـیایی قرار داد و برای افضل انبیاء ، پیامبر خاتم صـلی الله علیه و آله ، امیرالمؤمنین علی علیه السـلام را جانشـین قرار داد ، آقایی که یادش در دل ، و ذکرش در زبان ، و نوشتن فضائلش با دست و قلم ، عبادت است .

یکهزار و چهارصد سال از شهادت بزرگمردی می گذرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شأن او فرموده استد :

« لَوِ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَی حُبِّ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ لَمـا خَلَقَ اللَّهُ النَّار ؛ اگر تمـام مردم در دوستی و محبت علی ابن ابی طـالب علیه السلام جمع می شدند ، خداوند آتش را خلق نمی کرد .»(۱)

این محبت ، همان سرمایهٔ عظیمی است که خداوند متعال می فرماید :

« قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی ؛ بگو : به ازای آن [رسالت] پاداشـی از شـما نمی خواهم ، مگر دوستی دربارهٔ خویشاوندان من . »(۲)

خویشان پیامبر و ذوی القربی ، علیّ و فاطمه علیه السـلام و فرزندانشان هسـتند ؛ چگونه دشمنان آن حضرت ، منکر این عظمت می شوند ، و حال آن که

ص: ۱۰۲

۱- - کشف الغمه ، ج ۱، ص ۱۰۰ .

۲- - سوره شوری ، آیه ۲۳ .

بزرگـان اهـل تسنّن ماننـد سـيوطی و ... در کتاب هايشان اقرار کرده انـد که اين آيه در شان حضـرت علی و فاطمه و حسـنين عليهم السلام می باشد .

در چهاردهمين قرن شـهادت آن حضـرت می گوييم : خـدايا ! در دنيا ديگر آقايی همچون اميرالمؤمنين علی عليه السـلام خلق نشـده ، که مظهر عـدالت بوده و فرمانـداران خويش را امر به عـدالت می نموده و می فرموده انـد : ای مالـك ! قلب خويش را کانون رحمت و محبت و لطف به رعيت قرار ده ، و در مورد آنان همچون درّنده ای مباش که خوردن آنها را غنيمت شمارد ، زيرا آنها دو گروهنـد؛ يا برادر دينیِ تو هسـتند ، و يا انسان هايی که در آفرينش شبيه توانـد (و در هر حال بايد حقوق آنان را رعايت کنی .)(۱)

بله ! همين عدالت خواهی بود که بسـياری از اصـحاب ، از آن حضـرت فاصله گرفتند و ايشان را تنها گذاشتند ، چرا که شيفتهٔ جـاه و مقـام بودنـد ، و عـدالت اميرالمؤمنين عليه السـلام آنهـا را از رسـيدن به آرزوهـا و هوس هايشان دور می کرد . عـدالت خواهی را در نامهٔ حضرت به عثمان بن حُنيف می بينيم آنجا که فرمودند :

« ای پسـر حُنيف ! به من رسـيده که يکی از جوانان اهل بصـره تو را به طعام عروسی خوانده است ، و به سوی آن طعام شتابان رفته ای ، و خورش هـای رنگارنـگ گوارا برايت خواسـته و کـاسه هـای بزرگ به سويت آورده شـد ، و گمـان نداشـتم تو به مهمانیِ گروهی بروی که نيازمندشان را برانند و توانگرشان را

۱- - نهج البلاغه، نامه ۵۳ .

بخوانند ، پس به آنچه می خوری بنگر و اگر حلال بود بهره برداری کن ، و چیزی را که بر تو آشکار نیست و نمی دانی حلال است یا حرام ، مخور .(۱)

پیشوایی را از دست داده ایم ، که حتی نسبت به مهمانی ها و سفره ها و طعام های فرماندارانش ، حساسیت نشان می دهد ، و آنها را از نشستن بر سر سفره های رنگین ثروتمندانی که به حلال و حرام توجه نمی کنند ، منع می نماید ، چرا که می داند این امر ، سبب بی توجهی و غفلت فرماند هان ، نسبت به مردم ضعیف می شود .

۱۴ قرن از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام می گذرد ، و اهل عالم و نمازگزاران مسجد کوفه ، صدای مناجات آن حضرت را نمی شنوند ؛ همان مناجاتی که همراه با ضجه و گریه بود و هر شنونده و بیننده ای را متوجه عالَم آخرت و ترس از قبر و قیامت می کرد ، همان نمازی که همراه با توجه و ایمان واقعی بود .

خداوندا ! یکهزار و چهارصد سال از شهادت امام مظلومی می گذرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند :

« همهٔ علوم را خداوند در وجود من جمع کرده و من همهٔ آن علوم را به امیرالمؤمنین علی علیه السلام عطا کردم ، و اوست امام مُبینی که خداوند در سورهٔ یس از او یاد کرده و فرموده : «و کُلَّ شَیْ ءٍ أَحْصَیْناهُ فی إِمامٍ مُبینٍ »(۲)

۱- - ترجمه و شرح نهج البلاغه ، نامه ۴۵ .

۲- - سوره یس ، آیهٔ ۱۲ .

خدایا ! پس چه شده است که مردم ، معدن علم و حکمت را رها کردند و سراغ جهل و بی خردی رفتند ؟ چه شده است که صاحب فضلی چون امیرالمؤمنین علیه السلام را خانه نشین کردند ، و سراغ غاصبین خلافت رفتند .

آقایی که مشمول کلام الهی است که فرموده است :

« إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرا ؛ خداوند متعال اراده کرده است رجس و پلیدی را از وجود شما اهل البیت علیهم السلام ببرد و شما را پاک و معصوم از گناه قرار دهد .»

چگونه عده ای منکر عصمت و پاکی مطلق آن بزرگوار می شوند در حالی که ابن کثیر دمشقی ، مفسّر و محدث مشهور اهل سنّت می نویسد : رسول خدا صلی الله علیه و آله حسنین علیه السلام را روی زانو نشاندند و علی و فاطمه علیه السلام را در آغوش گرفتند و کساء را بر آنها کشیدند و آیهٔ تطهیر را تلاوت نموده و فرمودند : خدایا ! اینان اهل بیت من هستند .»(۱)

و انس بن مالک می گوید : رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدت ۶ ماه هنگام نماز صبح از کنار منزل حضرت زهرا سلام الله علیها می گذشتند و می فرمودند : السلام علیکم اهل البیت ، و سپس آیهٔ تطهیر را تلاوت می کردند .»(۲)

۱- – تفسیر القرآن العظیم ، (ابن کثیر) ، ج ۶ ، ص ۳۶۶.

۲- – أحکام القرآن، ج ۳، ص۱۵۳۹.

بزرگداشت چهاردهمین قرن شهادت :

یعنی توجه ویژه به عظمت شهادت مظلومی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصف آن بزرگوار فرموده اند : « مَثل تو ، مَثل سورهٔ توحید است . کسی که تو را با قلب دوست بدارد ، یک سوم ثواب اعمال بندگان خدا برای او هست ، و اگر کسی تو را با قلب و زبان دوست بدارد ، دو سوم ثواب اعمال بندگان خدا برای او می باشد ، و اگر کسی تو را با قلب و زبان و دست دوست بدارد ، ثواب همهٔ اعمال بندگان خدا را در نامهٔ عملش می نویسند .»(۱)

مظلومی که خداوند متعال بندگانش را امر به اطاعت او نموده ، و فرموده است : « یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أطیعُوا اللَّهَ وَ أطیعُوا الرَّسُولَ وَ أولِی الْأمْرِ مِنْکُمْ » ولی مدعیان پیروی از قرآن و سنّت ، منکر جایگاه او شدند و او را تنها گذاردند . و عهدشکنانِ غدیر ، درب منزلش را سوزانده و یگانه همسرش را به شهادت رسانده ، و محسنش را سقط نموده ، و بزرگترین ظلمها را بر او و خاندانش روا داشتند .

خدایا ! چهاردهمین قرن شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را آخرین قرن غربت مولایمان قرار ده ، و با حضور فرزند برومندش ، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به همهٔ مظلومیت های شیعه پایان ده ، و قرن جدید را ، قرن ظاهر شدن حقّانیت مولایمان ، و قرن نابودیِ جبت و طاغوت و پیروان آنها قرار ده .

۱- - تفسیرا لبرهان ، ج۴ ، ص ۵۲۱ .

به قلم : نویسندهٔ فاضل و دلباختهٔ فاطمهٔ زهرا سلام الله علیها

شیخ محسن جلایی

نهضت علوی در امتداد نهضت فاطمیّه

بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بهانه ای برای همتی عظیم و جنبشی جهانی در امتداد نهضت فاطمیّه است (نهضت علوی در امتداد نهضت فاطمیّه) .

پرداختن به تاریخ و درس آموختن از وقایع تلخ و شیرین و عبرت آموزی که در طول اعصار اتفاق افتاده و تحسین و تجلیل و پاسداشت شخصیت هایی که با علم و عمل و دانش و شجاعت و غیرت و ... شیرینی ها و خوبی ها و اتفاقات خوش آیند و افتخارآمیز تاریخ را رقم زده اند و نیز مذمت و لعنت کسانی که با کردار ناشایست و سوء عملشان خود را در زباله دان تاریخ جاودانه کرده اند ، سیره و روشی تربیتی است که عقلای عالم برای تعالی جامعه و سعادتمندی و کمال بشریت از آن بهره ها برده اند .

خداوند متعال که خالق عقل است در قرآن مجید که مُشرف بر تاریخ است ، برای آخرین فرستاده اش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، سرگذشت بسیاری از پیامبران الهی و حکایاتی از شخصیت های بزرگی چون لقمان حکیم ، که هزاران سال از آن گذشته را نقل می فرماید ، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که عقل کل عالم هستند با بهره مندی از قرآن مجید طی رسالتشان جاهلیت و تعصبات جاهلی را از میان برداشته ، پرچم اسلام را برافراشته اند .

ص: ۱۰۷

مهمترین فرازهای تاریخ که گذشته و آینده را تحت الشعاع قرار داده است، راجع به بلند مرتبه ترین و با عظمت ترین فرد همیشهٔ تاریخ هستی ، بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، وجود نازنین حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، نفسِ نفیسِ خاتم الانبیاست .

روزی که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دامن کعبه متولد شدند، زیباترین روز تاریخ ...

عید غدیر ، روز ابلاغ ولایت ، روز اکمال دین ، بهترین اعیاد و مهمترین فراز تاریخ ...

روز شهادت جانگداز نبی اکرم صلی الله علیه و آله ، روز غصب خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سیاه ترین روز تاریخ و هفتهٔ پس از آن و هجوم به خانهٔ وحی و شهادت حضرت محسن علیه السلام و مجروح شدن حضرت زهرای اطهر سلام الله علیها در اثر تازیانه ها و سیلی ها و غلاف شمشیر ... در دفاع از ولایت و دفاع از امام زمانشان امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، تلخ ترین هفته تاریخ ...

شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها یگانه حامی امیرالمؤمنین علیه السلام ، جانگدازترین روز تاریخ ...

۲۵ سال خانه نشینیِ امیرالمؤمنین علیه السلام ، بیست و پنج سالی که چون خاری در چشم و استخوانی در گلو بود ، خفت بارترین سال های تاریخ ...

دوران خلافت ظاهری و جنگ های داخلی با ناکثین و قاسطین و مارقین ، شرم آورترین دوران تاریخ ...

ص: ۱۰۸

روز ۱۹ ماه رمضان الکریم ، روز ضربت خوردن امیرالمؤمنین علیه السلام به دست شقی ترین فرد همیشهٔ تاریخ، ننگین ترین روز و روز ۲۱ رمضان الکریم

غم بارترین روز تاریخ ...

امسال چهاردهمین قرن شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و هنوز بر پیشانی بشریت ، ننگ عدم یاریِ امیرالمؤمنین علیه السلام و مظلوم گزاردن ایشان باقی است .

هنوز که هنوز است امیرالمؤمنین علیه السلام مظلوم ترین چهرهٔ تاریخ اند و با گذشت چهارده قرن از شهادت ایشان به جرأت می توان فریاد برآورد : وای بر ما که هنوز حتی غباری از مظلومیت آن امام همام نزدوده ایم .

چهارده قرن گذشته است اما هنوز جهان آن گونه که شایسته و بایسته است عظمت ایشان را نشناخته است ، گرچه دوست و دشمن در برابر فضائل نامتناهی امیرالمؤمنین علیه السلام سر تعظیم فرود آورده اند .

چهارده قرن است ندای «فُزْتُ وَ رَبِّ الْکَعْبَةِ» گوش فلک را پر کرده و ندای « تَهَدَّمَتْ وَ اللهِ اَرْکانُ الهُدی و ...» در سراسر گیتی پیچیده است .

آری ! چهارده قرن است ارکان هدایت در هم شکسته و ستاره های عِلم نبوت تاریک شده و نه تنها شیعیان و محبین حضرتش یتیم شده اند که عالم یتیم شده است ...

چهارده قرن است ...

ص: ۱۰۹

و صـد افسوس و دو صـد افسوس که پس از گـذشت یکهزار و چهارصـد سال از شـهادت جانگداز عدل و احسان پروردگار ، سید اوصیاء ، تاج سر اولیاء ، امیرمؤمنان علیه السلام به خود نیامده ایم و همچنان غافلیم .

هنوز هسـتند کسانی که به مولایشان سـلام نمی کنند و هنوز هسـتند کسانی که پاسخ سـلام مولایشان را نمی دهند ، هنوز مثل مهـاجر و انصـار که مولاـ علی علیه السـلام درب خـانه هایشـان را برای یاری کوبیدنـد ، در را به سوی یار نگشوده ایم ، لبیک نگفته ایم ، خود را به خواب زده ایم و پاسخ نگفته ایم .

و نشان این بی مهری ها ، بی وفایی ها ، و جفاهایمان این است که قریب به دوازده قرن است امام زمانمان در پس پردهٔ غیبت ، غریب و وحید و فرید مانده ، و ماییم و خواب غفلتمان .

بزرگـداشت یکهزار و چهارصـدمین سـال شـهادت جانگـداز اول مظلوم عـالم ، خلق شـدن موقعیـتی است که می توانـد خـالق موفقیت ها باشد ، یعنی جامعه می تواند با بهره مندی از این بستر در راسـتای احیای دین و ارزش های دینی بهترین موفقیت ها را کسب کنـد ، چنـانچه از سـی سال گذشـته با بهره منـدی جامعه از مراسم بزرگـداشت یکهزار و چهارصـدمین سال شـهادت حضرت زهرا سلام الله علیها و خلق نهضت فاطمیّه تا به امروز ، برکات گسترده ای و موفقیت های چشمگیری به دست آمده تا به آن جا که باور کرده ایم : « فاطمیّه نیز کوثر است » .

بنـابراین ، بزرگـداشت یکهزار و چهارصـدمین سال شـهادت امیرالمؤمنین علی علیه السـلام در ماه نزول قرآن و مقارن با ایام و لیـالی قـدر می توانـد برایمـان سرفصـلی باشـد تـا به خود آییم ، تأمل کنیم ، بیاندیشـیم و همگام با مراجع عظام و علمای اعلام همت کنیم با عزمی راسخ و ارادهٔ مسـتحکم و اسـتوار در دفاع از اول مظلوم عالم و معرفی شخصـیت یگانه و بی بدیل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در امتداد فاطمیّه ، فاطمی به پا خیزیم و در چهاردهمین قرن شهادت مولایمان موجی جهان گستر ایجاد کنیم و جهان را در پرتو آن متوجه امیرمؤمنان علیه السـلام نماییم ، و شخصـیت یگانـهٔ ایشان و شـمه ای از دامنهٔ نامتناهی فضائل ایشان رابه عالم بنمایانیم و بشناسانیم .

به راستی که اگر عالم بر ولایت و محبت امیرالمؤمنین علی علیه السـلام اسـتوار شود ، عـدالت عالم گیر می شود و عالم مـدینهٔ فاضله می گردد .

بزرگداشت چهاردهمین قرن شـهادت امیرالمؤمنین علیه السـلام بستری بسیار مناسب است تا مردمان عالم را که از هر سو دچار فتنه هـا شـده انـد و بی عـدالتی و فساد و تباهی همه جا را فرا گرفته ، به سوی منجی حقیقی و مصـلح کل ، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سوق دهیم و همچنان که شخصیت بلند مرتبهٔ

امیرالمؤمنین علیه السلام را به عالم معرفی می کنیم ، آمدن منجی از تبار ایشان را بشارت دهیم و همگان را در سراسر جهان به دعا برای ظهور منجی کل ،

حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف ترغیب نماییم .

به درستی که بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت امیرمؤمنان علی علیه السلام توأم با موج گسترده ای که به فضل الهی ،

ص: ۱۱۱

تحت توجهات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ایجاد می کند ، می تواند فرصتی طلایی باشد برای اینکه بتوانیم موج ظهور خواهی و دعای فرج را که بحمدالله آغاز شده و در بزرگترین اجتماع بشری و راهپیمایی سی میلیونی اربعین حسینی فرهنگ سازی شده ، گسترده تر نماییم ، و ذکر « اللّهم عجل لولیک الفرج » را بین المللی و جهانی سازیم ... .

ما « سِرِّالمُستَودع » ، یعنی حضرت بقیهٔ الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراموش کرده ایم و امر حضرت ، مبنی بر کثرت دعای برای فرج را جدی نگرفته ایم ، دعایی که شاه کلید و گشایندهٔ تمام قفل های زندگی بشریت در راه رسیدن به کمال و سعادت است .

آری ! باید از تمام ظرفیت ها و موقعیت ها و فرصت هایی که شیعه دارد برای یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده نمود ، پس بسیار به جاست از بستری که تحت عنوان چهاردهمین قرن شهادت صاحب غدیر ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام فراهم آمده ، برای زدودن غربتِ غریب دوران ، وارث غدیر ، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده کنیم و یک جنبش و نهضتی جهانی نه تنها در دایرهٔ تشیّع ، بلکه در گسترهٔ کرهٔ خاکی ایجاد کنیم .

*****

ص: ۱۱۲

بخش دوم : سروده های شعرا درباره چهاردهمین قرن شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

اشاره

تصویر

بخش دوم

سروده های شعرا درباره چهاردهمین قرن

شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

پیشگفتار

شعراء و مداحان با ایمان و متعهد به مکتب اهل بیت علیهم السلام ، در جامعهٔ شیعی و پیرو قرآن و عترت ، نقش بسیار مؤثری دارند ، و در توجه دادن توده های مردم به سر فصل های فعالیت های فرهنگی و دینی از یک طرف ، و از ارتقاء بخشیدن سطح معرفت و آگاهیِ مذهبی از طرف دیگر ، و ایجاد شور و شوق و سوز و گداز در دل انسان ها از طرف سوم ، جایگاهی بزرگ دارند .

این دو دسته و گروهِ فرهنگی و اعتقادی ، با همراهی و تعاون ، می توانند در جهت گیری های فکری و اعتقادی و گرایش های فردی و اجتماعی و شکل گیریِ اجتماعاتِ مؤثر ، و همبستگی های سازنده و حرکت آفرین ، نقش بسیار سازنده ای داشته باشند .

هم اکنون که در آستانهٔ چهاردهمین قرن شهادت مولی الموحدین و امام المتّقین ، نفس الرسول و زوج البتول ، و ابوالائمهٔالنجباء امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرار گرفته ایم ، و بار سنگینِ مسئولیتی بزرگ بر دوش همهٔ شیعیان و حق طلبان قرار گرفته ، و بایستی صدای مظلومیّتِ آن امام معصوم و مظلوم ، به همهٔ انسان ها برسد و پیام عدل و داد و حق طلبیِ آن منادیِ حق و عدالت ، به گوش همهٔ تشنگان حقیقت و جویندگان سعادت برسد ، و تابش انوار الهی آن امام نور ، فضاهای تاریک زندگیِ ملّت های گوناگون را روشن سازد ، جمعی از شعراء با ایمان و پیرو مکتب ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام قدم به میدان گذارده اند ، و با سرودن اشعاری زیبا ،

نقش خود را ایفاء نموده انـد ، به امید اینکه خطبا و گویندگان و مداحان دلسوختهٔ خاندان عصـمت و طهارت علیهم السـلام با بهره گیری از اشعارِ آگاهی بخش و تکان دهنده ، و با استفاده از هنرِ به کارگیریِ اشعار در مجالس و محافل ، و مناسبت های دینی و مذهبی ، و محافل ولایی و سوگورای ، در بیداریِ جامعه و تکامل اعتقادی و تربیتی آنها ، نقش مؤثری ایفا نمایند .

آری ! فرصت اسـتثناییِ یکهزار و چهارصدمین سال شـهادت منادی حق و عدل ، مولود کعبه و شهید محراب ، مظهرالعجائب ، و مَظهرالغرائب

امیرالمؤمنین ، علیّ بن ابیطالب علیه السلام

بهترین انگیزهٔ تبلیغ و ترویج و تعظیم و تکریم وحمایت و دفاع از حریم قدسیِ ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فرزندان معصوم و مظلوم آن حضـرت است ، و شایسته است که همچنانکه جمعی از فرهیختگان و دانشمندان و محققان و گویندگان و نویسـندگان به حرکت در آمـده انـد ، یـک نهضتِ عمومی و فراگیر ، شـکل بگیرد ، که جبران کننـدهٔ قصورهـا و تقصـیرهای گذشته باشد ، و زمینه ساز ظهور منجی حقیقیِ عالم

حضرت بقیّهٔ الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

و انتقام همهٔ مظلومان تاریخ بگردد . آمین آمین آمین

*****

ایام میلاد مقدّس سیّدالشّهداء ، ابی عبدالله الحسین علیه السلام

سوم شعبان المعظم ۱۴۴۰ قمری برابر با ۲۰/۱/۱۳۹۸

حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان ، میر سید حجّهٔ موحّد ابطحی

اولین مظلوم / حاج محمد آتشی (آتشی)

سرودهٔ : شاعر مکتب امامت و ولایت علیهم السلام

آقای حاج محمد آتشی (آتشی)

(از اصفهان)

>> اولین مظلوم

یا علی ای جهان به کار تو مات

ای تو یکتا چو حق به ذات و صفات

ای خدا را تو مُظهر و مظهر

ای وصیّ نبیِ پاك گهر

ای ز دانش تو بی نظیر و بدیل

ای به یکتایی خدا تو دلیل

شب معراج آن رسول امین

با تو همسفره شد به عرش برین

هست او شهر علم و باب تویی

راستی مالك الرقاب تویی

ای تو اول شهید در محراب

ای به محراب عشق پُر تب و تاب

از تو باشد صفا اصالت را

جلوه گر ساختی عدالت را

از تو محراب لاله گون گردید

مُهر و سجاده غرق خون گردید

ای عدالت اثر ، شهیدِ نماز

ای تو همراز حیّ بنده نواز

مرتبت داده ای شهادت را

آبرو داده ای عبادت را

چارده قرن از شهادت تو

رفت و باشد عیان عبادت تو

که به حق آن عبادت والا

نرود از نگاه اهل ولا...

ای بتاریخ اولین مظلوم

ای تو از حق خویشتن محروم

مسجد کوفه از تو آرد یاد

از تو محراب را بود فریاد

ای نمازت به هر نمازی راز

سر فرازند از تو اهل نماز

خون تو خون حق بُوَد الحق

شد ز خون تو سُرخ رنگ شفق

از تو نام شهید والا شد

نردبانی به عرش اعلا شد

یا علی کیستی نداند کس

حق تعالی ترا شناسد و بس

رفتی و بی تو عدل هم افسرد

بی تو این گل به باغ دین پژمرد

حیف نشناختند قدر تو را

علم و حِلم و مقام و صبر تو را

اهل حق جمله داغدار شدند

همه غمگین و سوگوار شدند

جانشان جمله سوزد از غم تو

دلشان گشته خون ز ماتم تو

نبرند این گروه هیچ از یاد

هست در گوش جمله این فریاد

وای ما ، بوتراب را کشتند

صبحدم آفتاب را کشتند

سرور اهل راز را کشتند

آری اصل نماز را کشتند

وا علیا رسد مدام به گوش

که نگردد چراغ حق خاموش

« آتشی » هست دل به یاد علی

ذکر اهل ولاست ناد علی

*****

>> رباعی

آن کس که بود کعبه ولادتگاهش

مسجود فرشتگان عبادتگاهش

سرّیست در اینکه می شود آخر کار

محراب عبادتش شهادتگاهش

ص: ۱۱۷

سردار عشق / مهرناز آزاد

سرودهٔ : شاعر خاندان امامت علیهم السلام

خانم مهرناز آزاد (استاد دانشگاه)

>> سردار عشق

سردار عشق ، از دل « قرآن » سروده شد

چون رحمت از قبیله ی یاران سروده شد

مثل محبت از همه ی مرزها گذشت

از نور ، از رفاقت و احسان سروده شد

هم اهل خشم بود ، هم اهل گذشت و مهر

مردی که آسمانی و تابان سروده شد

بعد از گذشت اینهمه قرن از شهادتش

نشناختیم ، آنچه ز عرفان سروده شد !

« قرآن » ناطقی که به حق ، آیه آیه اش

از لطف و مهربانی و ایمان سروده شد

با چهارده صده ز غروب مقدسش

نادیده ماند آنچه در این « جان » سروده شد

ای کاش اگر چه دیر ، بفهمیم ، ذره ای

معنای آن « علی » که ز « قرآن » سروده شد

ص: ۱۱۸

چهاردهمین قرن ... / هفت بند/نوحۀ .../جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی)

سرودۀ : شاعر پر تلاش مکتب اهل البیت علیهم السلام

آقای جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی)

>> چهاردهمین قرن ولایت مولا علی علیه السلام

چارده قرن آسمان رنگ عدالت را ندید

ازهمان روزی که درمحراب مولا شد شهید

چارده قرنی که ازتیغ شهادت خون چکید

چارده قرنی که شیعه آنهمه غربت کشید

غربتی دور از غدیر و با سقیفه روبه رو

اشک های ناگهان و ناله های در گلو

چارده قرن آشنایی با غم بسیار او

چون کمیل و بوذر و چون مالک و عمّاراو

بی حضور چاه و نخل و دیدۀ بیدار او

بی شرار سوز و ساز و خطبۀ و گفتار او

چارده قرنی که گفتیم و برایش مرده ایم

مثل فانوس سحر از باد سیلی خورده ایم

چارده قرن از ملال آن شب خونین سحر

بزم افطاری که با نان و نمک شد مختصر

در دل بیتات دختر غربت صبر پدر

تیغ قاتل در هوا چرخید و شد شقّ القمر

رستگاری سهم او بود و شهادت جان او

آشنایی ابتدا و عشق شد پایان او

چارده قرنی که بی تکرار مثل محشر است

اوّلین و آخرین مظلوم آری حیدر است

چارده قرنی که داغستان نسل کوثراست

قصّهٔ ناگفته اش بغض گلوی دختراست

ص: ۱۱۹

شیعه پای بیعت روز غدیرش مانده است

شیعه آری با ولایت با امیرش مانده است

چارده قرنیکه شد هرلحظه دل بیصبر وتاب

دوستی ها در تقیّه دشمنی ها بینقاب

موج خیز فتنه ها چون سیل بر دارد شتاب

تا بگیرند انتقام از دوستان بوتراب

عشق حیدر داشتن وانگه سلامت داشتن ؟

با ولایش باید از دشمن ملامت داشتن

چاردهقرن است چون آئینه حیرت پروریم

دوستدار دوستدار دوستدار حیدریم

ما مناقب خوان عشق عترت پیغمبریم

ما نمک پروردگان هل اتایِ کوثریم

عشق ما را بس که این نعمت خدا بخشیده است

گوهر ما در عیار معرفت سنجیده است

چارده قرن است لبریزیم از یک انتظار

جان ما فانوسامیداست در شبهای تار

شاید از طوفان بر آید کشتی ما بر کنار

یا علی گفتیم تا هجران نماند پایدار

خیمۀ سبز ظهور و دیدن فرزند او

دلنوازی کو که باشد لایق پیوند او ؟

****



ص: ١٢٠

(آشفته کاشانی)

>> هفت بند به مناسبت چهاردهمین قرن شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام

نام تو مأنوس تر از موج ، با دریا ، علی

عشق تو محسوس تر از چشم ، با رویا ، علی

آسمان دروازه ای دارد ، کلیدش دست توست

اوج می گیرد هر آنکس ، برد نامت ، یا علی

آبشار علم ، از کوهِ وقارت ریخته

دشت های معرفت را می کند احیا ، علی

عطر عشق است اینکه شد سرشار ، در اشعار من

یا گلاب از شیشهٔ طبعم زده بالا ، علی

مهر تو محدودهٔ خیر العمل را داده بسط

یا خدایت مزد بی منت کند اعطا ، علی

« یا علی ، یا ایلیا ، یا بو الحسن ، یا بو تراب »

« حل مشکل ، سروردین ، شافع یومالحساب »

*****

حق تویی ، مصدر تویی ، دیباچهٔ دفتر ، تویی

دل حدیث عشق از بر می کند ، دلبر تویی

هم بسی آئینه نوری ، هم بسی پرده حجاب

در شگفتی آفرینی ، اوّل و آخر تویی

ص: ۱۲۱

آفتاب رحمتی از عرش حق ، تابیده ای

بو ترابی از همه افلاکیان برتر ، تویی

ای خدا آگاه ، خود آگاه ، ای نفس نبی

نشر ایمان ، روح قرآن ، جان پیغمبر تویی

از تو و ، از فاطمه ، پیوند نسل اولیا

حافظ ناموس حق ، همخانۀ کوثر تویی

« یا علی ، یا ایلیا ، یا بو الحسن ، یا بو تراب »

« حل مشکل ، سروردین ، شافع یومالحساب »

*****

کیستی ای آشنای مردم روشن ضمیر

کیستی ای خستگان را در دو عالم دستگیر

شیعه مظلوم است در این روزگار پُر هراس

زخمیِ کفر سقیفه ، شیعۀ روز غدیر

کفر کیشان ، تیشه بر نخل ولایت می زنند

در هجوم بی امان و خشم پایان ناپذیر

آسیا سنگی که می گردد ز خون اهل دل

حجم اندوهی که دل های جوان را کرده پیر

کار در دست تو باشد ای امیر اهل دل

دوستت را گو بمان و ، دشمنت را گو بمیر

« یا علی ، یا ایلیا ، یا بو الحسن ، یا بو تراب »

« حل مشکل ، سروردین ، شافع یومالحساب »

ص: ۱۲۲

عشق در پایت سر تسلیم می آرد فرو

عقل می گردد به دنبال نگاهت کو به کو

ای شریف نسل آدم ، این قبیله تا ابد

زیستن در سایۀ ، عدل تو دارد آرزو

بی ولایت هیچ پیغمبر نبوده حق گذار

یک فرشته نام تو هرگز نبرده بی وضو

حق مقام حجّت اللّهی تو را بخشید و بس

مدعی بیهوده دارد در خلافت ، های و هو

صبر کردی سال ها با مردم غفلت زده

خار در چشمت شکسته ، استخوانت در گلو

« یا علی ، یا ایلیا ، یا بو الحسن ، یا بو تراب »

« حل مشکل ، سروردین ، شافع یومالحساب »

*****

روزگار ما به دوران تو دارد احتیاج

آیت دعوت به برهان تو دارد احتیاج

عقل در پس کوچه های جستجو گم کرده راه

یک فروغ از بام ایوان تو دارد احتیاج

روز تقسیم عدالت روزِ رستاخیز عدل

دادگاه حق به میزان تو دارد احتیاج

سفره های منتظر در دست های بینوا

بر صفای لطف و احسان تو دارد احتیاج

ص: ۱۲۳

نخل های غربت تاریخ مظلومان دهر

جویبار از اشک چشمان تو دارد احتیاج

« یا علی ، یا ایلیا ، یا بو الحسن ، یا بو تراب »

« حل مشکل ، سروردین ، شافع یوم الحساب »

*****

چارده قرن است از تیغ فلق خون شد سحر

چارده قرن است شد هنگامۀ شق القمر

چارده قرن است شد قرآن حروفش منقطع

چارده قرن از تو گفتن با حدیث معتبر

چارده قرن است دیوان عدالت بسته ماند

تا که بگشاید به دیوان قیامت دادگر

چارده قرن است از هذا صراط مستقیم

منحرف کردند باطل پیشگان ، راهِ بشر

چارده قرن است مظلومان آل اهل بیت

نغمه های یا علی دارند هر شام و سحر

چارده قرن است غربتگاه نخلستان و چاه

بی نشانی مانده همچون منزلی بی رهگذر

« یا علی ، یا ایلیا ، یا بو الحسن ، یا بو تراب »

« حل مشکل ، سروردین ، شافع یومالحساب »

****

چارده قرن و پس از این هم در این حسرت مدام

کاش می بودیم در پای کلامت صبح و شام

چارده قرن و برای شیعه مظلومیّتی

در حصار تنگ چشمی های کج فهمان خام

چارده قرنی که توحید از ولایت دور ماند

چارده قرنی که بت افتاد در بیت الحرام

چارده قرنی به مظلومیت روز غدیر

شیعه در تنهایی تکفیر و جمع اتّهام

چارده قرنی که با عشقت امیدی تازه بود

رستگار آنکس که مانند تویی دارد امام

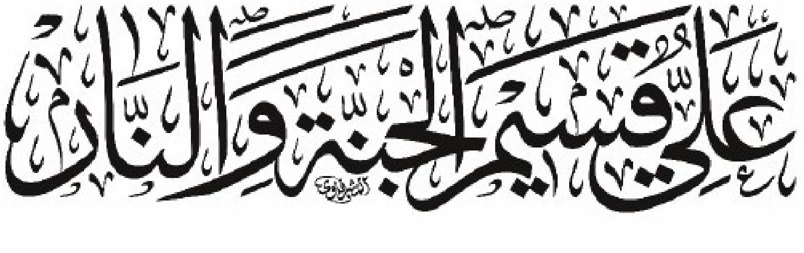
چارده قرن است مائیم و ثواب یاد تو

بر تبرّایت درود و بر تَولّایت سلام

« یا علی ، یا ایلیا ، یا بو الحسن ، یا بو تراب »

« حل مشکل ، سروردین ، شافع یوم الحساب »

****



>> نوحۀ چهاردهمین قرن شهادت مولا علیه السلام

چهارده قرن غریب غم تو یا علی

شیعه چرا نگریَد از ماتم تو یا علی

آن شب که روی محراب

از خون تو شد خضاب

مظلوم عالم علی

چهارده قرن به حسرت نگاهت علی

گریستن چون چاه و نخلستان به آهت علی

ای آفتاب نجف

دُرّه ی ناب نجف

مظلوم عالم علی

چهارده قرن ، شکسته دلِ یاران تو

در سوگ مظلومی تو ، با غم پنهان تو

گفتیم هر کلامی

خواندیم هر سلامی

مظلوم عالم علی

چهارده قرن گذشت و ، بعد روزگاران

تازه شود غم تو ، پیوسته برای یاران

این سلسه تا ابد

راه ولایت رود

مظلوم عالم علی

ص: ۱۲۶

به استقبال زخم فرق / سید علی احمدی..

سرودهٔ : شاعر اهل البیت علیهم السلام

سید علی احمدی (از خمینی شهر)

>> به استقبال زخم فرق ...

لباس غم به تن کرده است امشب ، جسم ماتم هم

سر ماتم گرفته در بر خود ، زانوی غم هم

به قدر معرفت ، چشم تمام خلق بارانی است

و چشمانیتیمان ، پشت در ، باران نم نم هم

به استقبال زخم فرق او می آید از جنت

دو بازوی ورم کرده ، دو پهلو ، قامت خم هم

چه بوده علت زردیّ روی او در این دنیا ؟

فراق همسر و داغ پیمبر ، قدرت سمّ هم

به جان نان گندم ، حسرت دندان مولا ماند

بهشتش را نفهمیده ، هزاران مثل آدم هم

تمام معنی روزه ، خود مولاست ، معلوم است

وگرنه روز قتلش ، روزه بوده ابن ملجم هم

برای غربت او ، چارده قرن است ، خونی که

فرو می ریزد از چشمان مهدی در محرّم هم

ندارم غم ، اگر کم دم زدم در این غزل ، زیرا

کرم کرد و ، پذیرفته شد از لطفش ، همین کم هم

****

ص: ۱۲۷

افتاد سرو قامت با اعتدال تو / رها احمدی..

سرودهٔ : شاعر اهل البیت علیهم السلام

خانم رها احمدی

(از اصفهان)

>> افتاد سرو قامت با اعتدال تو

خورشید در حجاب نشست از جمال تو

کی می توان نوشت غزل در کمال تو

وقتی شکست پهلوی زهرا به ضرب در

افتاد سرو قامت با اعتدال تو

در جذر و مد چاه و سر نخل های شهر

پیچیده ناله های دل پُر ملال تو

از کوفیان شب زده قطعاً محال بود

ای آفتاب لم یزلی درک حال تو

محراب هم برای دو رکعت نماز عشق

آن شب وضو گرفت به خون زلال تو

بعد از چهارده سده از رفتنت هنوز

آرام می شود دلمان با خیال تو

*****

گر هزار و چهارصد سال از شهادت رفته است / اکبر افشار زاده

سرودهٔ : شاعر خاندان رسالت علیهم السلام

آقای اکبر افشار زاده

(از اصفهان)

>>گر هزار و چارصد سال از شهادت رفته است

سیزده از ماه پر فیض رجب شد آشکار

شد برون از غیب دست حضرت پرودگار

مستجار کعبه از آن ماه استقبال کرد

پور بوطالب که باشد والد هفت و چهار

هست مولود حرم باب حسین و هم حسن

زینب و کلثومِ صغرا را در این قسمت شمار

بود نام او علی شیر خدا یعسوب دین

آنکه بر کل جهان دارد نشان افتخار

تا که پا بنهاد بر فرش زمین صهر نبی

کهکشان از مقدم فرخنده اش شد برقرار

بود همراه پیمبر از زمان کودکی

پاسدارش گشت از جان در نهان و آشکار

جنگ ها دارد علی در یاری خیر البشر

لافتی الّا علی لا سیف الّا ذوالفقار

ص: ۱۲۹

فاطمه دخت نبی ، هم کفو ، هم تای علی

بود همراه امیرالمؤمنین با صد وقار

جانشین مصطفی شد چون امام امت است

کرده با علمش قرین یک عالمی را استوار

لیک از کج فهمی قومی لعین و فتنه جو

شد دو تا فرق شریفش ز آن لعین نابکار

در شب قدر او شهید راه ایمان شد ز جور

باد دائم لعن و نفرین بر عدویش بی شمار

بگذرد از آن شهادت چارده قرن تمام

گشته قلب شیعیان از این شهادت داغدار

گر هزار و چارصد سال از شهادت رفته است

مانده چشم پیروان داغدارش اشکبار

هست تا حجت بفرمان خدا ظاهر شود

لشگر اهل ستم را او نماید تار و مار

بعد از آن چشم محبان علی روشن شود

چون بیاید یوسف زهرا به اوج اقتدار

هست « افشار » از محبان علی و آل او

دارد از سلطان دین امر شفاعت انتظار

*****

جانشین خاتم / سهیلا سادات اولیائی..

سرودهٔ : شاعر خاندان امامت علیهم السلام

خانم سهیلا سادات اولیائی

(از شهرضا)

>> جانشین خاتم

ای امیر رزمگاه بدر و خیبر ، یا علی

ای یتیمان عرب را سایه گستر ، یا علی

ای تو را جبریل گوید در اُحد با افتخار

« لا فتی الّا علی ، لا سیف الّا ذوالفقار »

شهپر جبریل گسترده ست زیر پای تو

روز فتح مکه بر دوش محمد جای تو

جانشین خاتم ! ای دست تو بالا در غدیر

بعد او ، اول تویی ، تنها تویی ما را امیر

کشتیِ دین را در این طوفان وحشت ، لنگری

معنی اِنّا فَتَحنا ، بو ترابی ، حیدری

با تو دین مصطفی کامل شد و نعمت تمام

آیه ی اِکمال در شأن تو آمد ای امام

در هیاهوی هوس هنگامه ای دیگر زدند

ابن ملجم ها چو بر فرق علی خنجر زدند

صبح صادق سر زد اما داغ آدم تازه شد

آسمان ، اشک عزا بارید و ماتم تازه شد

خلوت محراب شد از خون حیدر لاله گون

محشر کبری بپا شد ، گشت مولاغرق خون

نخل های کوفه از غم مو پریشان کرده اند

رودها افتان و خیزانگشته ، طغیان کرده اند

چارده قرن است انسان راه را گم کرده است

در شب و بهت بیابان ، ماه را گم کرده است

چارده قرن است خون از فرق حیدر می چکد

اشک از چشم یتیمان پیمبر می چکد

چارده قرن است داغت تازه تر از پیش تر

زخم های مانده بر دلها ز داغ تریشتر

چارده قرن است انسان بی تو تنها ، بی پناه

غرق در کابوس های تلخ و درد و اشک و آه

ماه زانو می زند پیش نگاهت یا علی

آفتاب ، آیینه دار روی ماهت یا علی

*****

ص: ۱۳۱

چهارده قرن محور حقی / امیر ایزدی همدانی (ایزدی)

سرودهٔ : شاعر و مداح دلباخته اهل البیت علیهم السلام

آقای امیر ایزدی همدانی (ایزدی)

>> چارده قرن ، محور حقی

هست هستی ، رهین منّت تو غرق در قلزم کرامت تو

خانه زاد خدای لم یولد کعبه شد محترم به حُرمت تو

به خدا نیست در جهان چیزی بهتر از نعمت ولایت تو

گر چه بگذشته است تا امروز چارده قرن از شهادت تو

نام نیکت هنوز بر لبهاست ای که باشد کرم ، سجیّت تو

چارده قرن ، شاعران بزرگ شعر گفتند در مدیحت تو

چارده قرن ، این جهان تشنه است بهر یک جرعه از عدالت تو

چارده قرن ، قصه های عجیب نقل کردند از قضاوت تو

چارده قرن ، با خدای کریم بوده در قلب ها ، اقامت تو

چارده قرن ، معترف بودند دشمنان نیز بر فضیلت تو

چارده قرن ، محور حقی مانده نشناخته ، حقیقت تو

چارده قرن ، شیعه با دل خون اشک بارد به یاد غربت تو

کوری چشم خیل بدگویان هست قرآن ، گواه عصمت تو

هست تنزیلِ آیۀ تطهیر سند محکم طهارت تو

ص: ۱۳۲

نامه ات بهر مالک اشتر

بود برنام□ حکومت تو

صاحب چند رجعتی ، آری

با شکوه است صبح دولت تو

ایزدی روز و شب ز حق خواهد

که کند درک ، عهد رجعت تو

*****



ص: ۱۳۳

سبز پوش / دکتر حسین محمدی مبارز (ایلیا)

سرودهٔ : شاعر خاندان ولایت علیهم السلام

دکتر حسین محمدی مبارز (ایلیا)

(استاد و مدرس دانشگاه قم)

>> سبز پوش

نور می بارید از لبهای او بر سجده گاه

می چکید از سجده گاهش روی دوشِ شب ، پگاه

خوش به حال شب ، که از تقسیم روزی سالها

میوهٔ راز خدا می چید از لب های ماه

ماه کم کم از زمین تا کعبه گاه نور ، رفت

از همان شب ، روزگار روشنایی شد سیاه

ایل آتش ، تا تنور جان او را سرد کرد

سفره های خالی ایتام ، پُر شد از نگاه

شرم بر انسان ، که تنها چاه از عمق وجود

از امیر غصه ، می نوشید جرعه جرعه ، آه

شاید او از اینکه دشمن هم نگردد شرمسار

می سپرد اندوه چندین ساله را نم نم به چاه

سبز پوش نسل اخلاص و تبار سادگی

خسته از ایل ریا ، با فکر های راه راه

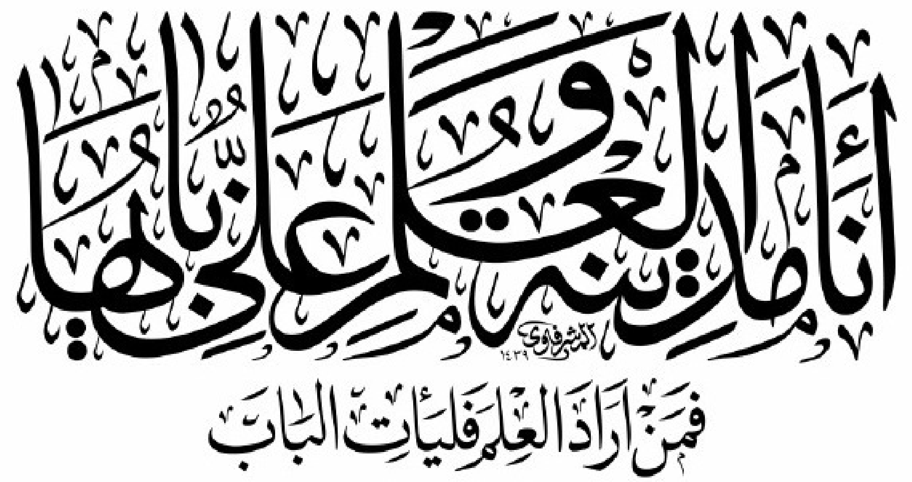
راه را گم کرد انسان ، بر مسیر وَهم رفت

ایلیا را کاش می دید و نمی رفت اشتباه

چارده قرن از دَم فزتُ و ربِّ الکعبه رفت

تکیه کن بر کعبۀ دلها ، بیا ای جان پناه

*****



علی اسوۀ صبر و عدالت / سیّد علی اصغر هاشمی (بقاء)

سرودۀ : شاعر اهل البیت علیهم السلام

آقای سیّد علی اصغر هاشمی

(بقاء)

>> علی اسوۀ صبر و عدالت

چارده قرن از عروج ساقی کوثر گذشت

چارده قرن از بِخون غلطیدن حیدر گذشت

زان سحر گاه سرا پا اشک و ماتم تا کنون

کس نمی داند چه بر اولاد پیغمبر گذشت

هاتفی فریاد زد بن عم احمد شد شهید

ز ین غم عظمی چه ها بر زینب مضطر گذشت

سوخت سر تا پا جهان شیعه در داغ علی

چارده قرنی که موج اشک و خون از سر گذشت

چارده قرن است دین بازیچ□ دست عدو است

آه از این ماجرا فریاد از این سر گذشت

بر مسلمانان ز جور حکمرانانی پلید

ظلم های بی حساب و بی حد و بی مر گذشت

یا علی ای اسو□ صبر و عدالت در جهان

خود تو میدانی چه بر محراب و بر منبر گذشت

ص: ۱۳۶

زادگاهت کعبه جولانگاه نا اهلان شده است

سالیان سال از این غصب شرم آور گذشت

قدس افتاده است در دستان اولاد یهود

بر مسلمانان چه ها زین قوم بد اختر گذشت

گر اطاعت می نمودند از علی بعد از رسول

بر مسلمانان « بقا » هر گز نبود این سر گذشت

******

زان روزکه شدعلی بمحراب شهید

اسلام دگر قرار و آرام ندید

از بعد هزار و چارصد سال هنوز

افسوس که دین اسیرقومی است پلید

******



ص: ۱۳۷

چهارده قرن غمین / رضا رضایی (بی ریا)

سرودۀ : شاعر خاندان امامت

آقای رضا رضایی

(بی ریا)

>> چارده قرن غمین

از جفای ابن ملجم آن ستمکار لعین

غرق خون شد پیکر مولا امیرالمؤمنین

تیغ زهر آلود کین تا بر سر مولا نشست

زد صدا فزت و رب الکعبه با حال حزین

فرق حیدر تا که شد از کینۀ دشمن دو تا

بانگ واویلا به گوش آمد ز جبریل امین

چون صدای قد قتل آمد به گوش از آسمان

شد دل اولاد او با غصه و محنت قرین

لاله گون شد دامن محراب از خون علی

در ره عدل و شرف ، آزادی و احکام دین

شد شهید راه حق ، مولا علیّ و پَر گشود

مرغ روح او ز پیکر جانب عرش برین

دیده بر بست از جهان چون مرتضی شیر خدا

شد دل اهل ولا از داغ آن سرور غمین

ص: ۱۳۸

چشم هر آزاده ای گریان بود تا روز حشر

چون عدالت شد یتیم و بی پناه و بی معین

زان شهادت رفته اکنون چارده قرن و هنوز

شیعیان دارند بر دل داغ آن حبل المتین

« بی ریا » گریند حق جویان ز داغ مرتضی

چونکه گردید او شهید راه قرآن مبین

*****



ص: ۱۳۹

چهارده قرن مظلومیت علی / پرویز بیابانی (بی قرار)

سرود : شاعر با ولایت اهل البیت

آقای پرویز بیابانی

(بی قرار)

>> چهارده قرن مظلومیت علی

چارده قرن بُود شیعه پریشان علی

اهل عالم همگی بی سر و سامان علی

چارده قرن گذشت از غم مولای جهان

ما همه از دل و جان گوش به فرمان علی

چارده قرن علی در نفس پیر و جوان

قلب ما هر تپشش از دم جانان علی

چارده قرن مناجات علی روح افزاست

کوفه و چاه و کمَیل شاهد افغان علی

چارده قرن ستم ها بنگر مانده به جا

ظلم بی حد شده هر دم به محبان علی

چارده قرن شده ظلم و ستم بی حد و حصر

لیک ما در کَنَف لطف فراوان علی

چارده قرن هنوز سایه او بر سر ما

تا ابد جلوه گر است مهر درخشان علی

چارده قرن قرار از همه دلها رفته

« بیقرارم » من و هم مدح و ثنا خوان علی

ص: ۱۴۰

*****

چارده قرن برفته است و علی یاور ماست

عشق ما ، هستی ما، تاج سر و سرور ماست

او بُود حیدر کرار و ، هم او شیر خدا

کوریِ چشم عدو هست که او رهبر ماست

*****



ص: ۱۴۱

گزیده ای از یک مثنوی بلند / محسن اسلامی (پویا)

سرود□ : شاعر نکته سنج و دلباخت□ اهل البیت□

آقای محسن اسلامی (پویا)

(از اصفهان)

>> گزیده ای از یک مثنوی بلند که مشتمل بر یکصد و ده بیت می باشد

باز دریای دلم طوفانی است

آسمانِ چشم من بارانی است

کرده گل ، آتشفشان در سینه ام

دودِ غم می روید از آئینه ام

امشب از دلخستگی ها خسته ام

در تب آئینه آهی بسته ام

معبدی وا کرده ام بر روی خویش

پرسه امشب می زنم در کوی خویش

پُشت افکارم کسی در می زند

دل درون سینه پر پر ، می زند

گاهگاهی در توهّم می شوم

در دل تاریخ ها گم می شوم

در میان اینهمه بالا و پست

برق شمشیری به چشمانم نشست

وای از جولان این شمشیرها

از سیاهی های این تقدیر ها

ای خدا ای مهربان معبود پاک

محو کن شمشیر را از روی خاک

ما به چندین نسل از شمشیر و خون

زخم ها خوردیم در طیّ قرون

کربلا در سینه ی صد چاک ماست

ریشه های نینوا در خاک ماست

ما بنای اشک را بگذاشتیم

بذر های عشق را ما کاشتیم

ناله ها در پرده ای از نقش خون

میکِشد دل را به صحرای جنون

لاله ها در دشت توفانی شده است

آسمان در آسمان فانی شده است

ص: ۱۴۲

زخمی اما همچنان بی مرهم است

زخمی از شمشیر ابن ملجم است

همچنان اندیشه های جاهلی

می زند شمشیر بر فرق علی

بار الاها عرصه بر ما تنگ شد

روح شبنم در تن ما سنگ شد

چارده قرن است با خونین دلی

شیعه در سوگ است از داغ علی

چارده قرن است عالم خسته است

ماه هم رخت از فلک بربسته است

چارده قرن است با شمشیر کین

خون مولا ریخت بر روی زمین

گرچه فخر نسل آدم ، مرتضاست

اولین مظلوم عالم مرتضاست

ای قلم ای راز دار هر کتاب

با وضو بنویس نام بو تراب

مردی از خورشید پُر آوازه تر

از هزاران خنده ی گل تازه تر

مرد میدان ، مرد مردم ، مرد مرد

مرد عرفان ، مرد دانش ، مرد درد

ای گل نام تو فوق نام نور

نور صادر گشته از ارحام نور

نور فی الاصلاب یعنی ذات تو

گوهر نایاب یعنی ذات تو

ای سپرده سر به تقدیر خدا

ای علیّ مرتضی شیر خدا

ای وجودت هر دو عالم را حیات

اعتبار آیه ی ذکر و زکات

مجری احکام قرآن یا علی

فجر عالمگیر جانان یا علی

یا علی ، اندیشه ی من پاک نیست

ذهن من در وادی ادراک نیست

یا امیرالمؤمنین دستم بگیر

تا نلغزم در ، مراعات النظیر

مطلع این مثنوی یاد تو بود

نیت من شرط امداد تو بود

ص: ۱۴۳

من تو را در شعر ، دعوت می کنم

بار دیگر با تو بیعت می کنم

بعد تو ای باب رحمان و رحیم

چارده قرن است آدم شد یتیم

چارده قرن است عالم بی علی است

همچنان حیران دشت جاهلی است

در نجف شیر زمان ها خفته است

چارده قرن است شب ، آشفته است

دشمن تو ، از حقیقت عار داشت

هم خدا را هم تو را انکار داشت

از خدا تا خاک ردّ خون توست

تا قیامت دین حق مدیون توست

زخم دیدی ، تا که دین ، کاملشود

تیغ خوردی تا جهان عادل شود

چارده قرن است روز ما شب است

لحظه لحظه جان شیعه بر لب است

چارده قرن است در این خاک و آب

نیست دیگر رد پای آفتاب

چارده قرن است بی خورشید پاک

آدمیّت مانده در قعر مغاک

یکهزار و چارصد سال است ما

وارث دردیم ، دردی بی صدا

در دل ما ، صد قیامت ماجراست

چارده قرناست ، باغم ، آشناست

سیل غم آئینه ها را برده است

گریه کن زیرا که عالم مردهاست

این غم ظاهر غم بیرون ماست

آن غم پنهانولی در خون ماست

گاهی این غم نیز غوغا می کند

درد ما را خوب معنا می کند

درد ما درد جهانی بی علی است

شِکوهٔ ما از زمانی بی علی است

بی علی اندیشه ها تاریک شد

شاهراه کهکشان ، باریک شد

چارده قرن است بی مولا شدیم

چارده قرن است ما تنها شدیم

ص: ۱۴۴

چارده قرن است ز آن محراب پاک

خون حق جاریست براقصای خاک

چارده قرن است با حالی نژند

ناله ی زهراست پشت در بلند

چارده قرن است دست کینه ها

زهر ریزد در دل آئینه ها

چارده قرن است با سر نیزه ها

می رود خورشید ها بر نیزه ها

چارده قرن است تا در قصر ظلم

هست زینب خطبه خوان عصر ظلم

چارده قرن است از کرب و بلا

می رسد فریاد (ادرک یا اخا)

چارده قرن است کفر از هر کنار

هست رو در روی خشم ذوالفقار

چارده قرن است گریانیم ما

بندی شام غریبانیم ما

گوش کن این ناله با دل آشناست

انعکاس لابه های مرتضی است

ای میانِ ناگهان ها ناپدید

در کجا باید تو را بی پرده دید ؟

ای شکوه آیه های معنوی

روزنی بگشای بر این مثنوی

تا که شعرم شعر روحانی شود

سایه ای از نور رحمانی شود

بی علی نام و نشان از ما مپرس

(حال ما بی آن مه زیبا مپرس)

(هر کسی کو دور ماند از اصل خویش)

(باز جویدروزگار وصل خویش)

(باز باش ای باب رحمت تا ابد)

(بارگاه ما لهُ ، کفواً احد)

تا به راه پاک تو « پویا » شویم

با علی باشیم تا معنا شویم

ص: ۱۴۵

سحرگاه خونین / سید ابو تراب هاشمی (تراب)

سرود : شاعر خاندان امامت و ولایت

سید ابو تراب هاشمی

(تراب)

>> سحرگاه خونین

در رثای مرتضی گویم سخن لیل و نهار

خون ببارد از دو چشمم روز و شب بیاختیار

دامن محراب از خون علی شد لاله گون

در جنان زهراپریشان گشت و بی صبر و قرار

از سقیفه بازگشتِ جهل و کفر آغاز شد

دشمنی با مرتضی گردید زآنجا آشکار

تا علی رفت از جهان نامردمی آغاز شد

دفن شد با او عدالت شد جهان دار التبار(۱)

یا علی گفتی به چاه کوفه از درد نهان

چاه ها گریان شد از آن راز تا روز شمار

پادشاهی تا کند تعمیر پای افزار خویش

چون علی هرگز نبینی و نبیند روزگار

لا فَتی الّا علی آمد به گوش از کائنات

دراُحُدچون فرق دشمن شد دونیم از ذوالفقار

ص: ۱۴۶

۱- جهنم - دوزخ

چارده قرن از سحرگاه شبی خونین گذشت

جاری از چشم فلک خون هم چو ابر نو بهار

فرقش از شمشیردشمن هم چوقرآن باز شد

بسته شد باب علوم از فرقت آن شهریار

می دهد بر قاتلش آنسان غذای خویش را

در کجا گردد کسی اینسان عدو را غم گسار

شیعهرا هر روز اشکاز دیدهجاریبودهاست

از ستم های خوارج چارصد سال و هزار

درمدینه ، قدس ، درمکه ، یمن خون میرود

از گلوی مرد و فرزند و زن و خرد و کبار

سر بُریدن در بَرِ مادر ز طفل بی گناه

شیوه ی آل سعود است و یهود نابکار

شیعه گوید دم به دم اَینَ مُعز الاولیا

تا نماید عدل حاکم آن شه با اقتدار

انتقام از ظالمین گیرد به شمشیر دو دم

هم « تراب » از شوق گردد در رکابش جان نثار

ص: ۱۴۷

آسمان رنگ و بوی فاطمه داشت / علیرضا ترابی

سرود : شاعر ۱۶ساله خاندان امامت و ولایت

آقای علیرضا ترابی

(از اصفهان)

>> آسمان رنگ و بوی فاطمه داشت

آن شب انگار جور دیگر بود

آسمان رنگ و بوی فاطمه داشت

بین اوج سکوت و تنهایی

در دل خود صدا و همهمه داشت

آسمان خم شد و اذانی گفت

این صدا از بهشت می آمد

و علی واژه ای به لب آورد

به نظر « سرنوشت » می آمد

علی آمد نشست در مسجد

خواست در سجده اش « سلام » کند

نخل ها ایستاده اند هنوز

که علی سجده را تمام کند

چارده قرن می شود حالا

که علی بین سجده می ماند

سالها می شود که در سجده ست

امام اولیاء و یار مظلومان / شیخ رمضانعلی جان نثاری

سرودهٔ : مدرس حوزهٔ علمیه و حافظ کل قرآن

شیخ رمضانعلی جان نثاری (جان نثار)

>> امام اولیاء و یار مظلومان

شد هزار و چار صد سال و هنوز

دیده گریان است و دلها پر ز سوز

در غم مظلوم عالم مرتضی

آن امام و مقتدای اتقیا

آن امام اولیا جان رسول

باب شَبَیّر و شبر زوج بتول

یکهزار و چارصد سال است او

شد شهید از ظلم و بیداد عدو

جز عدالت هیچ تقصیری نداشت

هر چه باطل بود زیر پا گذاشت

خون آن حبل المتین را ریختند

بعد از آن هم فتنه ها انگیختند

آن لئیمان پلید کینه جو

یک به یک کشتند فرزندان او

اولین مظلوم تاریخ بشر

هست و ، کس از او نشد مظلوم تر

یار مظلومان و خصم ظالمان

یاد داد این سیره را بر شیعیان

با ستمکاران دمی سازش نکرد

بود با آنان همیشه در نبرد

شیعهٔ او هم چو او باشد غیور

از زبونی ها و ذلت ها بدور

خطبه های اوست در نهج البلاغ

بهر آحاد بشر همچون چراغ

در معارف بحر بی پایان بود

چون کلامش تالی قرآن بود

از قصار گفته های آن جناب

گشته بر اهل بصیرت فتح باب

هر که درس عدل و داد آموخته

از چراغ او چراغ افروخته

یازده فرزند آن اول امام

پیشوایانند هر یک بر انام

می شود از جهل و گمراهی رها

هر که بر او می نماید اقتدا

از علی بنما اطاعت « جان نثار »

تا که گردی در دو گیتی رستگار

ماتمکده عالم، از غربت این غم / سید محمد مهدی جزائری (خادم)

سرود : شاعر خاندان امامت و ولایت علیهم السلام

آقای سید محمد مهدی جزائری

(خادم)

>> (ماتمکده عالم ، از غربت این غم)

(گوید عزای حضرت مولاست)

(مرثیه خوانش مهدی زهراست)

از بین ارتش احمدی یکسر

آیا رسد به مصاف این لشگر

به اشارتی ز لسان پیغمبر

حیدر ، یگانه فاتحِ خیبر

با این همه تأکید ، از ساحت خورشید

فرقش دو تا از خنجر اعداست

فرمود احمد بعد من اولی

بر کل امّت رهبر و مولا

نشناخت ربّ و هم نبی الّا

ما یَعبُدُ الله البشر لولا

« نفس امیر الدین ، فی عالم التکوین

إنفَصَمَتْ العروه الوثقاست »

نقل از پیمبر در همه متنی

فرمود اَنتَ یا علی منّی

دَمعاتُ حُزنِ مصابکَ عنّی

گوید شهید چارده قرنی

شد خاک غم بر سر ، در ماتم حیدر

این باوری در عالم معناست

این نکته بشنو از لب حیدر

شاهی که باشد شیعه را رهبر

از کل عالم بعد پیغمبر

داغی ندیدم چون غم کوثر

ص: ۱۵۱

کوثر سپاهم بود ، پشت و پناهم بود

قلبش مجسّم در غم حوراست

مولایَ انتَ کعبه الایمان

فی مَدحِکَ قَد أنزَل الفرقان

ایدی المُعَدّی یغصب العنوان

أنتَ امیرٌ ، حاکمٌ سلطان

بشکسته در محراب ، فرق سر مهتاب

از هجر او آتش بر این دلهاست

گو بر حسینش گریه کمتر کن

از فرط شیون مویه کمتر کن

رو از مِحَن رخت عزا بر کن

گاهی نگاهی سوی مضطر کن

زینب کند افغان ، در سوز این فقدان

کربُ و بلا هجده گلش منهاست

ما چارده قرن است در سوز غم او

هستیم مهموم از فراق و ماتم او

بر قلب ما شاید بیاید مرهم او

آقا ولیِّ عصر مولای دم او

مولا کند قسمت ، بعد از شب غیبت

در خدمت او مجلسی بر پاست

تا هست ، هستی خون به رگ دارد

در غربت تو اشک خون بارد

« خادم » به سویت خواهشی آرَد

مولا قبولم می کنی یا رد

ای شاهد و مشهود ، من را مکن مطرود

این لطفی از آن ساحت والاست

*****

ص: ۱۵۲

به جز در غربت مولا نسوزیم / عاطفه خرمی..

سرود : شاعر خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام

خانم عاطفه خرمی (از قم)

>> به جز در غربت مولا نسوزیم

هزار و چارصد سال تمام است

که شیعه در پی حق امام است

هزار و چارصد سال پر از آه !

امان از هادیان سخت گمراه !

هنوز از روی تو شرمنده هستیم

و از بغضی عجیب آکنده هستیم

خلاف نصّ قرآن ، این چه حرفی است

امین وحی و هذیان ! این چه حرفی است

مگو از بغض سنگین نهانت

که می بندند با تهمت دهانت

مگو از « وال من والاه » دیگر

مگو از « عاد من عاداه » دیگر

مگو بدر و حنین و خیبرش را

احد را ، غزوه های دیگرش را

که این مردم حسد در سینه دارند

و از عقد اخوت ، کینه دارند

همانهایی که در وهم و خیال اند

همان مردان ! که اشباه الرجالند

نمی گویم از آن دستی که بستند

نمک خورده نمکدان را شکستند

هنوز از کوچه بوی خون میاید

صدای ناله ای محزون میآید

هنوز از « لن تضلوا... » ها نگفتیم

از آن « انَّ الرَّجل » گوها نگفتیم

هنوز از کار ننگینش نگفتیم

هنوز از دست سنگینش نگفتیم

نگفتیم از تبانی ها نگفتیم

نه ... از کفر فلانی ها نگفتیم

اگر چه گفته ایم ، اما نگفتیم

هنوز از غربت زهرا (س) نگفتیم

کسی که پشت در با درد می سوخت

برای غربت یک مرد میسوخت

کسی که سوخته تا ما نسوزیم

به جز در غربت مولا نسوزیم

چهارده قرن شهادت / عباس شاهزیدی (خروش اصفهانی)

سرود : شاعر ادیب خاندان رسالت علیهم السلام

آقای عباس شاهزیدی

(خروش اصفهانی)

چهارده قرن شهادت

انوار شب قدر گرفته است جهان را ؟؟؟

یا قدر علی داده فضیلت رمضان را

رمز رمضان است علی تا بکشد دوست

در سلسل بندگی اش هر دو جهان را

امشب همه جا ذکر « الهی بِعلی»

تا صبح گرفته است زمین را و زمان را

می رفت و به دنبال سرش ماه روان کرد

همراه دل سوخته ، چشم نگران را

ای کاش نمی داد مؤذن سحر امشب

در لحظ لاهوتی محراب ، اذان را

با این همه در چهر افروخته اش هست

وجدی که بریده است زبان هیجان را

در سفر افطار علی نان و نمک بود

مدیون خودش کرد علی ، سفر نان را

ص: ۱۵۴

گفتم بپرم سمت مدیحش که پرم سوخت

من تاب نمی آورم این کوه گران را

امسال در این چاردهم قرن شهادت

داغ تو به هم ریخته ارکان جهان را

وقتی که بنا نیست بدانیم علی کیست

خوب است ببندیم در این باب دهان را

*****

محراب شبیه باغی از لاله شده است

با بغض بهار شیعه همناله شده است

امسال درست در شب نوزدهم

این بغض هزار و چارصد ساله شده است

« خروش اصفهانی »

*****

رباعی / مهدی جهاندار

مستقبل از گذشته تا حال غریب

تنهای به تفصیل و به اجمال غریب

کی فصل غریبی تو سر می آید

ای مرد هزار و چارصد سال غریب

« مهدی جهاندار »

*****

چارده قرن است دارد شیعه میسوزد / حاج احمد خوانسالار

سرود : شاعر مکتب اهل البیت

حاج احمد خوانسالار

(از داراب فارس)

>> چارده قرن است دارد شیعه می سوزد

خطبه ی خورشید خم در حال استقبال ها

بر اساس آیه ها ، مبنای استدلال ها

وحی خواهد ، تا بگوید الذین آمنو

انتظارم از شما باشد بدین منوال ها

در امانت بر شما باشد کتاب و عترتم

بعد من هرگز مبادا بشکنند این بال ها

این سفارش امتم را در تمام قرن ها

با تمسک بر علی عالی شود آمال ها

در غروب زود هنگامی که دارم بعد از آن

ماه تابد تا نیفتد پای در گودال ها

هر که من مولای اویم این علی مولای اوست

بعد از این باید شود از مرتضی اقبال ها

حرف حق در گوش آنانی که می خواهند خود

میخ چون در سنگ بود و آب در غربال ها

گل زمین افتاد و اما خارها در نقش گل

آه ، از این فتنه ها ، نیرنگ ها ، اغفال ها

در سقیفه می خورد بر سینه سنگ رسم ها

تا که در سیر اصیل دین شود اخلال ها

در مسیر انتصاباتی که در شورا شود

امت از چاله در آید می رود در چال ها

این خواص بی بصیرت کاش در دنیا نبود

تا نباشد شیو□ آنها بدین منوال ها

مصلحت بیند علی ساکت شود تا سال ها

ماه پنهان گردد و ، شعبان رسد ، شوال ها

نیزه با قرآن ناطق در جدال افتد چنان

اشعری ها را فریبد حقه ی دجال ها

در قیاس کشته های بدر یا جنگ احد

متهم باشد علی ، مظلوم آن رجّال ها

کاش گیسوی شبی اینقدرها یلدا نبود

تا علی تنها نماند سالیان سال ها

*****

گرد باد فتنه ها اینگونه شد آغاز و بعد

بسته شد راه حقیقت ، باب بدعت باز و بعد

چهره ماه درخشان پشت ابر تار رفت

بر گلویش استخوان ها در دو چشمش خار رفت

سالها با جام زهر مصلحت مولا علی

می دهد حتی به آنها مشورت مولا علی

غوره شد حلوا و شیرین سرکه های صبر نیز

رفت ابر و ماه بیرون از حجاب ابر نیز

تا که نوبت ، نوبت مولای انسان ساز شد

در مدینه فتنه های تازه ای آغاز شد

میوه این فتنه ها تا سوی دوزخ می شتافت

ابن ملجم فرق خورشید عدالت را شکافت

چارده قرن است دارد شیعه می سوزد ولی

چارده قرنی که دارد شیعه می گوید علی

هر چه در دین انحراف از اصل باشد در مسیر

بذرش از شوراست ، دارد ریشه در بعد از غدیر

آری آری ، خشت اول گر نهد معمار کج

مطمئناً تا ثریا می رود دیوار کج

*****



ص: ۱۵۸

خادم درگاه حیدر / محسن درویش....

سرود : شاعر خاندان رسالت علیهم السلام

آقای محسن درویش

(از اصفهان)

>> خادم درگاه حیدر علیه السلام

هر که از جان خادم درگاه حیدر می شود

از تمام پادشاهان جهان سر می شود

در سر عاشق در آن محفل که ذکر یا علیست

شوق دیدار نجف چندین برابر می شود

هر کسی با هر مرام و مسلکی ، دارد به دل

مهر او را ذره ای ، با ما برادر می شود

چونکه نامش را به روی تکه سنگی حک کنند

ارزش آن بیشتر از لعل و گوهر می شود

در دعای خود چنین گفتیم یا رب باز هم

سجده بر خاک نجف بر ما میسر می شود

هر زمان که می نشیند روی لب نام علی

در دهان تبدیل به قند مکرر می شود

بردن نامش به عنوان امیر المؤمنین

باعث خشنودی قلب پیمبر می شود

ص: ۱۵۹

عاشقی می گفت که ، چون نام فرزندم علیست

تا صدایش می زنم منزل معطر می شود

چون خدا تقدیر عالم را به دست او نهاد

آنچه می خواهد علی بر ما مقدر می شود

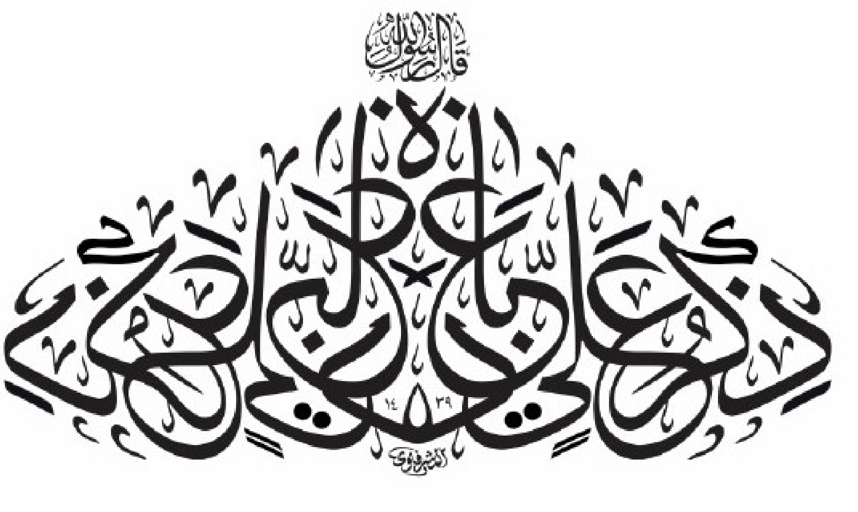
شیعیان از غربت و تنهایی مولای خود

چارده قرن است که،چشمانشان تر می شود

خوش به حال آن کسی که قسمتش دیدار او

روز محشر در کنار حوض کوثر می شود

*****



ص: ۱۶۰

ضربه های زخم زبان ها / روزهای زرد/ سوره های طوفانی/ فرهنگ دشتی

سرودهٔ : شاعر خاندان امامت علیهم السلام

آقای فرهنگ دشتی

(از آبادان)

>> ضربه های زخم زبان ها

گرفته ابر ظلمت روشنای آسمانت را

نمی پرسد کسی در کوچه ها حتی نشانت را

غریبی آنقدر این روزها در بین مردم که

کسی جز چاه تنهایی نمی فهمد زبانت را

گمانم ضربهٔ زخم زبان ها آنقدر کاری است

که در این نیمه های شب ، شکسته استخوانت را

تمام نخل های کوفه این را خوب می دانند

که بر لب میرساند بغضها هر روز جانت را

غدیرت را کدامین واقعه در مشت پنهان کرد

که حالا چارده قرن است می گیرد امانت را ؟

چه طوفانی وزید از زوزهٔ این گرگ های پست

کدامین جرات شمشیر می بندد دهانت را ؟!

تو را با حسرت محراب تنها می گذارم که

ببیند آسمان در آسمان رنگین کمانت را

*****

>> روزهای زرد

مرد می خواهد بفهمد معنی این درد را

درد می خشکاند آخر ریشه های مرد را

کوه در تلواسه ای از اشک و نفرت شعله ور

تجربه می کرد در آن لحظه آهی سرد را

سایه ای خورشید را در کوچه سیلی می زند

بر نمی تابد کسی این روزهای زرد را !

مرد با آن بغض های پشت در جا مانده اش

می تکاند از تنی بی جان غبار و گرد را

یادش آمد روزهای آخر این زندگی

گریه های ممتد و تلخی که زن می کرد را

چارده قرن آسمان ، با اشک هایش اشک ریخت

تا بلوغ تازه ای از ریشه های مرد را ...

بعد از او دیگر سلامش را کسی پاسخ نداد

بشکند دستی که در او کاشت داغ و درد را

*****

ص: ۱۶۲

>>سوره های طوفانی

ای بشر فوق هر بشر ، ای عشق پنج نوبت طلوع نورانی

ای معمایی شگفت انگیز ، وارث سوره های طوفانی

می کشی دردهای دنیا را ، چارده قرن روی دوش خودت

بس که در چشم های تو پنهان ، شده مفهوم های عرفانی

چاه در پیچ و تاب می افتد ، نیمه شب ها که اشک می ریزی

عطش نخل ها فراوان است ، پای آن چشم های بارانی

گام های نجیب و موزونت ، توی این کوچه های بی احساس

مثل رنگین کمانی از فانوس ، می کند کوفه را چراغانی

خسته می آیی از دل صفین ، نهروان و جمل به دنبالت

مالک از تو غبار می گیرد ، بعد از این راه های طولانی

*****

چهارده قرن گل افشان محراب / اصغر رجبی..

سرود : شاعر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام

آقای اصغر رجبی

(از کاشان)

>> چهارده قرن گل افشان محراب

کعبه ، کعبه شده با روح رهایی که علی است

که معطر شده در حال و هوایی که علی است

چهارده قرن گل افشان شده محراب اگر

میهمان بوده در آن ، عرش علائی که علی است

هر چه خوبی که در این عالم خاکی پیداست

شده آغاز از آن سنگ بنایی که علی است

شد اگر پنجره ای باز به سمت ملکوت

دل و جان داده به آن عشق و صفایی که علی است

جبرئیلی که خودش همدم پیغمبر بود

معتکف بوده در آن غار حرایی که علی است

آنچه طوبای دل آرای وصالش نامند

گل باغی است که از مهر و ولایی که علی است

صبح اگر در حرم دوست تنفّس می کرد

شده سر مست از آن باد صبایی که علی است

این سعادت که در اقلیم وفا می جویند

سایه ای بوده از آن فرّ همایی که علی است

بی گمان این سخن حضرت ذوالقرنین است

خضر سیراب شد از جام بقایی که علی است

گُل گلزار طراوت ثمر قلب رسول

آبرو یافته از حجب و حیایی که علی است

نه فقط مالک اشتر که ابوذر بسیار

مثل سلمان شده در صحن و سرایی که علی است

این مباهات بهشت است که آهنگ درش

هست آهنگ خُوش شور و نوایی که علی است

ساکنان همۀ عرش خدا می دانند

مستجاب است در آن ذکر و دعایی که علی است

مرحب و عبدود و هر که به جنگش آمد

شده بیچاره در آن لحظه و جایی که علی است

آه ای چاه ، در آیینۀ تو افشا شد

غربت عالم و آدم به صدایی که علی است

روز محشر که برادر به برادر نرسد

دلخوشم من به همان راهنمایی که علی است

*****

رباعی / علی پاکدامن (روضه خوان)

سرود : شاعر خاندان رسالت

علی پاکدامن (روضه خوان)

(از مشهد مقدس)

شیعه با عشق امام خود قیامت می کند

با کلام وحی اثبات امامت می کند

یکهزار و چارصد سال است بر دلهای ما

کوری چشم عدو حیدر زعامت می کند

*****

و الله مرا علی امیر است در ارض و سما علی امیر است

تنها نه همین چهارده قرن تا هست خدا علی امیر است

*****



ص: ۱۶۶

هزار و چارصدسال است / علی اصغر رجب زاده (زهیر کاشانی)

سرود : شاعر خاندان رسالت علیهم السلام

آقای علی اصغر رجب زاده

(زهیر کاشانی)

>> هزار و چارصد سال است ...

هزار و چارصد سال است دنیا غرق بهت تلخ و بی پایان

میان سینه اش بغض جهان سوزی است از زخم سحرگاهان

هزار و چارصد سال است تیغ کینه بین هاله ای از جهل

ز خون رنگین نموده بین محراب عبادت صورت قرآن

هزار و چارصد سالاست که ، دلواژ فزت و رب الکعبه میگوید

فرود آمد تمام کفر ، در اوج قساوت ، بر سر ایمان

هزار و چارصد سال است لرزاندند ارکان هدایت را

جهالت پیشگان شب پرست خارج از دین فاسد از بنیان

هزار و چارصد سال است گوشِ آشنای چاه در حسرت

به دنبال صدای خست بیدار تنهای غریبستان

هزار و چارصد سال است در پس کوچه ها دیگر نمی پیچد

به هنگام عبور مرد بُرقع پوش ، عطرعشق و بوینان

هزار و چارصد سال است نابینای در کنج خرابه آرزو دارد

بگیرد از دو دست مهربانش ، بار دیگر ، لقمه ای احسان

ص: ۱۶۷

هزار و چارصد سال است بعد از آن شب پر ماجرا ، عالَم

نشسته چشم بر راه عدالت ، همره شب های نخلستان

هزاروچارصد سال است کرسِیّ قضاوت جور دیگر می شود تعریف

ترازوی عدالت حرفِ شاهینش شده ، مجهول و نامیزان

هزار و چارصد سال است عالم پُر شداز تبعیض و ظلم و ناجوانمردی

چراکه کشته شد اصل جوانمردی ، به دست فرقهٔ شیطان

« زهیر » شعر، با تیغ غزل از خیمه بیرون زد ، ولی اینبار

به عشق شاهکار بی نظیر کردگار قادر منان

*****



گذشت چارده قرن از روز خونین / فضل الله شیرانی (سخای اصفهانی)

سرودهٔ : شاعر ادیب و نکته سنج مکتب اهل البیت علیهم السلام

آقای فضل الله شیرانی

(سخای اصفهانی)

>> گذشت چهارده قرن از روز خونین

هر کسی دست تولّا زد به دامان علی

فیض کامل یافت از دریای احسان علی

عاشقان دانند دل را جلوه گاه مهر او

عارفان هستند مست جام عرفان علی

رستگاری را برای خود میسر می کند

آنکه سر را می نهد در خطّ فرمان علی

در کتابش می توان آموخت اخلاص عمل

معنی آیات قرآن است دیوان علی

جانفشانی های او در عرصهٔ ترویج دین

شرح گویایی است از ایثار و ایمان علی

بسکه هر سو سفرهٔ احسان او گسترده است

سفره داران جهان هستند مهمان علی

بود نور حق در او جاری که سر زد همچو گل

یازده نور ولایت از گلستان علی

ص: ۱۶۹

در دل محراب ، در حال عبادت شد شهید

چون نمی شد هیچ دشمن مرد میدان علی

طی شد از آن روز خونین چارده قرن و هنوز

می درخشد در جهان نام درخشان علی

در تمام عُمر باشد افتخار من « سخا »

اینکه هستم از صمیم جان ثنا خوان علی

*****

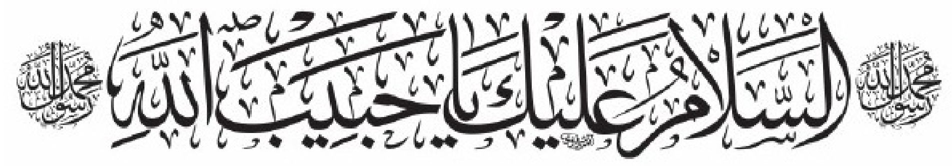
ما را به جگر داغ نهان ، داغ علی است

جانسوز ترین داغ جهان ، داغ علی است

داغی که پس از چهارده قرن هنوز

مانده است به جان شیعیان ، داغ علی است

*****



ص: ۱۷۰

خدای عدل و مروّت / استاد حسین سرور اصفهانی

سرودۀ : شاعر خاندان رسالت علیهم السلام

استاد حسین سرور اصفهانی

(سرور)

>> خدای عدل و مروّت

گذشته است کنون از شهادت مولا

چهارده صده از دوره های این دنیا

علی که نور جمال و جلالتش می رفت

در آن زمانه مدام از زمین به عرش علا

شکوهمند ترین مرد روزگار علی

که در جهان نتوان یافتن بر او همتا

خدای عدل و مروّت ، علی ولی الله

که مثل او به عدالت نمی شود پیدا

یگانه مظهر ذات خدای عزوجل

شهید گشت در آن دورۀ محن افزا

سزد به ماتم او ناله سر کنیم مدام

شویم با همۀ کائنات غرق عزا

چرا ز دیده نباریم ، اشک غم دائم ؟

که شد شهید امامی که بود اصل بقا

ص: ۱۷۱

شهید گشت و عزادار شیعیان گشتند

شدند غرق غم و ناله ها و آه و بکا

ز دیده خون بفشانند جمله خلق جهان

که چارده صده گشته ز داغ او غوغا

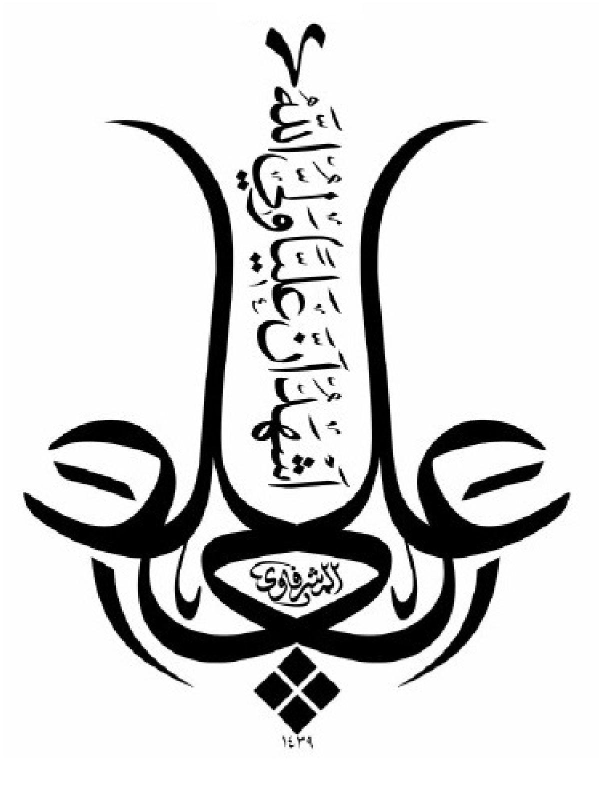
هنوز داغ علی بر جگر زند آتش

اگرچه قرن ها گذرد زین مصیبت عظما

سروده است « سرور » این سرود غمگین را

که در زمانه بماند به یاد او برجا

*****



ص: ۱۷۲

سلام بر علی / حاج آقا فریدون آقا لَر (سفیر)

سرود□ : شاعر با اخلاص خاندان ولایت□

حاج آقا فریدون آقا لَر (سفیر)

>> سلام بر علی

شهی که تیغ دو دَم در یَدِ کفایت اوست

صدای عدل ، طنین افکن عدالت اوست

همای قله ی عزّت ، ادیب مکتب عشق

شکوهِ جلوه ی حق در خور صلابت اوست

زعیم عدل و وِداد و امیر کشور دین

رضای حضرت حق ، غایت رعایت اوست

عطا و جود و سخا جرعه نوش ساغر وی

کَرم ، نَمی زِ یمِ وسعتِ کرامت اوست

به عدل و داد و دهش شهره گشته نام علی

بنای مَحکمه ی عدل ، از قضاوت اوست

کتاب نهج بلاغه ، بکن مُرور و ببین

سراج روشن دین مَظهر ولایت اوست

زمان رزم ، شجاع و دلیر و شیر افکن

به گاه خطبه ، سخن ، مست از بلاغت اوست

علی قوی و ، علی قاطع و ، علی اَشجع

هراس دشمنِ دین ، از یَد کفایت اوست

به روی مَسند قدرت ، به کفش پینه زنَد

رفاهِ جامعه ، سر لوحه ی زعامتِ اوست

ص: ۱۷۳

نگین پادشهی بخشد از کرم به گدا

که عقل واله و حیران از این سخاوت اوست

ببین سلامتِ نفس و ، کرامتِ آن شه

کند سفارش قاتل ، که در اِسارت اوست

به کعبه شد متولد ، شهید در محراب

نشانه ی شرف و عزّت و اَصالت اوست

به مسجد و شبِ قدر و ، به حالت سجده

شهید درگهِ حق گشتن از سعادت اوست

بریز اشک اسف ، شیعه ! در عزای علی

سرشک دیدۀ تر مرهم جراحت اوست

بنای شیعۀ مولا که چارده قرن است

تمام خلق جهان تشنه عدالت اوست

رُبود حقِ علی را عدو اگر نا حق

سکوت و خانه نشینی هم از درایت اوست

بناز شیعه بر این رهبر بلند مقام

که مجد و عزت و فخر تو از شرافت اوست

سِزد که از دل و جان پیروِ علی باشی

وظیفه ی همگان در پی رسالت اوست

بخوان تو شعر « سفیر » و ببین عنایت حق

که همچو ران ملخ هدیه ای به ساحت اوست

شمشیر عدالت / حسن احمدی (شائق اصفهانی)

سرود□ : شاعر خاندان امامت علیهم السلام

آقای حسن احمدی

(شائق اصفهانی)

>> شمشیر عدالت

چرا خورشید کوفه از افق سر برنمی دارد

سَر،آن مهرجهان آرا زِ بستربرنمی دارد

خدارا ، چارده قرنست عدالت را عدو گشتند

چراشمشیر را شاهی چو حیدربرنمی دارد

چرا آن زنده رود پرخروش شیعیان خشکید

مگراین چشمه آب ازحوض کوثر بر نمی دارد

زِ دست ساقی مستان چرا دردی کش فیضی

دگر باحالت مستانه ساغر بر نمی دارد

دگر چاهی ز یاری بادلی محرم نمی گردد

ز داغ مرتضی نخلی زِجان سربرنمی دارد

بنازم همت شاهی که بهر قاتل خود هم

ز مهر و عاطفت تیغ دو پیکربرنمی دارد

چرا دستی نوازشگر نباشد بر سر طفلی

چراپایی بیاری کس چو حیدر برنمی دارد

علی هرشب به یاری راه صدویرانه را پیمود

چرا شاهیچو حیدر سر ز بستر برنمی دارد

چرا سلمان و بوذر در کتابی گشته پنهانی

بلالی نعرۀ الله اکبر بر نمی دارد

دل طوفانیم امواج خون شد از غم مولا

چرا این زورق سرگشته لنگر برنمی دارد

اگر « شائق » چو میثم بر سر دار از زبان افتد

علی را دست از دامان ، چو قنبر ، بر نمی دارد

*****

ص: ۱۷۵

مخزن الاسرار /حمّدرضا کاکائی (شفا)

سرود□ : شاعر بزرگوار خاندان امامت□

آقای محمّدرضا کاکائی

(شفای اصفهانی)

>> مخزن الاسرار

عشق را باید به چشم میثم تمار دید

واقف سرّ شد ، علی را مخزن الاسرار دید

مست از صهبای نور ، آئین□ توحید شد

لا الهی گشت و الا الله را بر دار دید

در میان زرق و برق سکه های شامیان

چارده قرن عاشقی را در کف عمّار دید

همچو مالک در صف صفین شرار شعله شد

تا حدیث جهل را بر نیز□ انکار دید

چاه شد ، تصویر مظلومیّت خورشید را

در نگاه اشکبار حیدر کرار دید

سین□ گنجین□ اسرار را تا صبح حشر

زخمیِ جهل و جنون ، بین در و دیوار دید

همچنان در آستینِ مکر عمروعاص ها

از فریب و فتنه و دنیا پرستی مار دید

چارده قرن ابن ملجم ماند و بغض و کینه را

در شب محراب ، غرق باورِ تکرار دید

یا علی ما شیعه نه ، تنها به نام شیعه ایم

می توان این درد را در بین ما بسیار دید

ص: ۱۷۶

*****

چارده قرنی که ما هرگز تو را نشناختیم

زندگی کردیم ، اما عمر خود را باختیم

یا علی گفتیم ، اما با علی همراه ، نه

بر زبان راندیم لا را ، گرچه ، الا الله ، نه

چارده قرنی که تا امروز جریان داشته است

در سکوت پنجره ، عمریست باران داشته است

*****

تابنده تر از فروغ مهر و ماه است

بر قامت شأن او زبان کوتاه است

خیر البشر تمام اعصار و قرون

خورشید نجف ، علی ولی الله است

*****

با آنکه امیر عشق بودن کم نیست در خانۀ کعبه جای نامحرم نیست

امروز پس از چهارده قرن هنوز مظلوم تر از علی در این عالم نیست

*****

هر جا که سخن ز روی مهر و ماه است

دلها به صراط معرفت آگاه است

در دفتر عشق تا ابد نام علی

پیوستِ محمدٌ رسول الله است

(شفای اصفهانی)

ص: ۱۷۷

ندای قد قُتِلَ / نقطه پرگار عالم امکان / مصطفی هادوی (شهیر اصفهانی)

سروده : شاعر خاندان رسالت علیهم السلام

آقای مصطفی هادوی

(شهیر اصفهانی)

>> ندای قَد قُتِلَ

ندای (قد قُتِلَ) بعد چارده قرن

فکند زلزله چون بوتراب را کشتند

شکست پشت زمین زین مصیبت عظما

چرا که مرشد هر شیخ و شاب را کشتند

دریغ و درد که دون همتان نا بخرد

میان ظلمت شب آفتاب را کشتند

رسید نغمه (فُزتُ) ز خاک تا افلاک

چرا که عامل ام الکتاب را کشتند

ز تازیانه شب ، روی صبح زخمی شد

فروغ دیده ختمی مآب را کشتند

حساب روز قیامت مگر ز خاطر رفت

ز فرط جهل که صاحب حساب را کشتند

کسی که عقده گشا بود و باب رحمت بود

دریغ و درد که آن فتح باب را کشتند

ص: ۱۷۸

فغان ز جور ستم پیشگان که از ره کین

ز روی جهل و ستم آن جناب را کشتند

کسی که بحر سخا بود و ابر رحمت بود

به آسمان صفا آن سحاب را کشتند

« شهیر » آتش دل کی دگر شود خاموش

چرا که حامی اسلام ناب را کشتند

*****

نقط پرگار عالم امکان

چو کرد جلوه به عالم جمال لم یزلی

گل بهار شکوفا شد از جمال علی

پس از گذشت زمان بعد چارده قرن

نبوده است به عالم کسی مثال علی

ز وصف و قدر و کمالش چه می توان گفتن

که عالمی شده مبهوت از کمال علی

تمام عالم امکان یکی چو قطره بُوَد

به پیشِ بحر گهر زای بی مثال علی

حیات تازه بجانش دمیده هر که گرفت

ز دست ساقی باقی می وصال علی

ص: ۱۷۹

علی است نقطهٔ پرگار عالم امکان

همه خصال نکو هست در خصال علی

زبان الکن من نقل کی تواند کرد

که هست نقل محافل همه مقال علی

مقام و منزلتش در بیان نمی گنجد

ببین جمال علی و بگو جلال علی

همین بس است « شهیرا » تو را به هر دو جهان

که در سرت بُوَد عشق علی و آل علی

*****



ص: ۱۸۰

نجفت حال معنوی دارد/ با ذکر یاعلی دل ما زنده میشود / سودهٔ صرافچی

سرودهٔ : شاعر خاندان رسالت علیهم السلام

خانم سودهٔ صرافچی

(از اصفهان)

>> نجفت حال معنوی دارد

یک هزار و چهارصد سال است که زمین و زمان نفس گیر است

ابرها هم همیشه منقلب اند ، آسمان گریه دار و دلگیر است

ظلم و کین بین مردمان رایج ، حق مظلوم هم که بی معناست

جای تان خالی است مولا جان ، دولت اینجا بدون تدبیر است

یا علی علم بی شما ، جهل است ، که شما باب علم الانواری

چارده قرن رفته و بی تو ، علم ها جملگی زمین گیر است

می شود کم کنید از سَر ما ، شَرِّ این عالمان وهابی ؟

وقت این جاهلان تکفیری ، روز و شب صرف لعن و تکفیر است

بی شما دست مهربانی نیست ، که نوازش کند یتیمی را

به گمانم که قلب ها سنگی است ، مهربانی به دست تعمیر است

هر چه اطراف خویش می نگرم ، چهره ای از نفاق می بینم

یعنی اینجا تمامِ اعمال ، جلوه ای از ریا و تزویر است

ص: ۱۸۱

دل هر کس به دلبری شاد است ، عاشقِ هر چه غیر معبود است

دل ما هم چهارده قرن است ، در هوای تو پا به زنجیر است

میِ توحیدی ام بده آقا ، منِ وامانده را مسلمان کن

خسته ام از تمام آدم ها ، خسته از هر که اهل تزویر است

یا علی ! تشنه آب می خواهد ، این خمارت شراب می خواهد

دل ، تو را بی حساب می خواهد ، که نفس در هوات اکسیر است

نام تان آمد و هوایی شد ، دل من رفت باب قبلهٔ تو

نجفت حال معنوی دارد ، دل عشاق پیش تان گیر است

*****

با ذکر یا علی دل ما زنده می شود

امشب هوای شعر ، پر از حس مبهم است

شعرم ردیف و قافیه اش ماتم و غم است

امشب دوباره بغض غزل در گلو شکست

احساس و بغض و آه دلم ، هر سه درهم است

امشب چه شد که ساعت غم طی نمی شود ؟

گویی طنین ثانیه ها رنگ ماتم است

ص: ۱۸۲

با ذکر یا علی دل ما زنده می شود

ای جان فدای آنکه مسیحای عالم است

طوفان حزن در دلم آشوب می کند

چون بحر پر خروش ، تلاطم ، دمادم است

میلت به جان و جسم و تن من عجین شده

چون ریشهٔ درخت محبت که محکم است

از حجم داغ عشق تو ، هستم ز دست رفت

زین رو روان ز دیده ام این اشکِ نم نم است

بعد از چهارده صده از داغ تو هنوز

بر چهرهٔ زمین و زمان رنگ ماتم است

بعد از تو چهارده صده در جادهٔ زمان

دنبال ردّ پای تو چشمان عالم است

امشب من آمدم که مرا مال خود کنی

امشب دلم خوش است که دل با تو محرم است

*****

اللهم عجل لولیك الفرج

ص: ۱۸۳

چارده قرن انتظار / زهرا صرامی...

سرود : شاعر اهل البیت علیهم السلام

خانم زهرا صرامی

(از خمینی شهر)

>> چارده قرن انتظار

چارده قرن با تو می گذرد

چارده روز بی تو اما نه

گر چه فردا شبیه دیروز است

رفته دیروز ها و فردا نه

صبر یعقوب گونه ی احمد ...

با تو اما ببین چه ها کردند

نا برادر شدند و نام تو را

از بلافصل او جدا کردند

تاب عدل تو را نیاوردند

آسمان بودی و زمین بودند

نه به راه آمدند و نه در راه

راه گم کرده ها همین بودند

چارده قرن انتظار کسی

مثل تو در جهان ما گم شد

خبر روزگار آمدنش

قند شد در دهان ما گم شد

ص: ۱۸۴

چارده قرن غم تنهایی / علی طریقت...

سرودۀ : شاعر خاندان امامت علیهم السلام

حاج علی طریقت

(از اصفهان)

>> چارده قرن غم تنهایی

چارده قرن گذشت از غم تنهایی ما

رفت شور و شعف و شادی و شیدائی ما

چارده قرن گذشته است که بحر ایمان

شده طوفانی و بی کشتی و بی کشتیبان

چارده قرن گذشت و علی عمرانی

آنکه بُد علت غائیّ و ، به عالم بانی

شد شهید از ستم فرقۀ بی شرم و حیا

غرق خون جامع کوفه شد و محراب دعا

آه از آن روز که در مسجد و هنگام نماز

علی آن خسرو دین بود به صد راز و نیاز

این ندا داد منادی به همه ارض و سما

کشته شد سرور دین ، جان نبیّ ، شیر خدا

همه ارکان هدایت به جهان ویران شد

شیعه آن دم ز جفا بی سر و بی سامان شد

*****

راز سر بستۀ خلقت به جهان بود علی

ظاهر این بود که بر خلق عیان بود علی

قدر این نعمت عظما چو ندانست کسی

نشد او را به جهان همدلی و هم نفسی

قصۀ غربت خود گفت شبی با چاهی

کی خدایی که به اسرار جهان آگاهی

دیگر از غفلت این امت دون خسته شدم

از نفاق و حسد جامعه بشکسته شدم

میل ماندن به جهان گذران نیست مرا

طاقت دیدن این دور و زمان نیست مرا

گفت یا رب که مرا دیگر از این قوم بگیر

هر کسی لایق این قوم بود کن تو امیر

چون دعای اسد الله به اجابت برسید

گاه جانبازی آن شاه ولایت برسید

نالۀ فزت و ربی ، همه جا را بگرفت

غم و اندوه و فغان ارض و سما را بگرفت

*****

ص: ۱۸۶

یا علی ! هر چه به وصف تو بگویند کم است

عاجز از شرح مقامات تو لوح و قلم است

وصف تو گفته به هر آیه خدای تو علی

جان جن و ملک و انس فدای تو علی

کسی از سرّ وجود تو ، علی آگه نیست

عارف حق تو غیر از نبی و اَللّه نیست

مدح تو حدّ من زار و پریشان نبود

برگ سبزی است که در حدّ سلیمان نبود

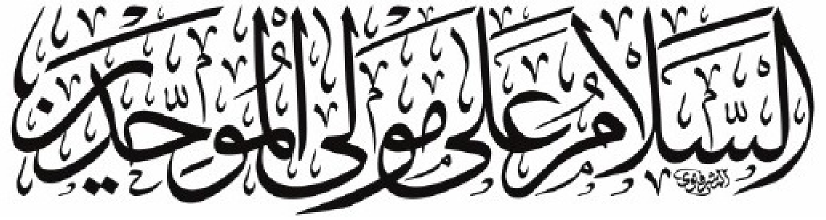
چه کند مفلس بیچاره که باشد دلریش

تحفه ای در خورت ای شاه ندارد زین بیش

سوگوار علی و آل « طریقت » هستم

کمترین شاعر جویای حقیقت هستم

*****



ص: ۱۸۷

در غم فاطمه عزادار است / سعید علامه

سرود : شاعر جوان خاندان امامت

آقای سعید علامه

(از اصفهان)

>> در غم فاطمه عزادار است

میثمانه سرم سرِ دار است

شاعرم دردهام بسیار است

به مقامش زبان شده قاصر

چه خدایی در او پدیدار است

سرنوشتم به عشق خورده رقم

در نوشتن علی همه کار است

و همان دُرِّ در نجف مولاست

و نجف از علی چه سرشار است

در تمام مدینه غیر از چاه

چه کسی راز دار اسرار است

غیر حیدر که باب علم نبی است

چه دری دردمند مسمار است

به خدا دیدنش کمر شکن است

ردِّ خونی که روی دیوار است

چارده قرن رفته است و هنوز

در غم فاطمه عزادار است

*****



ص: ۱۸۸

هزار و چارصدسال تنهایی محض / احمد علوی

سرود : شاعر آل محمد صلی الله علیه و آله

آقای احمد علوی (از قم)

>> هزار و چهارصد سال تنهایی محض

هوای باغ ، زیر چتر مژگانش طراوت داشت

همیشه باغبان نسبت به گل ها ، حسن نیت داشت

نگاه روشن ساقی ، به سمت تاک ها چرخید

نگاهی که به خاک افتاد و ، تا افلاک وسعت داشت

سرم قربان آن ساقی که مستان را به وجد آورد

پرم از حسرت آن خم که سکری بی نهایت داشت

دلم در شب نشینی های زلفش باز بیدار است

مگر در پیچ و خم ها میشود یک خواب راحت داشت

به جای شبنم از هر خوشه ای دُر نجف بارید

چقدر این دانه های بر زمین افتاده قیمت داشت

همان ساقی که کوثر شد خروشان از تماشایش

امیری که شبی روشن تر از صبح قیامت داشت

شبانگاهان فقط با چاه کوفه درد دل می کرد

سحر قبل از نماز اما به ساق عرش دعوت داشت

دمی در حلقه ی پیغمبران در عرش اعلی بود

دمی هم با یتیمان غریب کوفه خلوت داشت

شبیه ماه در تاریکی پس کوچه ها می گشت

به دوشش نان و خرما داشت ، یک دنیا سخاوت داشت

کدامین بنده از خوف خدا مانند او لرزید

کدامین شاه مثل او خبر از حال رعیت داشت

تمام روز در گرمای نخلستان عرق می ریخت

ولی روی لبش یک عمر لبخند رضایت داشت

یتیمان و فقیران و اسیران عاشق اویند

علی با این جماعت سال ها عهد اخوت داشت

کسی که از رکوعش نیز سایل دست پر میرفت

زمان صرف بیت المال بی اندازه دقت داشت

علی اهل یمن را با نگاه خود مسلمان کرد

علی در چشمهای روشنش نور هدایت داشت

ابوذرها و سلمان ها و مالک ها و میثم ها

خوشا آن کس که از نزدیک توفیق زیارت داشت

کسی که با زلال چشمه ساران بود خویشاوند

کسی که با تمام دشت های باز نسبت داشت

من از تفسیر های آیه ی تطهیر فهمیدم

که وقت بردن نام علی باید طهارت داشت

ص: ۱۹۰

علی تفسیر ناب آیه ی یوفون بالعهد است

فقط او این چنین در نذر و در پیمان صداقت داشت

علی ، السّابقون السّابقون السّابقون بوده ست

که انوارش در این عالم هزاران سال قدمت داشت

امیر المؤمنینی غیر از او عالم نخواهد دید

امیری را که قبل از آدم و حوا ولایت داشت

زمین و آسمان را بر سر انگشت می چرخاند

نمی دانم زمانی هم برای استراحت داشت

دروغی بدتر از این را کسی نشنیده در عالم

که می گویند مولا در دلش شوق خلافت داشت

خدا با صوت او با حضرت خاتم تکلم کرد

حدیث محکم معراج را خواندم حقیقت داشت

زبانم لال اگر ایزد به صورت مثل انسان بود

علی تنها علی تنها علی با او شباهت داشت

ولی الله الاعظم مرتضی حیدر ابالایتام

میان آسمانها هم به این القاب شهرت داشت

به دنبال خیانت بود و لبریز از دو رنگی ها

کسی که ظاهراً در محضر او قصد بیعت داشت

از آن نا مرد مردم ، بی وفا مردم

که از اول به بغض و بی وفاییهایشان بسیار عادت داشت

من از فزت و رب الکعبه فهمیدم که بایستی

برای رستگاری دائماً شوق شهادت داشت

چه از مستدرک حاکم چه از تاریخ یعقوبی

که در باب غدیر از حضرت خاتم روایت داشت

چه از صحاح سته ، که به حقش معترف هستند

چه از ارجی که بین عالمان اهل سنت داشت

چه از اعجاز کعبه ، فتح خیبر ، یا که رد الشمس

چه از تقوا و تدبیری که هنگام قضاوت داشت

چه راحت می شود فهمید حق با مرتضی بوده

و تنها او برای جانشین بودن لیاقت داشت

کمیل و جامعه ، ندبه ، امین الله ، عاشورا

همیشه در کنار او دعا شوق اجابت داشت

هزار و چارصد سال است در تنهاییِ محض است

امیری که به عالم دردهایی بی نهایت داشت

هزار و چارصد سال است نخل و چاه می دانند

امام مهربانی ها ، چقدر از داغ صحبت داشت

سرانجام تمام بیت ها را او رقم زد چون

خودش در انتخاب واژه های من دخالت داشت

بیست و یکم شب/ مرتضی کشته شد اما نه به شمشیر /غلامرضا فاتحی

سرود : شاعر خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام

آقای غلامرضا فاتحی

(از اصفهان)

>> بیست و یکم شب

آن شب که زینب کوفه را صحرای تَف دید

یعنی تمام کربلا را در نجف دید

بیست و یکم شب بود یا ظهر دهم بود

این سو و آن سو مادرش را هر طرف دید

از ابن ملجم تا قطام و اشعث و عَمر

آنقدر شمر و زجر و خولی صف به صف دید

بابای خود را رو خضاب از خون سر دید

عباس را در معرض تیر و هدف دید

می رفت او ممسوس فی ذات خداوند

گاهی که اکبر را به میدان در شعف دید

دشمن عروسی داشت پای رأس قاسم

هر گوشه ای بزم شراب و رقص و دف دید

صفین ، قرآن ها به روی نیزه می رفت

در شام ، پای نیزه و سر ، سوت و کف دید

او دین ابراهیم جدّ جدّ خود را

بازیچه ی فرزندهای نا خلف دید

امروز بر دوش پدر ، فردای خود را

ناقه سوار یکّ برج شرف دید

در پیش الرحمن ، کنار لؤ لؤ سبز

مرجان سرخش را نشسته در صدف دید

بعد سه روزی شاعرت در قافیه ماند

تا بوریای بی کفن را بی کنف دید

حالا هزار و چارصد سال است شیعه

آن را که می باید ببیند در نجف دید

*****

مرتضی کشته شد اما نه به شمشیر

خون سر بر روی پیشانی و ابرو جاری

صد و ده بار شب قدر ز گیسو جاری

تا قلم را بگذاری لب بالایی مو

فزت تنها نه به لب ، بلکه ز هر مو جاری

ته شمشیر کمی از لب آن تیز تر است

دست یک مرد عرب باشد و در او جاری ...

ص: ۱۹۴

کینه از حیدر کرار ، قطامی که شود

زهر هم قاعدتا هست از آن سو جاری

شب بیست و یکم ارکان هدی ریخت به هم

صوت زهرایی جبریل و هیاهو جاری

مرتضی کشته شد اما نه به شمشیر ، ز هجر

داغ زهراست چو خون بر روی بازو جاری

چارده قرن تمام است که ما می بینیم

غربت نام علی هست به هر سو جاری

حتما آن ماذنه ها حسرت نامش دارند

تا نشد خیرالعمل ها ز اذان گو جاری

پرچم نام علی حسرت بام کعبه است ...؟

فاطمه گفت علی ، شد همه جا هو جاری

*****



حسین شیرانی (فرود)

سرود : شاعر خاندان نبوت علیهم السلام

آقای حسین شیرانی (فرود)

>> چارده قرن پر از محنت

دریغا چهارده قرنی علی بی یار و مظلوم است

جهان از فیض دیدار امام خویش محروم است

از آن روزی که مولا شد ، به خون فرق خود غلطان

سراسر پرچم ماتم ، به هر بام و به هر بوم است

علی تاوان ظلم دشمنان را می دهد ، آری

ز قتل محسن شش ماهه اش این نکته معلوم است

هزار و چارصد سالی ، ستم بر شیعیان رفته

که آثارش به هر دفتر ، به رنگ تیره مرقوم است

همان دستی که بر فرق علی زد ، در یمن دیدم

که تا مرفق فرو در خون مظلومان محروم است

هر آنکس با علی و آل او جنگد فنا گردد

که شب در پرتو مهر فروزان نیز معدوم است

نه تنها شیعیان از جور بر حیدر دل افکارند

که هر انسان آگاهی از این غم ، زار و مغموم است

خدا خصم علی را در جهنم جاودان سازد

چرا که قاتل مظلوم و هم مولای معصوم است

ره و رسم علی در فعل هر اهل ولا باقیست

از این رو فتح و پیروزی ، برای شیعه محتوم است

« فرود » از چارده قرن پر از محنت برایت گفت

یقین در روز محشر او ، سر افراز است و مرحوم است

ص: ۱۹۶

صدای غربت مولا / مصطفی فروردین..

سرود : شاعر خاندان رسالت علیهم السلام

آقای مصطفی فروردین

(از خمینی شهر)

>> صدای غربت مولا

نماز جاری باران ، دعای سبز قنوت

رئوفِ فکر یتیمان ، امیر با جبروت

نگاه من به نگینش ، امید من به دعاش

به بخششاش به رکوع و به رحمتش به قنوت

به شوق بندگی او نشسته اند عمری

خلیل و آدم و نوح و شعیب و هم طالوت

کسی که غیر علی مِهر دیگری دارد

نبوده اهل ثبات و نگشته اهل ثبوت

هر آنکه رد شده در امتحان نوکری اش

بدون شک که مسیرش گذشته از برهوت

صدای غربت مولا چهارده قرن است

به گوش مردم دنیا رسیده از ملکوت

اگرچه بعد نبی شیوه ی علی صبر است

ولی مقابل دشمن دمی نکرده سکوت

*****

گرد ملال بر چهرۀ کعبه / حاج محمد علی فریور (فریور)

سرودۀ : شاعر با ولایت و اخلاص

آقای حاج محمد علی فریور

(از اصفهان)

>> گرد ملال بر چهرۀ کعبه

درود خاص خداوند قادر متعال

بود همیشه و پیوسته بر محمّد و آل

علی ولی خدا و وصیّ پیغمبر

شهادتش شده اکنون هزار و چارصد سال

هنوز بعد هزار و چهارصد سال است

که روی چهرۀ کعبه نشسته گرد ملال

ولادتش شده کعبه ، شهادتش مسجد

زهی سعادت مولا و خوش بر این اقبال

ز تیغ پور مرادی به مسجد کوفه

کبوتر حرم کعبه گشته خونین بال

علیست آنکه ز بعد رسول مانندش

نکرده خلق بعالم خدای جلّ جلال

طعام سُفره مولا برای خصم حرام

به دوستان ، نمک مرتضی همیشه حلال

ز فیض قدسی مولا بود که اهل ادب

ز شهر شعر « فریور » کنند استقبال

*****

ص: ۱۹۸

هزار و چارصدسال از عروج / مهدی قاسمی نیسیانی

سرود : شاعر با ولایت و اخلاص

آقای مهدی قاسمی نیسیانی

(از اصفهان)

>> هزار و چارصد سال از عروج

گلستان شد زمین ، شور و شعف در کار دین آمد

ترک برداشت کعبه ، حضرت حبل المتین آمد

علی ابن ابی طالب ، امام عالی اعلا

برای یاری اسلام و ختم المرسلین آمد

برای شهر علمی که رسول آخرین باشد

دری از نور ، با نام امیر المؤمنین آمد

برای بستن عقد اخوت با رسول الله

برون از آستین ، دست خداوند مبین آمد

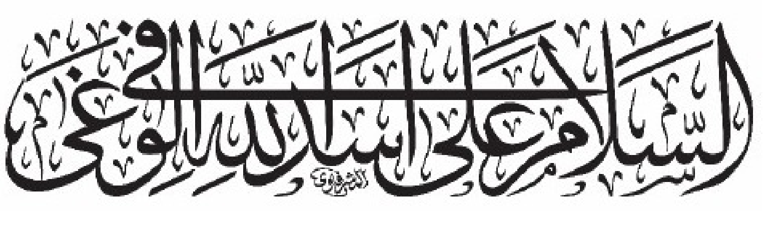
کسی که بر سرش بنهاده حق تاج عدالت را

چرا با دست دنیا ، بر سرش شمشیر کین آمد

هزار و چارصد سال از عروجش می رود اما

مگر مانند او دیگر کسی روی زمین آمد ؟؟

*****



چارده قرن غربت / ستاد محمد قدسی..

سروده : شاعل اهل البیت

استاد محمد قدسی

(از اصفهان)

>> چهارده قرن غربت

طپش قلب من وضویی ساخت

در گلو بغض شاعری وا شد

چون که نام تو در دهان چرخید

واژه ها شد ردیف و گیرا شد

***** *****

ای علی! ای بهان شعرم

شعرهایم شروع یک رنگی است

شاعرت شعر سرخ خواهد گفت

شعرهایی که شرح دلتنگی است

*****

کوفه بود و اذان و آخر و فجر

دید چشم تو ابن ملجم را

او ز وحشت به رو در افتاده

زیر لب دارد اسم اعظم را

ص: ۲۰۰

*****

شوق دیدار یار در دل تو

بی صدا رفت و کرد بیدارش

چشم بستی به روی شمشیرش

رد شدی تو ز خبث پندارش

*****

تو از آن تیغ تیزتر از مرگ

طلب وصل یار می کردی

تو به مقصد رسیدی و عالم

خوب فهمید تو اَبَر مردی

*****

ضربه ای هولناک آمد و گفت

با منادی تَهَدَّمَت وَ الله

ریخت اَرکانِ آسمان در هم

شد به هم آه و اشک ها ، همراه

*****

کوفه ، مثل تو مصر غربت شد

آه ! یوسف فتاد در ته چاه

تا به امروز پهن□□ گیتی

بوده کنعانِ غربتت ای ماه !

یا علی ! فُزتُ گفتی و هر سال

کعبه همراه تو همان گوید

یک دهان می شود به ماه رجب

که تو را دم به دم ، ز تو جوید

*****

کی اگر فُزتُ گفتن تو نبود

سینۀ او شکاف بر می داشت

بهر دفع سپاه ابره ها

تیغ را بی غلاف بر می داشت

*****

از ترک خوردن تنش پیداست

کز غمت داغ بر جگر دارد

رَجَبیّون شود دلش هر سال

که شکافی عجیب بر دارد

*****

این ترک خوردنی است هر سالی

از تو دارد دهان گفتن را

از تو این زادگاه یاد گرفت

غربت از دیگران نهفتن را

ص: ۲۰۲

تو رسیدی به وصل جانانه

بی تو ماییم بی کس و تنها

چارده قرن رفته و هر روز

غمی از نو اَمان بُرَد از ما

*****

ای علی ! ای توسل شب من !

تو غریبی غریب را دریاب !

تو که یا اَیُّهَا العَزیزِ منی

غرقِ اَمَّن یُجیب را دریاب !

*****

خضر مایی تو ای علی ! ما را

جرعه ای ده ز چشمهٔ ظلمات

چشم ما قرن های بعد از تو

هست شب زنده دار آب حیات

*****

ای جهان ! ما چهارده قرن است

که علی را غریب می بینیم

کودکانیم سر به دامن اشک

گُلِ غُربت ز چشم می چینیم

ص: ۲۰۳

در غَمِ آن یَلِ یتیم نواز

کارمان روز و شب پریشانی است

بی حضور بهار باور ها

فصل ها عمدتاً زمستانی است

*****

قرن ها هر چه بیشتر گذرد

بیشتر بین ما علی تنهاست

هِق هِق گریه های ما تا حال

نسخه ای ز آن کتابخانه نکاست

*****

آه از آن روبهان ، چه بد کردند

با تو ای شیر حق در آن اعصار

چه زبان ها در آمد از حلقوم

و چه سر ها که رفت بر سر دار

*****

گرگ های گُرسنه ، رَم دادند

از سر آن دیار ، آهو را

زاغ با قار قار زشتش داد

کوچ از آن آشیان پرستو را

باز را ، جغد بر نمی تابد

ماه را می کَشَد به زیر نقاب

آب ها را به گِل می آلاید

می نشاند به جای آب ، سراب

*****

یا علی ! ما چهارده قرن است

بغض فریاد در گلو داریم

هر یک از ما ، چه مشت محکم ها

بر دهان های یاوه گو داریم

*****

یا علی ! چاه غربتت ماییم

غم خود را نهان مدار از ما

ما که لا یُمکِّنُ الفَرار از تو

و تو لا یُمکِّنُ القَرار از ما

*****

چشم ها بعد از آن شهادت تو

دیده هر روز کربلایی نو

روبرو با سقیفه ای تازه

ماجرا پشت ماجرایی نو

روزها بی حسین و بی حسن و

بی تو ای پادشاه کشور جان

گرچه هر روز هم شود نوروز

باز هم کهنه است مثل خزان

*****

یک هزار و چهار صد سال است

که همه عصرها ، نفس گیر است

گریۀ شیعیانت ای مولا !

دجله وار از مژه سرازیر است

*****

اشک چشم انتظار ها یک سو

روی گلبرگ گونه ها جاری است

سوی دیگر ز کودکان یتیم

ناله هاشان چه ناروا جاری است !

*****

غربتت از تمام غربت ها

هر نفس بیش و بیشتر گردد

نیست اُمّید رو به راه شدن

تا که وضع زمانه برگردد

ص: ۲۰۶

بعد از این هم ، همیشه مظلومی

تیرهای بلا به سمت شماست

از تو گفتن گناه رهرو تو است

شاهدش داستان کربلاست

*****

یا علی ! ما چهارده قرن است

دیده ایم از مخالفان بیداد

کوچه ها را تمام پرسه زدیم

غربتت را زدیم بس فریاد

*****

به جز از عده ای که معدودند

دیگران نیستند ناب و نجیب

عهد نابسته با تو می شکنند

چه عجیب است حالشان،چه عجیب!

*****

ما به هر عصر از این هوسناکان

کینه های کمر شکن دیدیم

جای یکرنگی و وفاداری

سست عهدی ز مرد و زن دیدیم

اگر امروز بین ما بودی

ابن ملجم زیاد می دیدی

خنجر از پشت می زدند به تو

جای صِحّت ، فساد می دیدی

*****

در ارادت چو قاب تصویرند

جانِ در تن فسردۀ بی درد

رنگشان ، رنگ نقش سَنگیِ قبر

مثل سنگ مزار ، مرده و سرد

*****

هر یکی مست عیش و نوش و هوس

بی تفاوت به لحظۀ فرمان

دست بیعت دراز کرده ولی

عهد نابسته بشکند پیمان

*****



ص: ۲۰۸

امامم امام فاطمه سلام الله است / محمدرضا لطیفی

سرود : شاعر اهل البیت علیهم السلام

آقای محمدرضا لطیفی

(از اصفهان)

>> بهشت خداوند ، شهر دل ، نجف است

در این حوالی و شاید در این حوالی تر

که هست حال من و شعر و عشق عالیتر

در این حوالی و در سینه ای که بیتاب است

که بدر صبر شده در غمی هلالی تر

چهارده سده بعد از شهادت مولاست

هنوز جام عدالت ز پیش خالی تر

*****

چهارده سده از مرگ بو تراب گذشت

چقدر حال جهان خسته و خراب گذشت

پس از شهادت عالیجناب حضرت عشق

شبانه روز جهان ، غرق اضطراب گذشت

*****

چهارده سده کار جهان پر آشوب است

ولی به عشق شما حال عاشقان خوب است

*****

بگو بهشت خداوند ، شهردل ، نجف است

بگو بدون ولایت ، حیات ، بی هدف است

چقدر خوب مرا شیعه ی علی ، نام است

چقدر سعد سر آغازم و سرانجام است

*****

ص: ۲۰۹

کسی شبیه من خسته عاشقی جوید

نشسته است و ز چشمانیار میگوید:

منم که بلبل طبعم ز عشق گویا شد

خمار چشم علی را ز شوق جویا شد

علی که پای من خسته کعبه تا کوفه

به شاهراه وصالش به شوق پویا شد

*****

علی که بعد شهادت چهارده قرن است

هنوز آینه ها مبتلای او هستند

علی که این همه قرن است هر چه آزاده است

به سرزمین عدالت فدای او هستند

تمام مردم آزاده در تمام جهان

هنوز عاشق او آشنای او هستند

*****

>> امامم امام فاطمه سلام الله است

چهارده شده تعداد قرن های فراق

چهارده سده ظلم و خیانت است و نفاق

چگونه من بسرایم غم مکرر را

که بو هریره گرفته است جای بوذر را

اگرنه داعش وحشی سقیفه ای فام است

چرا جنایتشان تحت نام اسلام است

ولی هنوز امامم امام فاطمه است

ز شور عشق به جانم هنوز زمزمه است

هنوز بوی شهادت پر است در جانم

هنوز مرتضوی فاطمی است ایمانم

چهارده سده بعد از شهادتت مولا

بود تمام وجودم پر از حضور شما

*****

استاد علی اکبر لطیفیان (از مفاخر شعر آیینی)

سرود : شاعر خاندان رسالت و امامت علیهم السلام

استاد علی اکبر لطیفیان (از قم)

(از مفاخر شعر آیینی)

وا نشد جبریل اگر سمت نجف بال و پَرش

بهتر آنکه بر زمین جاری شود خاکسترش

خوش به حال آن کبوتر بچه ای که تا سحر

می پرد از صحن ایوانش به صحن دیگرش

داستان سنگ و زر یعنی که ما و فضه اش

قصه شاه و گدا یعنی که ما و قنبرش

خاک را گل می کند گل را خلائق می کند

نیست هر که خلق مولا خاک عالم بر سرش

این هم از ظرفیت دنیای بی ظرفیت است

هر که او را می پرستد می نویسد کافرش

با علی یکتا پرستیم ، ورنه می خواهیم چکار

آن خدایی را که این آقا نباشد مظهرش

آرزوی مرگ کردن چار کارش بود

سائلی که دست خالی می رود از محضرش

چارده قرن است دارد رزق ما را می دهد

با همان یک مرتبه بخشیدن انگشترش

آه ... ظلمت آه ... ظلمت آه ... ظلمت می شود

وای اگر خورشید را روزی براند از دَرَش

مرتضی یعنی قسیم النار و الجنه ، ولی

هست معیارش در این تقسیم حبّ همسرش

تازه کعبه آبرویی یافت و قیمت گرفت

همچنانی که صدف قیمت گرفت از گوهرش

از در کعبه نرفت و بر در کعبه نرفت

چونکه باید بعد ازین کعبه بیاید بر درش

خاک یا خاکسترش کن مصحفی را که در آن

آیه ی « الیوم اکملت » نباشد محورش

مبعث ختم رسل ترویج حب حیدر است

تا دهد نشر ولایت حق کند پیغمبرش

به خودش که جای خود ، حتی به خاک پاش هم

هر کسی شک می کند شک می کنم به مادرش

کور دل ها احمقند ، احمق چه می فهمد علی

جان احمد بود که خوابید بین بسترش

جز علی و فاطمه دیگر ندیده روزگار

اینقدر شرمنده باشد همسری از همسرش

*****

شهید زنده تاریخ... /چهاردهمین قرن شهادت ... / علی غفراللهی (ماهر)

سروده : شاعر دلباخته اهل البیت علیهم السلام

آقای علی غفراللهی

(ماهر اصفهانی)

>> شهید زنده تاریخ امام علی علیه السلام

یا امیر المؤمنین ای مظهر پروردگار

وی ز روی با صفایت جلوه ی حق آشکار

ای بزرگ آئینه وجه خدای لا یزال

وی جمال بی مثالت حق نما آئینه وار

نقش کلک آفرینش از تو شد منّت پذیر

تا بماند در جهان آفرینش پایدار

بر فراز مسند ملک وجود از امر حق

تا ابد فرمانروایی با شکوه و اقتدار

یا علی شیرازه بند دفتر امکان تویی

با سر انگشت تو گردد محور لیل و نهار

ای کلام الله ناطق ای خداوند جلال

از تو باشد جاودان آئین وحدت برقرار

آفرین بر دست و بازوی تو ای مجلای حق

کز تو شد در روز میدان قدرت حق آشکار

ص: ۲۱۳

رایت اسلام و قرآن را تو بنمودی علم

از کمال همت والا و ضرب ذوالفقار

در حقیقت دادِ مردی دادی از روز ازل

تا ابد این سکّه را باشد ز نامت اعتبار

گر خلیل حق بنا بنمود بیت الله را

کعبه و رکن و مقامش را تو بخشیدی وقار

سینه ات الحق بود دریای علم ذوالجلال

جای دارد ریزد از لعل تو دُرّ شاهوار

ناجیان را دیدن روی تو خواهد شد نصیب

کعبه گر باشد مطاف حاجیان از هر کنار

تا گرفتی جای بر صدر سریر سروری

سکّۀ عدل و امانت از تو شد کامل عیار

غاصبان بد گهر قدر تو را نشناختند

ورنه می کردند در پای تو جان و سر نثار

در میان مسلمین بس اختلاف انداختند

کج نهادان خدا ناباور ناسازگار

خون دلها خوردی از نابخردان دین فروش

خود سریها دیدی از حق نا شناسان بی شمار

رنج ها بردی تو از ظاهر مسلمانان دون

حیله ها دیدی ز کافر سیرتان دین شعار

کینه توزان منافق بهر کسب جاه و مال

مکر و فن بردند از غفلت به کار دین ، به کار

غصب کردند ای ولی حق به ناحق حقِ تو

داشتند آنان که بیش از حق خود را انتظار

وای بر آنان که با نام مسلمانی زدند

ضربۀ کاری به جسم شرع و دین کردگار

چارده قرن است بدخواهان شهیدت کرده اند

لیک تا محشر بماند نام نیکت پایدار

ای شهید زندۀ تاریخ اسلام ، ای علی

تا قیامت از تو شد ، شرع محمد ماندگار

ای علیّ مرتضی ، ای شاهد غیب و شهود

ای که بر ملک خدایی تا قیامت شهریار

یا علی ای مظهر جود و سخا و عاطفت

« ماهر » از لطف تو باشد در جزا امیدوار

*****

ص: ۲۱۵

>> چهاردهمین قرن شهادت حضرت علی□

شاهی که بود صبح سعادت روزش

جان بخش بود کلام پند آموزش

در کعبه ولادت و شهادت محراب

جانها به فدای طالع فیروزش

بگذشت هزار و چارصد سال تمام

از فاجع□ شهادت جان سوزش

>> رباعی

روزی که شهید شد بمحراب دعا

اسرار نهفته علی شد به ملا

می برد شبانه آنکه شام فقرا

او بود علی مرتضی شیر خدا

****

یک عمر به غربت وطن بود علی

محکوم به عدل خویشتن بود علی

مظلوم شهید گشت و مظلوم بزیست

زیرا که امیر بُت شکن بود علی

****

آواز□ قد قُتل ، فضا را پر کرد

آوای شهادت ، همه جا را پُر کرد

در محضر حق دامن قاتل گیرد

خونِ تو که محراب دعا را پُر کرد

****

افسوس علی مرتضی را کشتند

مرآت جمال حق نما را کشتند

با گریه یتیمان عرب می گفتند

یا رب ز چه نان آور ما را کشتند

****

در سوگ شهادت علی شیر خدا

خون گشت دلِ شکستهٔ اهل ولا

جبریل ندای قد قُتل سر می داد

آن دم که شهید شد به محراب دعا

ص: ۲۱۶

گوهری تابنده / چارده قرن گذشته است / دل غرق در خون/محراب خون/ رباعی/ شیخ علیرضا محمدی (مسافر)

سرود : شاعر خاندان نبوت صلی الله علیه و آله

رباعی آقای شیخ علیرضا محمدی (مسافر)

(از اصفهان)

>> گوهری تابنده

یک هزار و چارصد سال است بی مولا شدیم

داغدار و سوگوار همسر زهرا شدیم

یک هزار و چارصد سال است از تیغ جفا

مرتضی شد کشته ی مظلوم در راه خدا

یک هزار و چارصد سال است نخل و چاه ها

نشنود سوز صدای مرتضی و آه ها

یک هزار و چارصد سال است با صد سوز و آه

خانه ی کعبه ندارد جامه ، جز رخت سیاه

یک هزار و چارصد سال است عدل مرتضی

گشته مدفون با علی ، آن مظهر عدل خدا

یک هزار و چارصد سال است این دنیا ندید

جز علی ، مولود کعبه ، در مصلایش شهید

یک هزار و چارصد سال است قلب شیعیان

خون شده از داغ جانسوز امام انس و جان

یک هزار و چارصد سال است شیعه شد شهید

قاتل مولا به محشر ، شد ز اصحاب جحیم

ص: ۲۱۷

یک هزار و چارصد سال است در شب های قدر

می زند شیعه ز داغ رهبر و مولا به سر

یک هزار و چارصد سال است با عشق و امید

عاشقان گشتند در راه حق مولا شهید

یک هزار و چارصد سال است در این روزگار

شیعه باقی مانده از الطاف حیّ کردگار

بارالها نام حیدر تا قیامت پاس دار

تا شود مظلومیش بر کلّ عالم آشکار

شیعه تا صبح قیامت با کتاب و عترت است

این نشان از پاکی قلب و جلای فطرت است

شیعه باشد دشمن خصم علی و آل او

وال من والا ، خدایا ، عادِ ، هم ، اعدائه

گفته شد شعر « مسافر » در غم شیر خدا

تا بگیرد دست او را در صف حشر و جزا

*****

>> چارده قرن گذشته است

کوفه ، همچون دل ما ، در تب و تاب است هنوز

جگر ما ، همه از غصّه کباب است هنوز

مرتضی مظهر آزادگی و ایثار است

نام او زینت هر لوح و کتاب است هنوز

چارده قرن گذشته است و ، ز سوز و داغش

اشک در دیده ی هر شیخی و شاب است هنوز

شیعیان اشک فشانند و همه گریانند

گریه از داغ علی ، عین صواب است هنوز

عجبی نیست که تا صبح قیامت گریند

عالم از هجر رخش دیر خراب است هنوز

کودکان از علی و دوری او پرسیدند

پرسشی تلخ ، که جویای جواب است هنوز

لاله ای از چمن آل عبا پرپر شد

که به چشمان محبان ، دُرِ ناب است هنوز

مرتضی آب و ، خلائق همگی تشنه ی او

این لب خشک فلک ، تشنه ی آب است هنوز

شافع اهل گنه ، ساقی کوثر باشد

او امید همه و ، شیعه ی ناب است هنوز

گرچه باشد گنه و جرم « مسافر » سنگین

او محبّ علی و ختم مآب است هنوز

ص: ۲۱۹

>> دل غرق در خون

بزن بر سینه ، ای شیعه ، هزار و چارصد سال است

که دل از ماتم حیدر ، دمادم غرق در خون است

روان کن از دو چشمانت ، تو اشک ماتم او را

که چشم اهل دل از غم ، مثال رود جیحون است

به تن کن جامه ی ماتم ، برای شاه مظلومان

که پرچم در عزای او ، فراز بام گردون است

چنان بن ملجم کافر ، فرود آورد آن شمشیر

که فرق آن شهید حق ، هنوز آغشته در خون است

هزار و چارصد سال است که مولا با دلی خونین

چو لاله در دل صحرا ، به زیر خاک ، مدفون است

علی یار پیمبر بود ، علی فاروق اکبر بود

که هم اسلام و هم شیعه ، به حیدر جمله مدیون است

خدایا رحم کن بر ما ، بحقّ حضرت زهرا

که ظلم و جور بر شیعه ، ز حدّ و حصر بیرون است

یقین دارم من محزون ، که مهدی تا صف محشر

برای جدِّ مظلومش ، عزادار است و دلخون است

« مسافر » از غم حیدر ، زند بر سینه و بر سر

که عشق او به مولایش ، مثال عشق مجنون است

*****

>> محراب خون

هنوز می شنود چاه ، ناله های تو را

هنوز درک کند سوزش صدای تو را

به گوش شب برساند ، نسیم نخلستان

دعای نیمه شب و ذکر ربّنای تو را

هنوز جمله یتیمان ، به عشق دیدن تو

به صد امید بجویند ، ردّ پای تو را

تویی که مرغ ، در آن شب ، ز ترس هجرانت

به التماس گرفته ، پر عبای تو را

زهی که حق ، به اجابت رساند ، نیمه ی شب

ز لطف و مرحمت خاص خود ، دعای تو را

چو تیغ بر سرت آمد ، ز راه کینه و جور

خدا شنید ز محراب خون ، ندای تو را

تو آن امام رئوفی ، که با حسن گفتی

بر ابن ملجم قاتل ، بَرَد غذای تو را

هنوز جای تو در قلب ما بُوَد باقی

نبوده است فنا ، چشمه ی بقای تو را

به سوی عرش برفتیّ و ، چارده قرن است

هنوز شیعه به پا می کند عزای تو را

خدای عالی اعلا ، به روز حشر و جزا

ز قاتل تو بگیرد ، خون بهای تو را

کسی که خاک کف پای تو نمی گردد

چگونه مدح تو را گوید و ثنای تو را

خدا کند که « مسافر » به وقت جان دادن

ببیند آن رخ زیبا و دلربای تو را

ص: ۲۲۱

ای آنکه هست منتقم ات صاحب الزمان

داغت شرر زده بر قلب انس و جان

از لحظه ای که شیعه به سوگت نشسته است

باشد هزار و چارصد از سالاین جهان

*****

روزی که محاسنت ز خون گشت خضاب

از داغ تو قلب شیعیان گشت کباب

ای میر عرب ، چهارده قرن ، هنوز

چشمانِ همه ز داغ تو هست پر آب

*****

ای آنکه تویی همسر زهرای بتول

داغت زده آتش به دل آل رسول

چارده قرن جهان به سوگ تو می گرید

صد لعن بر آن خوارج پست و جهول

*****

فرق علی بشکست و رفت از دار دنیا

چشم از جهان بر بست و شد مهمان زهرا

بگذشت چارده قرن از روز وداعش

هر سال بزم ماتمش گردیده بر پا

(مسافر)

رایحهٔ عدل علی علیه السلام / مهناز ملکی ریزی

سرودۀ : شاعر اهل البیت علیهم السلام

خانم دکتر مهناز ملکی ریزی

(از زرین شهر)

>> رایحۀ عدل علی علیه السلام

نخل های عطش از غربت شب بی تابند

چاه ها منتظر زمزمه ی مهتابند

کوچه ها چشم به راه قدم ماه شدند

که یتیمان سحر ، گوش به دقّ البابند

می دمد این سحر از برق نگاه شب او

عرشیان ، سجده زنِ ماهوش محرابند

صبح اینشهر پر از رایحهی عدلعلی ست

کوفیانش ، سحر و شام به غفلت خوابند

زاده ی کعبه ی دل ، شاهدِ محراب شوی

مهر و ماه از قدم و فرق سرت می تابند

پیش قد قامتِ سروش ، همگان غرق رکوع

بیدلان ، معتکف بارگه اربابند

چارده قرن به نامش متوسل شده ایم

چون علی سرور دل ها بشوی ، کمیابند

*****

چهارده قرن مظلومیت /سید مجید موسوی..

سرود : شاعر اهل البیت

سید مجید موسوی

(از اصفهان)

>> چهارده قرن مظلومیت

چاه اگر به دست تو به آب برسد

جام شراب است

که در گلوی نخل ریخته می شود

و نخل تاک تازیانه خورده ایست

که تنها از دست محتسب سیراب می شود !

نخلیم

که هزار و چهارصد سال است

با خطبه مرگ تازیانه می خوریم

با همام تازه می شویم

با آفرینشت می میریم

و با شقشقیه دو نیم می شویم ...!

بی الف یا بی نقطه

آنقدر در گلوی ما ریخته ای که در نهروان شام ، موشکهایمان هم دقیق

می شناسد اشعثی ها را

روز به روز به چاه تو بیشتر دچاریم

وقتی هنوز

به صفین حجاز نرسیده ایم

در از خیبر تلاویو نکنده ایم

لاتِ مَنهتن را نشکسته ایم!

چاه اگر به دست تو به آب برسد

جام حیات است ...

لیلا مهذب...

سروده : شاعر خاندان امامت علیهم السلام

خانم لیلا مهذب

(از اصفهان)

به سینه ، یاد خدا دارم و نشان علی

سلام من به علی و به خاندان علی

دل زمینیِ گمراه من ندارد بیم

که روشن است به انوار آسمان علی

به قدر آیه ی قرآن دلم یقین دارد

به آن چه گفته خداوند از زبان علی

عجیب نیست بسوزد تمام نخلستان

پر است سینه ی چاه از غم نهان علی

نه این که تیغه ی شمشیر کارگر افتاد

رسید زهر جهالت به استخوان علی

زمان رد شده از آن چهارده قرن است

زمانه پر شده از لطف بیکران علی

زمان گذشت و زمین بی بهانه می دوزد

هنوز دیده به دستان مهربان علی

جهان فدای علی ! جان چه ارزشی دارد ؟

که باد جان جهانی فدای جان علی

ازل ز نام علی تا ابد فروزان است

به حق کهمانده سیاهی به دشمنان علی

*****



ص: ۲۲۵

چهارده صده اسلام داغدیده توست / حاج غلامرضا سازگار (میثم)

سرود : شاعر بزرگوار و نامدار اهل البیت علیهم السلام

حاج غلامرضا سازگار

(میثم)

>> چهارده صده اسلام داغدیده تو است

چهارده صده بگذشت از شهادت تو

هنوز کعبه بود کعبه ولادت تو

هزار قرن دگر هم نمی رود از یاد

زمامداری و داد تو و عدالت تو

بزرگی و شرف عزت و عدالت را

بشر ندیده مگر دوره خلافت تو

تنت به دیدن اشک یتیم می لرزید

اگر چه لرزه به گردون فکند هیبت تو

درود بر تو و بر اشک های نیمه شبت

سلام بر تو و بر غیرت و شجاعت تو

امیر بودن و دور فقیر گردیدن

زهی تواضع و قدر و جلال وعزت تو

خزانه های الهی در اختیارت بود

نبود جز زره و اسب و تیغ ثروت تو

که دیده بر سرِ دوش رسول بت شکنی

برد به شانه خود مشک آب پیرزنی

که دیده در کره خاک زیر تابش ماه

زمامدار جهان راز دل کند با چاه

یتیم داری و فرمانروائیِ عالم چگونه شرح دهم لا اله الا الله

چهارده صده بر حضرتت رسیده ستم

ز دشمنان ستمکار و مردم گمراه

چهارده صده تو ناشناس تاریخی

کسی نگشته ز قدر و جلالتت آگاه

ص: ۲۲۶

چهارده صده جاریست خون شیعه تو

به پای دوستی تو بدون جرم و گناه

چهارده صده تاریخ شاهد است علی

که روزگار عدالت بدون توست سیاه

چهارده صده بیداد در جهان حاکم

چهارده صده چشم عدالتاست به راه

چهارده صده اسلام داغدیده توست

گواه ناله و فریاد ناشنیده توست

زمامداری تو عدل و داد را آراست

هنوز پرچم سبز عدالتت بر پاست

چهارده صده فریاد می زند شیعه

هزار قرن اگر بگذرد علی مولاست

چهارده صده شهر مدینه می گوید

علی کسی است که اول فدائیش زهراست

هنوزآهن تفتیده روی دست عقیل

ندادهدکه کجا میروید عدل اینجاست

هنوز وصف علی هست زینت قرآن

هنوز نام علی ثبت در کلام خداست

چهارده صده گردیده حق به دور علی

قسم به حق که حقیقت بدون او تنهاست

چهارده صده محراب کوفه می گوید

که ای تمام خلایق علی امام شماست

خدای عزوجل راز با علی گوید

چهارده صده اسلام یا علی گوید

تو جان پاک محمد تو روح قرآنی

تو هر کجا که خدا حاکم است سلطانی

توصومی وتوصلاتی توحجی و تو زکوه

تومحشری تو بهشت و صراط و میزانی

ص: ۲۲۷

اگر خدات بگویم بکفر محکومم

اگر بخوانمت انسان تو فوق انسانی

مقام و قدر و جلال تو را نداند کس

خدای داند و پیغمبرش خودت دانی

زمینیان و سماواتیان به فرمانت

چنان که ذات خداوند را به فرمانی

تو شیر حق تو یدالله فوق ایدیهم

تو نوح کشتی خلقت به موج طوفانی

تو در کتاب خداوند ، باء بسم الله

تو کوثری و تو یاسین تو آل عمرانی

تو در زمین و سماوات بی همانندی

تو سرّ غیب ، تو اعجوبه خداوندی

فروغ عدل خدا در زمامداری تو

تمام عمر زمان ، دور شهریاری تو

نوشته بر کمر کوه های سر به فلک

سلام کوه به صبر و به بردباری تو

تو آن بلند مقامی در آشیانه خاک

که آسمان شده مبهوت خاکساری تو

فقیر شهر شده با رفاقت تو امیر

یتیم فخر کند بر یتیم داری تو

چهارده صده بوده است لحظه لحظه روان

هماره در رگ اسلام خون جاری تو

هنوز با نفس لیلۀ المبیت ، علی

خدا سلام فرستد به جان نثاری تو

چه چاه ها که ز آه شب تو شد لبریز

چه نخل ها شده سر سبز اشکباری تو

ص: ۲۲۸

نماز صبح حزین / صادق میرصالحیان..

سرودۀ : شاعر مکتب امامت علیهم السلام

آقای صادق میرصالحیان

(از اصفهان)

>> نماز صبح حزین

مقیم کعبه علیّ و جهان مقیم علی ست

شکاف خورده که ثابت کند حریم علی ست

هوای جنگ اگر با علی ست طوفانی

هوای شهر ولی مملو از نسیم علی ست

قسم به مدّ ولاالضالین که راه نجات

قدم نهادنِ در راه مستقیم علی ست

هر آنکه بو برد از ماجرای کیسۀ نان

از آن زمان ، وسط کوچه ها یتیم علی ست

کشیده بار جهان را به دوش خود هر شب

که روزیِ همه بر شانۀ کریم علی ست

اگر که مانده دو رکعت ، چهارده قرن است

نماز صبح حزین ، از سر دو نیم علی ست

به وقت پا شدن از کودکی ، علی گفتیم

که دستگیریِ ما ، عادت قدیم علی ست...

*****

چهارده قرن غم بار امانت /محسن ناصحی..

سرود□ : شاعر دلسوخت□ خاندان امامت و ولایت علیهم السلام

آقای محسن ناصحی

(از اصفهان)

>> چهارده قرن غم بار امانت

به مسجد می رود معنا کند روح عبادت را

به مسجد می برد با خود علی امشب شهادت را

دلیل محکمی دارد اگر در داخل محراب

فُرادی می کند در سجده ی دوم جماعت را

مگر اینبار در بستر بخوابد ساعتی آرام

که سوزانده است عمری در فراقش خواب راحت را

برای کشتنش از بدر تا محراب ، راه افتاد

ندیدم هیچ جا از تیغ ، تا این حد سماجت را

چنان آغوش وا کرده است رفتن را که تا امروز

میان مرگ با انسان ندیدم این قرابت را

سحر ، در کمتر از یک لحظه ارکان هدی لرزید

مگر گویا تر از این بود تفسیر قیامت را !؟

رها شد نغمه ی فزت و رب الکعبه در عالم

علی می خواست دریابیم معنای سعادت را

بلی گفتیم عشقش را و اینک چارده قرن است

به دوش شیعه می بینم غم بار امانت را

ص: ۲۳۰

چهاردهمین قرن / چهاردهمین سده / سید محمود مرتضوی نائینی (ناظر)

سرود : شاعر دلداده اهل البیت علیهم السلام

آقای سید محمود مرتضوی نائینی

(ناظر)

>> چهاردهمین قرن شهادت

فیض شهادت در ره حق فیض عظمی است

خورشید هستی بخش شام تار دنیاست

بعد از هزار و چار صد سال از فراقش

سوزان دل اهل ولا از داغ مولاست

هر چند از ره چارده قرن آمد و رفت

غوغا هنوز از داغ آن مظلوم بر پاست

چون استن حنّانه آن محراب هر دم

نالان ز سوز داغ آن مولای تنهاست

خون علی بر قدرت محراب افزود

از خون فرق او نماز و روزه برجاست

مظلومی آن مظهر عدل و یقین را

تا دامن محشر زبان چاه گویاست

روشنگر دل های ما ایمان او شد

آن جلوه تا روز قیامت عالم آراست

مولای اهل دین علی ، در هر دو عالم

اهل ولا را تکیه گاهی پای برجاست

از یمن نام دلربایش تا قیامت

ایمان و قرآن و خط اسلام احیاست

هر کس که باشد پیرو از جان مرتضی را

چشم دل از الطاف او پیوسته بیناست

آن دل همیشه سبز چون باغ بهشت است

کز مهر روی حیدر صفدر مصفّاست

« ناظر » به چشم دل در آن محراب بنگر

خون سر مولا هنوز آنجا هویداست

*****



ص: ۲۳۲

>> چهاردهمین سدۀ شهادت

گذرد نسیم سحر از آن ، به در سرای تو یا علی

که شمیم تازه بیاید از ، دم جانفزای تو یا علی

وزش نسیم سحرگهان، که شود جهان چو جنان از آن

که دهد به جسم فسرده جان ، بود ازعطای تو یا علی

نفس مفرّح فرودین ، که دمد به سوسن و یاسمین

که جهانکند به جنانقرین ، بود ازصفای تو یا علی

مه و مهر و جمله ستارگان ، خط نور ممتد کهکشان

همه در سراسر آسمان ، دمد از ضیای تو یا علی

تو شَه سریر ولایتی ، که طلوع مهر هدایتی

تو دُر ثمین سخاوتی ، دو جهان گدای تو یا علی

به فلك به عرصۀ بحر و بر ، ملك و پری همه چون بشر

همه را همیشه بود نظر ، به کف سخای تو یا علی

ز سر ارادت و بی امان ، همه عاشقان تو هر زمان

همه منتظر به نثار جان ، به ره ولای تو یا علی

تو ولی خالق اکبری ، تو همان وصی پیمبری

که پس از نبی سر و سروری ، نبود سوای تو یا علی

چو به لوح سورۀ هل اَتی ، همه گفته وصف تو را خدا

به چکامه « ناظر » بینوا ، چه کند ثنای تو یا علی

سده اش چهار ده اَسَفا ، شده کز جفای خصم دغا

شده ای شهید و گریه ما ، بود از برای تو یا علی

ص: ۲۳۳

بود چارده قرن از ماتمم / سید مصطفی مهدوی (نحوی)

سرودۀ : شاعر خاندان ولایت امامت

آقای سید مصطفی مهدوی

(نحوی)

>> بود چارده قرن از ماتمت

علی را به جایی رسد اقتدار که فرمان او را برد نور و نار

هر آنکس شود پیرو راه او به دنیا و عقبا شود رستگار

اگر همچو میثم به او دل دهی بباید که سر را نهی پای دار

قلوب همه با ولای علی شود خالی از ترس و از اضطرار

بزن دست حاجت به دامان او رهایی چو خواهی ، ز هر گیر و دار

دمی کن توجه به یاد علی چو گشتی به صدرنج و محنت دچار

بر افراشت او پرچم دین حق چو زد دست بر قبضۀ ذوالفقار

به سوی عدم رفت کفر تمام قدم زد چو در عرصۀ کارزار

علی دادخواه و علی دادگر علی کار ساز و علی شهریار

ندارند آنان که مهر علی نماند ز ایشان به جز ننگ و عار

مدیر امور جهان یا علی نظام دو گیتی به دستت مُدار

شده چارده قرن ، از داغ تو تمام جهان تیره چون شام تار

نبوده روا آن همه ظلم و جور به حق تو ای شاه والا تبار

به فرق همایون تو ضربتی زد از کینه بن ملجم نابکار

ص: ۲۳۴

فلک قامتش خم شد از داغ تو شکست پایه ی عرش پروردگار

زمانی که بستی تو بار سفر شده چارده قرن این روزگار

بود چارده قرن از ماتمت دو چشم محبان تو اشکبار

خدایا بحق امیر عرب که در مسجد آمد تو را جان نثار

امام زمان را تو یاری نما برون آرش از پرده ی استتار

پی دیدنش « نحوی » خسته دل ندارد دگر طاقت انتظار

*****

چو طی گردیده از هجرت چهل سال

غمی جانکاه شامل شد بر احوال

از آن تاریخ و آن روز شهادت

شده اکنون هزار و چارصد سال

*****



حاج محمد نعیمی..

سرود□ : شاعر و پیر غلام اهل البیت□

حاج محمد نعیمی

(از قم)

>> چهارده قرن غربت

ای خدایی جمال یا حیدر آیت ذوالجلال یا حیدر

نام تو پا به پای نام خدا نپذیرد زوال یا حیدر

تا که ذکر تو بر زبان آید رود از دل ملال یا حیدر

لافتی در خور تو بود و خدا بر تو داد این مدال یا حیدر

به عدویت بهشت باد حرام به محبّت حلال یا حیدر

بند□ درگه خدا با تو می رسد بر کمال یا حیدر

یاد تو داده تا ابد تأثیر بر اذان بلال یا حیدر

هیچکس جز خدا تو را نشناخت

ای خدایی خصال یا حیدر

مرغ دل ها به گرد مرقد تو می زند بال بال یا حیدر

گر چه هستم گناهکار ولی

بسته ام دل به رحمت تو علی

ای مقام تو قرب عند الله بر تو و قدر تو خداست گواه

نیست غیر از محبت تو ثواب هست راه عداوت تو گناه

راه تو راه مستقیم خداست ای خوش آنکس که رفت در این راه

شاملش رحمت خدا گردد هر که آرد به درگه تو پناه

آنکه پا جای پای تو نگذاشت رفت راه خطا و شد گمراه

ص: ۲۳۶

چارده قرن بر غریبی تو آه غربت بر آید از دل چاه

چارده قرن رفته است و هنوز سینه نخل هاست پر از آه

سوزد از سوز سینه ات خورشید گرید از گریۀ تو دیده ی ماه

چارده قرن می کشد دنیا انتظار ترا به نیم نگاه

چارده قرن از شهادت تو بگذشته به روزگار سیاه

کاش فرزند تو ظهور کند

عالمی را محیط نور کند

*****



ص: ۲۳۷

سید علی مهدوی (والا)

سرودۀ : شاعر با ولایت علیهم السلام

آقای سید علی مهدوی

(والا)

آنکه باشد در دو عالم درّ دریای شرف

کعبه باشد مولد و آرامگاهش در نجف

مهر تابان جهان افروز میر لو کشف

عالم آمد از وجود بی مثالش در شعف

تا ز حق این نعمت عالیّ اعلا شد پدید

چارده قرن است چشم عدل همچون او ندید

ابن عمّ مصطفی داماد ختم الانبیاء

گوهر مجد و عُلی سردار ملک ارتضا

آن که در وصفش خدا بنموده نازل هل اتی

نور لطفش روشنی بخش شب شاه و گدا

گرچه دشمن خواست دین حق نماید ناپدید

چارده قرن است ایمان را بود حبل الورید

ملک عدل و حق و ایمان را بود او شهسوار

با وجود او نماند هیچ ظلمی پایدار

در ثنایش خواند جبریل امین از کردگار

لا فتی الّا علی لا سیف الّا ذوالفقار

چارده قرن است نامش روح بر عالم دمید

شد عدالت با جلای نام حیدر رو سپید

گرچه شاد از شوکت سردار آئینیم ما

یک هزار و چارصد سال است غمگینیم ما

هم عزادار شهنشاهی جهان بینیم ما

در عزایش هم دل و هم چشم خونینیم ما

فزت رب الکعبه را دانست بر خود یک نوید

لعن حق بر ابن ملجم ، قاتل و خصم پلید

شد فلک گریان ز قتل سرور و مولای دین

شد سیه پوش عزایش کعبه تا عرش برین

او که گرید در عزایش دیده ی روح الامین

گفت « والا » در غمش با ناله و آهی حزین

تا که در محراب شد آن سرور و مولا شهید

پشت عالم چارده قرن است در سوگش خمید

*****



مظلومی بزرگ / حاج علی شیرانی (یتیم)

سرود : شاعر با اخلاص

آقای حاج علی شیرانی

(یتیم)

>> مظلومی بزرگ

ز بعد یک هزار و چارصد سال

«علی»همواره مظلومی بزرگ است

هنوز از سطوت تو می هراسند

که در اسلام مولایی سترگ است

*****

علی سردار سربازان اسلام

کهدرهر غزوه همچون شیر جنگید

علی آن رهبر عالی مقامی

که از خَصمِ خدا هرگز نترسید

*****

علی آن کس که بهر دین اسلام

برای مشرکان مرد خطر بود

علی آن رهبر آگه « یتیما »

که بر اِیتام مانند پدر بود

ص: ۲۴۰

چهارده قرن عشق علی علیه السلام / علی اصغر یزدی

سرود□ : شاعر اهل البیت علیهم السلام

آقای علی اصغر یزدی

(از قم)

>> چهارده قرن عشق علی علیه السلام

عقل در مانده در روایاتش

جهل منکر شدست از بنیاد

در خدایی خویش هم بنده ست

جُمِعَت فی صِفاته اضداد

*****

فکر نان شب یتیمان بود

حاتمی که گرسنه می خوابید

گرچه راه جنون به ما آموخت

بیشتر درس عقل را می داد

*****

زور و زر را طلاق داد علی

سودِ او را همه ضرر دیدند

پیش قومی که کور و کر بودند

در سکوت است معنی فریاد

*****

قعر زندان علی علی می گفت

بر روی دار هم علی می گفت

میثم اینگونه در دل هر « بند »

با علی بود سر خوش و « آزاد »

*****

ابر و باد و مه و درختان را

خاک و خورشید و حور و انسان را

کُلِّ مخلوق های یزدان را

چه کسی غیر او کُنَد امداد

*****

ما اسیران کوی او هستیم

جام قالو بَلا به جان زده ایم

وطن ما اگر نجف باشد

قلب ما می شود علی آباد

*****

باده ی ناب کوثری ما را

غرق در موج عشق او کرده

مانده ام در زلالی این جام

از چه رو شیخ می کند ایراد

*****

کوه ایمان علی است از این رو

عاشق او شدن چه « شیرین » است

هر کسی در طواف او باشد

در ره عشق می شود فرهاد

*****

دست افتادگان غم را جز

لطف مولا کسی نمی گیرد

چارده قرن پای عشق علی

هر دلی شد خراب ، شد آباد

***

ص: ۲۴۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹